

به نام خداوند دانا و توانا

**توافق ژنو؛ مصالح، منافع، و امنیت ملی:
تحقق وعده‌های انتخاباتی آقای روحانی**

اسفند ماه ۱۳۹۲

دکتر حسین رفیعی (م.ح.ر.ف)
(استادیار بازنشسته دانشگاه تهران)

فهرست مطالب

پیشگفتار:	۵
مقدمات	۷
فرآیند مذاکرات تا بده و بستان قرارداد ژنو	۱۲
سناریوی اول: نیاز امریکا به متحد استراتژیک در منطقه	۱۴
سناریوی دوم: ایجاد یک رقابت هسته‌ای در منطقه و یک بازار مناسب برای غرب	۱۹
اقتصادی بودن برق هسته‌ای در خاورمیانه و شمال آفریقا	۲۵
سناریوی سوم: لیبائیزه کردن ایران	۲۸
اتهامات آمریکا - غرب	۳۰
اتهامات ایران:	۳۱
جنگ طلبان آمریکایی - اسرائیلی	۳۲
اصول‌گرایان - رادیکال ایرانی مخالف توافق ژنو	۳۴
اعتراض بعضی از رجال سیاسی به تخریب در توافق ژنو	۴۴
ارزیابی سه سناریوی غرب برای ایران	۴۴
سناریوی چهارم: سناریوی ملی - قانون اساسی	۴۷
"تفنگت را زمین بگذار"	۵۳
فتوای رهبری	۵۳
شرایط فعلی فعالیت‌های هسته‌ای ایران	۵۴
آیا برق هسته‌ای برای ایران اقتصادی است؟	۵۴
نتیجه‌گیری	۵۵
منابع و توضیحات	۶۱

پیشگفتار:

اول - این نوشتار در صدد تضعیف و تخریب؛ نظام جمهوری اسلامی، رهبری و قانون اساسی نیست بلکه، هدف آن کوششی جهت مصون‌سازی ایران، از تهدیدهای داخلی و خارجی است. دغدغه نویسنده، امنیت ملی، مصالح ملی و منافع ملی است. اگر در مواردی بیان واقعیت‌ها و نقد و اعتراض‌ها تند و گزنده است، به منظور تأثیرگذاری بیشتر می‌باشد.

دوم - علیرغم، انتخابات امیدوارکننده خرداد ۹۲، منتفی شدن حمله نظامی امریکا به سوریه و توافق ژنو با ۵+۱؛ هنوز تهدید به تخریب ایران، نابودی جمهوری اسلامی و سرنگونی حاکمیت آن و " تغییر رژیم"، منتفی نشده است. همانطور که یکبار رهبری هم گفته است: منطقه انبار باروت است و کسی نمی‌تواند آینده را پیش‌بینی کند. آسیب‌شناسی تهدیدها، ضرورت حیاتی این مرحله از تاریخ مملکت می‌باشد. شتاب تحولات، رصدکردن دائمی آنها را ضروری می‌سازد. آسیب‌شناسی برای حفظ کیان مملکت، وظیفه هر ایرانی است حتی اگر به ناحق به؛ «تشویش اذهان عمومی»، «تهدیدکننده امنیت ملی»، «براندازی قانونی»، «تبلیغ علیه نظام»، «اخطار» و تهدید به زندان و محکومیت در دادگاه و از هجوم دیگری مانند سال ۱۳۷۹ به اپوزیسیون قانونی و متعهد؛ خبر دهند. ارزیابی بر حق و ناحق را باید به جای دیگری واگذار کرد.

سوم - ایران با توافق ژنو، وارد مرحله بسیار تعیین‌کننده‌ای شده است که عواقب و پیامدهای این مرحله ممکن است از انقلاب ۱۳۵۷، تأسیس اسرائیل و نتایج جنگ اول جهانی در منطقه هم، کمتر نباشد. لذا ضرورت حساسیت تمامی نیروهای ملی، مستقل و مسلمان و غیرمسلمان ایرانی را به جد می‌طلبد. گذر از این مرحله ما را بر سر یک دوراهی قرار می‌دهد؛ تخریب و نابودی همه‌ی دست‌آوردهای ملی یکصد ساله و استعدادهای بالقوه‌ی مملکت و یا حرکت پایدار در مسیر توسعه‌ی، پیشرفت، رفاه و آرامش.

چهارم - پس از این توافق، مخالفت با آن در ایران و امریکا بروز شدید داشته است و پنج کشور دیگر این توافق (انگلیس، آلمان، فرانسه، چین و روسیه) خاموش هستند. این حکایت از عمق تنش و چالش بین ایران و امریکا است. جنگ طلبان امریکایی اصالتاً و نیابتاً (از طرف اسرائیل) با آن مخالفت می‌کنند، منطق آنها معلوم است. جنگ و تخریب کشورها - مخصوصاً نوع نفت خیز آنها - یک تجارت پرسود است ولی مخالفان ایرانی این توافق طیف وسیعی را دربر می‌گیرند که در آنها از مافیاهای اقتصادی - دلالی - نظامی تا رانت‌خواران در فضای بلبشوی کنونی و معتقدان ایدئولوژیک و طرفداران جبهه "حق - باطل" بدون دغدغه مصالح و منافع ملی را دربر می‌گیرد.

پنجم - ضرورت پرداختن جدی به تهدید مخالفان خارجی و داخلی این توافق، بسیار حیاتی است. ما در این نوشته، سه سناریو طراحی شده توسط غرب که در نهایت با منافع، مصالح و امنیت ملی همخوانی ندارند، شناسایی کرده و به تفصیل آورده ایم. در مقابل آنها، سعی شده سناریوی بدیلی را ارائه دهیم که در راستای قانون اساسی و توسعه جامع و پایدار کشور می‌باشد.

آقای روحانی، در دوران تبلیغات انتخابات و مدت کوتاه ریاست جمهوری؛ نشان داده اند که مشکلات و تا حدودی راه حل‌ها را می‌فهمند و می‌دانند. بدیل ارائه شده در این نوشته می‌تواند، در صورت حمایت همه جانبه حاکمیت و مردم، و رای از توافق هسته‌ای، توسط دولت آقای روحانی به تحقق نزدیک شود.

مقدمات

اول - توفیق مقدماتی ایران در دیپلماسی خارجی، در مدت کوتاه خدمت دولت جدید که به جلوگیری از حمله آمریکا به سوریه و توافق مقدماتی هسته‌ای با کشورهای ۱+۵ منجر شد، نقطه‌ی شروع دست آوردهای مهمی می‌تواند باشند که سایه جنگ را - حداقل بطور موقت - از منطقه و ایران دور کرده است.

مسوولان روسیه و تحلیل‌گران غربی، تأیید کرده‌اند که ایران در جایگزین کردن خلع سلاح شیمیایی سوریه، به جای حمله‌ی آمریکا و یا غرب به آن کشور، نقش جدی داشته و از نفوذ خود در سوریه استفاده کرده تا عملاً جلوی حمله به این کشور، و تخریب بیشتر سوریه را بگیرد. آقای روحانی هم در گزارش صد روزه‌ی خود به آن اشاره‌ای داشت. اواما، هم با هوشیاری تصمیم حمله به سوریه را به کنگره واگذار کرد و مالیات دهندگان آمریکا، فرصت یافتند تا با تلفن ، SMS و E-mail، نمایندگان خود را از تصویب حمله به سوریه، برحذر دارند.

روشنفکران مستقل آمریکا و غرب می‌گویند که تبلیغ روی فعالیت‌های هسته‌ای ایران توسط جنگ‌طلبان آمریکا و نخست‌وزیر راست‌گرای اسرائیل، بهانه‌ای است برای حمله به ایران و تخریب این کشور. راه جلوگیری از حمله به ایران، دیپلماسی عاقلانه و جلب افکار عمومی مردم صلح‌طلب جهان است. توافق اخیر، حداقل، در این مقطع، جنگ‌طلبان غربی را خلع سلاح کرد. عصبانیت نخست‌وزیر اسرائیل و فشارهای مجلس نمایندگان آمریکا هم به اواما، در این چارچوب قابل تحلیل است.

ایران اگر درست عمل کند، خواهد توانست برافکار مردم آمریکا و اسرائیل تأثیرگذار باشد. تا در انتخابات آینده این دو کشور، مردم آنها برای مدتی هم که شده جنگ‌طلبان را به حاشیه برانند و سایه جنگ را از منطقه، دور کنند.

دوم - حمایت و پشتیبانی رهبری از این دو اقدام، تعیین کننده و نشان از تغییر مثبتی می‌دهد که از قبل از انتخابات خرداد ۹۲ شروع و تا این مرحله در سیاست خارجی تداوم دارد.

اگر این سیاست ادامه داشته باشد و با سیاست‌های دیگری - که خواهد آمد - تکمیل گردد؛ می‌توان امید داشت که ایران برای اولین بار و پس از انقلاب در مسیر توسعه‌ی متوازن سیاسی - اقتصادی - اجتماعی، قرارگیرد و رنج و زحمت و تنش ده‌ها سال مردم کاهش یابد.

واقعیت این است که ما در ۳۴ سال گذشته آرامش نداشته‌ایم و درآمدهای نجومی ارزی، ۱۲۵۰ میلیارد دلار که ۸۵۰ میلیارد دلار آن در هشت سال گذشته بوده، نیروی انسانی تحصیل کرده، زمینه‌های مادی و معنوی توسعه‌ی مملکت و ده‌ها عامل مثبتی که بالقوه در ایران وجود دارد، عملاً و اکثراً به هدر رفته‌اند. چیزی که تلویحاً در گزارش صد روزه‌ی ریاست جمهوری هم آمده بود. عامل اصلی این ناکامی‌ها، تشنج‌های سیاسی - اجتماعی در داخل و با خارج بوده است. تا در روابط داخلی و خارجی تنش‌ها را از بین نبریم توسعه، سراب خواهد بود.

قابل توجه آنکه توافق هسته‌ای کمتر از قبول قطعنامه ۵۹۸ و قبول آتش‌بس نمی‌باشد. همچنان که قبول آن قطعنامه برخلاف قول مشهور جام زهر نبود، بلکه جام شهدی بود که در خطرناک‌ترین لحظه به کام مردم ایران ریخته شد، این توافق هم جام شهد دیگری است که از نشانیدن زهرهای مهلک در آینده به مردم ایران، می‌تواند جلوگیری کند.

اگر آیت‌الله خمینی در سال ۱۳۶۷ قبول قطعنامه ۵۹۸ را به جام زهر تشبیه کردند در مقابل اهدافی بود که بعضی از فرماندهان نظامی و حتی سیاسی به تحقق نشدنی آنها امیدوار بودند که پس از آزادسازی خرمشهر و خروج نیروهای صدام از ایران با ادامه‌ی جنگ بتوانند به آن اهداف برسند. و آن اهداف غیرواقعی و ورای از توان اقتصادی، نظامی ایران و افکار عمومی مردم جهان و ناهمخوان با استراتژی غرب در منطقه عبارت بودند از تسخیر بصره، سقوط حکومت صدام، تشکیل جمهوری اسلامی در عراق و حتی تسخیر قدس از طریق کربلا! موقعی که آمریکا ادامه‌ی جنگ را به صلاح خود ندانست، با دادن اطلاعات نظامی و تجهیزات ویژه به صدام، صدام را قادر ساخت که جزایر مجنون و فاو را پس گیرد و از تسخیر بصره جلوگیری کند.

اسناد محرمانه‌ای که پس از سالها در ماه‌های اخیر منتشر شده‌اند بر این امر گواهی

می دهند. [۱] وقتی آمریکا با سرنگونی هواپیمای مسافربری و زدن سکوهای نفتی ایران، اراده آشکاری از خود نشان داد که کمک کار صدام در جنگ شد و چه بسا که پس از سرنگونی هواپیمایی مسافربری قصد ایجاد یک منطقه‌ی پرواز ممنوع را داشت و حتی اگر جنگ تداوم پیدا می کرد، یک منطقه‌ی آزاد- مانند شمال عراق پس از حمله عراق به کویت- و جداکردن خوزستان از ایران در دستور کار قرار می گرفت. خاطرات روزانه‌ی آقای هاشمی و مصاحبه‌های متعدد ایشان، حکایت از این دارد که بهترین کار را امام کرده است.

از طرف دیگر، مشکلات فراوان مادی و معنوی جامعه و مسوولان، ادامه‌ی جنگ را غیرممکن ساخته بود. ادامه‌ی جنگ در آن مقطع تخریب و تضعیف جامعه را به دنبال داشت که حتی می توانست تا سرنگونی جمهوری اسلامی هم پیش رود و چه بسا که ایران را هم دچار فروپاشی سازد. لذا قبول قطعنامه جام شهد بود.

در مناقشه هسته‌ای هم علیرغم تمامی شعارهای غیرمسوولانه‌ی بعضی از مسوولان- خاصه آقای احمدی نژاد- تمامی مدارک و شواهد حکایت داشته و دارند بر این امر که جنگ طلبان آمریکا- اسرائیل، مترصد فرصتی برای حمله به ایران بوده و هنوز هم هستند تا با توجه به عکس العمل ایران از تخریب مراکز هسته‌ای حتی تا سرنگونی جمهوری اسلامی را پی گیرند. از طرف دیگر مجموعه شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حکومت مداری، اخلاقی و آسیب‌های گسترده‌ی اجتماعی هم ادامه سیاست‌های گذشته را غیرممکن ساخته بود. [۲] لذا، این توافق هم جام شهدی بود که در این مقطع از زهرهای مهلک، در کمین این مردم، جلوگیری کرد. البته اغراق‌گویی‌های آقای روحانی که قدرت‌های بزرگ تسلیم اراده‌ی مردم ایران شدند را باید به حساب مصرف آنها در داخل و شگرد تبلیغاتی ایشان دانست و آلا ایشان به خوبی می داند که زمینه‌های مادی این توافق کجاست.

سوم - آنچه در این توافق آمده است، ضمن اینکه در چارچوب مقررات بین‌المللی و NPT می باشد، همانطور که گفته شد، در جهت دفاع از مصالح، منافع و امنیت ملی و جلوگیری از تهدید و تخریب مملکت هم ارزیابی می شود.

منافع ملی، اعداد و ارقام اختصاص یافته یا بر باد رفته و یا عدم نفعی است که در ایران با عملکردهای گذشته- به ویژه در هشت سال گذشته - از بین رفته‌اند این اعداد و ارقام مرتباً توسط گروه‌های تحقیقاتی و کارشناسان مستقل، و حتی در مواردی توسط مسوولان زیربط، بیان شده‌اند. [۳].

مصالح ملی، شأن و منزلت و حیثیت یک کشور بالذات ابرقدرت، باستانی، با موقعیت

ژئواستراتژیک ویژه و دارای تمدن ایران است که باید وقار و وزن خود را در جهان کنونی و برای نسل‌های آینده حفظ کند. امنیت ملی، حفظ تمامیت ارضی، آرامش مردم و امنیت شهروندان در داخل و خارج کشور و پایداری نظام سیاسی است.

ایران ده سال پیش چنین پیشنهادی برای مصالحه به دولت وقت آمریکا داده بود که جنگ‌طلبان حاکم در آمریکا در آن مقطع که قصد حمله‌ی نظامی و تخریب و نابودی زیر ساخت‌های ایران را داشتند تا ایران را چون افغانستان و عراق و لیبی و سوریه به فلاکت و نابودی بکشانند، آنرا رد کردند و ایران را «محور شرارت» نامیدند. [۴] حال چه شده است که در این موقعیت آمریکا این مذاکره و توافق را پذیرفته است؟ این موقعیت را مردم ایران در انتخاب روحانی و مردم آمریکا در مخالفت با جنگ جدیدی در خاورمیانه، فراهم کردند. پیش‌زمینه‌ی این توافق از ماه‌ها پیش و در دولت قبلی و بدون ابتکار و صحنه‌گردانی آن، و از طریق مذاکرات غیرعلنی، فراهم شده بود.

چهارم - امروز، علاوه بر جنگ‌طلبان آمریکا کشوری بر علیه این توافق تبلیغ می‌کند، اسرائیل، که خود غاصب بوده و طبق ارزیابی کارشناسان غربی با داشتن یک راکتور ۷۰ مگاواتی آب سنگین که در دهه ۱۹۶۰ ساخته است، توانسته بین ۲۵۰ تا ۴۰۰ کلاهک هسته‌ای تولید کند که حداقل دو تا از آنها بمب هیدروژنی با وزن سیصدتن، می‌باشند (http://en.wikipedia.org/wiki/Nuclear_weapons_and_Israel) و از تشکیل کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح هسته‌ای منطقه‌ی خاورمیانه جلوگیری می‌کند و ده‌ها مصوبه و قطعنامه‌ی شواری امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد را زیر پا گذاشته و به هیچ یک از مقررات بین‌المللی و حقوق بشر در مورد مردم مظلوم فلسطین پای بند نیست. از زمان تشکیل این کشور حدود ده جنگ خانمانسوز توسط او و متحدانش در منطقه اتفاق افتاده و مرتباً تنش را باز تولید کرده‌اند. کشورهای این منطقه صدها میلیارد دلار صرف خرید سلاح‌های پیشرفته کرده‌اند و به دلیل عدم توسعه‌ی این کشورها، هزاران میلیارد دلار عدم نفع داشته‌اند.

پنجم - در ده سال گذشته و پس از رد پیشنهاد دولت آقای خاتمی توسط آمریکا مشخص می‌شود که پرونده‌ی هسته‌ای ایران، پرونده‌ای «حقوقی - فنی - علمی» نبوده است، بلکه پرونده‌ای «سیاسی - استراتژیک - نظامی» بوده و از دو طرف بر آتش این پرونده بنزین ریخته می‌شده است. از طرف ایران، احمدی‌نژاد و در مواردی نمایندگان مذاکره‌کننده و نفع‌برندگان و از آن طرف جنگ‌طلبان آمریکا و دولت اسرائیل. با قطعنامه‌های شورای

امنیت و تحولات ضدایرانی در منطقه و تحدیدهای تجاری و تحریم‌هایی که بتدریج گسترده شدند و با این توجیه غیرمنطقی که «امنیت اسرائیل در خطر است»، در واقع برای تهدید امنیت ملی ایران بود. البته لحن و شعارهای هشت سال گذشته به قول روزنامه‌ی معروف اسرائیلی، «هاآرتز»؛ «بیشترین خدمت در پنجاه سال گذشته به مظلومیت اسرائیل» را کرده است (فیاض زاهد، اعتماد ملی ویژه نوروز ۸۶). در این شکی نیست که احمدی‌نژاد با هر ماهیتی و با هر هدفی که آمده باشد، بیشترین خدمات را به ائتلاف نیروهای ضدایرانی و تقویت و تشکل آنها انجام داده است. مناقشات سوریه نشان می‌دهد که ائتلاف نیروهای ضد بشار اسد، سوریه را خاک ریز ما قبل حمله به ایران و تخریب این مملکت تشخیص دادند که با هوشیاری ایران- روسیه و زیرکی اوباما و حتی کارشناسان پنتاگون- که در این مرحله آماده جنگ جدیدی در منطقه نبودند- فعلاً، به مقصود نرسیدند.

ششم - انتشار گزارش صد روزه آقای روحانی و مصاحبه‌های روشن‌گر بعدی، بعضی از وزرای ایشان، به درستی بخش محدودی از «ارث» به جا مانده از دولت قبلی و عمق گرفتاری‌های اقتصادی- سیاسی- اجتماعی- اخلاقی، جامعه را بیان می‌کند. مجموعه بیانات هیأت دولت در این صد روز نشان می‌دهد که این دولت اولاً- بحران‌ها را می‌شناسد و ثانیاً- هنوز به وعده‌های خود پای بندی دارد. ولی آنچه تاکنون کمتر بدان پرداخته شد یکی آزادی زندانیان سیاسی و حصرشوندگان و دیگری عدم راهکاری برای مبارزه با فساد گسترده مالی- اداری در مملکت می‌باشد [۵]

علاوه بر مشکلات وقت‌گیر، شکننده و پرتلاطم آقای روحانی با خارج در داخل کشور هم دو مشکل اساسی فوق‌الذکر، اگر به درستی با آنها برخورد نشود، می‌توانند، برنامه‌های آقای روحانی را با شکست روبرو کنند. توسعه‌ی سیاسی که یکی از شعارهای اصلی روحانی بوده است مشتمل است بر آزادی زندانیان سیاسی - عقیدتی، رعایت حقوق بشر، آزادی تشکل‌های صنفی و مدنی و ... که اگر حل نشود، توفیق سیاست‌های خارجی را با مشکل روبرو خواهد کرد. محکومیت اخیر ایران در مجمع عمومی سازمان ملل، به عنوان نقض حقوقی بشر، یک هشدار جدی در بطن خود داشت که حاکمان ایران تصور نکنند که اگر موضوع هسته‌ای حل شد، حقوق بشر فراموش خواهد شد، بلکه اهرمی قوی و مورد قبول افکار عمومی جهان برای فشار بیشتر بر ایران خواهد بود. اعضای کنگره آمریکا هم به صراحت گفته‌اند که تحریم‌های تصویب شده، علاوه بر انرژی هسته‌ای؛ تروریسم، حقوق بشر و اغتشاش در منطقه را هم در بر می‌گیرد. فساد مالی - اداری گسترده ایران که

به قول دو نفر از اعضای هیأت حاکمه مبارزه با آن غیرممکن هست [۶] عامل دومی است که می‌تواند هر دولتی را به شکست بکشاند. اجماع عمومی نهادهای ذیربط و کارشناسان از رقم واردات سالیانه بیست میلیارد دلار کالای قاچاق است. مافیاهای منتفع از این درآمد که وقتی در داخل تبدیل به ریال می‌شود، احتمالاً چند برابر هم خواهد شد، به سادگی دست از سر هیچ دولتی بر نمی‌دارند. دست و پا زدن‌های بی‌ثمر احمدی‌نژاد در آخر دوره‌اش را به خاطر آوریم که مجبور شد بعضی از حامیان خود را "برادران قاچاقچی" بنامد. طبیعی است که احمدی‌نژاد در مبارزه با قاچاق نه نیت جدی داشت و نه برنامه و استراتژی کارآ، ولی آقای روحانی که آگاه و مصمم به حل مشکلات است، باید بطور جدی به آن بپردازد.

مبارزه با فسادمالی - اداری، فقط و فقط با لشگر رسانه‌ها و نهادهای مدنی آزاد، مقدور خواهد شد. و در ۱۲ سال گذشته که رهبری، سران سه قوه را مسوول مبارزه با فساد کردند جواب نداده است. در دو سال اول ریاست جمهوری آقای خاتمی که مطبوعات نسبتاً آزاد بودند شاخص‌های فساد، بهبودی نسبی نشان دادند ولی بعداً و در دولت احمدی‌نژاد که با تبلیغ مبارزه با فساد آمد، فساد مالی - اداری وسیعاً، گسترش پیدا کرد. مطالعه‌ی روند گزارش‌های تحقیق و تفحص مجلس در بیست سال گذشته نشان می‌دهد که چگونه وقیحانه، علناً بی‌واهمه و طلبکارانه، فساد جاری و ساری است. باندهای فساد از آنچنان قدرتی برخوردارند که دولت، مجلس و قوه قضائیه - بالفرض که اراده‌ی قوی هم داشته باشند - به تنهایی قادر به مبارزه با آن نخواهند بود. باید رسانه‌های آزاد و افکار عمومی به کمک نهادهای رسمی بیایند. تجربه دولت‌های آقایان هاشمی، خاتمی و احمدی‌نژاد نشان داده که توسعه‌ی اقتصادی و سیاسی اگر توأم نباشد و یکی موکول به تحقق دیگری شود. توفیق حاصل نخواهد شد. حالا پس از این مقدمات به اصل مطلب بپردازیم.

فرآیند مذاکرات تا بده وبستان قرارداد ژنو

گفتیم که در این قرار داد که متعاقب توافق بر سر سوریه انجام شد، آنچه به دست آمد، علاوه بر لغو بعضی از تحریم‌ها و مهمتر از آن، دور کردن شیخ شوم جنگ از منطقه بود. این شیخ می‌توانست سوریه را نابودتر از آنچه هست کند و یا به قول کسینجر تجزیه کند و بعداً به ایران هم سرایت نماید.

آنچه در این توافق‌نامه به صراحت توافق شده است عبارتند از:

- حذف اورانیم ۲۰ درصد از طریق تبدیل آن به میله‌های سوخت و یا رقیق کردن آن تا

حد ۵ درصد.

- توقف کمیت و کیفیت سانتریفوژهای فعال ایران در شرایط فعلی.
- تشدید بازرسی‌ها و کنترل تحولات هسته‌ای ایران برای جلوگیری از هر انحرافی.
- برنامه غنی‌سازی آینده با توافق دو طرف و منطبق بر نیازمندی‌های عملی ایران خواهد بود. ظرفیت غنی‌سازی، محل و ذخایر آن (سطح و گستره) را نیازمندی‌های عملی ایران تعیین خواهد کرد.

- پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل با هدف قانع شدن نهایی دبیرکل سازمان ملل متحد (یعنی پذیرفتن قانونی بودن قطعنامه‌های شورای امنیت).
- اثبات اینکه برنامه‌ی هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است.
- توقف عملیات رآکتور آب سنگین اراک.

با توجه به لیست «داده - ستانده»، آنچه ایران گرفته به مراتب بیشتر از آن چیزی است که داده. اگر به اهداف جنگ‌طلبان غرب توجه کنیم که قصد «تخریب خلاق» ایران و نابودی زیرساخت‌های نظامی - اقتصادی - سیاسی - خدماتی جامعه را داشتند و هنوز هم دارند و اگر قبول کنیم که برق هسته‌ای در بهترین حالت و با توجه به منابع عظیم هیدروکربوری ضروری نیست و در بدترین حالت؛ اقتصادی - زیست‌محیطی، نیست و اگر مسامحه از آنچه در سی سال گذشته و بهر دلیل در زمینه هسته‌ای اتفاق افتاده بگذریم، دست‌آورد ایران در این بده - بستان، عظیم بوده و در راستای منافع، مصالح و امنیت ملی است. [۷] کاخ سفید بارها اعلام کرده است که نمایندگان مخالف توافق ژنو در کنگره آمریکا صریحاً بگویند که با «ایران جنگ کنیم» و اهداف خود را پنهان نکنند.
دست‌آوردهای این توافق عبارتند از:

۱- جلوگیری از تخریب زیرساخت‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، خدماتی... ایران و زیان ده‌ها هزار میلیارد دلار.

- ۲- جلوگیری از کشتار صدها هزار و شاید میلیون‌ها نفر مردم این مملکت
- ۳- جلوگیری از تخریب و نابودی منابع و مخازن فرهنگی و تمدن باستانی ایران
- ۴- جلوگیری از مهاجرت میلیون‌ها نفر در داخل و به خارج کشور
- ۵- جلوگیری از به تأخیر انداختن توسعه‌ی مملکت برای ده‌ها سال
- ۶- جلوگیری از وابسته کردن کلیه‌ی شئون مملکتی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی...) به

غرب و عمدتاً آمریکا

۷- جلوگیری از تخریب و نابودی همین اخلاق و بنیادهای مذهبی جامعه

۸- جلوگیری از نابودی امنیت کنونی جامعه

۹- جلوگیری از جنگ داخلی و حتی تجزیه‌ی ایران (مانند عراق، سوریه، لیبی،

افغانستان...)

۱۰- ...

ممکن است کسانی در ایران از درگیری نظامی با آمریکا یا با کل غرب یا با آمریکا- اسرائیل استقبال کنند و فکر کنند که از آن منتفع خواهند شد ولی چشم‌انداز چنین درگیری نظامی‌ای آنقدر وحشتناک و غیرقابل تحمل برای مردم خواهد بود که باید خود را در آینه‌ای ببینند که در آن مردم عراق، سوریه و لیبی و افغانستان می‌بینند. (کتاب، زمستانی سیاه از بهار بغداد، نوشته نویسنده و یکی از همکاران به تفصیل پیامدهای حمله به عراق را بیان می‌کند) حال این سوال مطرح می‌شود که آمریکا با چه تحلیلی و پس از اینکه ده سال پیش دست رد بر سینه ایران گذاشت، آماده انجام این توافق شده است؟ بی‌اعتمادی دو طرف به یکدیگر هم سابقه‌ی تاریخی دارد - از کودتای ۱۳۳۲ - و هم در این ۳۴ سال مرتباً بازتولید شده است. جواب منفی بوش پسر به درخواست دولت خاتمی و مخالفت دولت اوباما با پیشنهاد مشترک؛ ترکیه - ایران - برزیل و مخالفت مسوولان جمهوری اسلامی با توافق آقای جلیلی در ژنو به نمونه‌هایی از عدم اعتماد به یکدیگر و اگرایی در همین چند سال بوده است. در یک سال گذشته چه اتفاقی افتاده که بین دو طرف همگرایی ایجاد شده است؟ اگر به اخبار رسمی و غیررسمی مربوط به مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم محافل و منافع خبری هم تکیه نکنیم و اگر توجه کنیم که در اتاق‌های فکر آمریکا هزاران متخصص روی پروژه ایران کار تحقیقی همه‌جانبه می‌کنند و مرتباً برای سیاست‌سازان آمریکا اطلاعات فراهم می‌کنند تا تصمیم درست درباره ایران بگیرند، آن وقت باید به دنبال پاسخی برای این سوال باشیم. برای پاسخ به این سوال فرض سه سناریو مطرح می‌شود. این سناریوها عبارتند از:

سناریوی اول: انتخاب ایران به عنوان متحد استراتژیک آمریکا در منطقه

این سناریو بر مفروضات زیر استوار است:

۱- آمریکا فعلاً خطر اصلی در جهان اسلام را القاعده، تکفیری‌ها و پیروان متنوع بن‌لادن

می‌داند و نه اسلام شیعی جمهوری اسلامی.

- ۲- طرح ژاندارمی ترکیه از طرف ناتو تاکنون موفق نبوده.
- ۳- هیچ کشوری در منطقه پتاسیل ایران را ندارد. ایران بالذات یک ابرقدرت منطقه‌ای است این پتاسیل عبارت است از:
 - جمعیت و نیروی انسانی متخصص و طبقه‌ی متوسط فعال،
 - منابع خدادادی عظیم هیدروکربوری و غیر آن
 - شرایط نیمه‌دمکراتیک و تجربه‌ی یکصد ساله پارلمان و قانون اساسی،
 - ضعف القاعده‌گی و بنیادگرایی در ایران،
 - موقعیت ژئواستراتژیک ویژه،
 - تمدن کهن و فرهنگ غنی،
 - زیرساخت‌های صنعتی نسبتاً قابل قبول،
- ۴- عربستان علیرغم اینکه متحد استراتژیک آمریکا است یکی از منابع صدور نیروهای القاعده می‌باشد. تفکر وهابی‌گری منشا این نیروهاست و آمریکا، حداقل، به اهداف عربستان مشکوک است.
- ۵- یک تعادل طرفدار غرب را می‌توان در بین پنج کشور؛ ترکیه، ایران، عربستان، مصر و اسرائیل، ایجاد کرد تا هر کشور به درجاتی متحد آمریکا و غرب باشند. چیزی شبیه زمان شاه.
- ۶- اسرائیل را باید وادار کرد تا طرح دو دولت را عملیاتی کند و از تنش منطقه بکاهد فشار اوپاما و کری روی اسرائیل به این منظور است. اخیراً، کری در کنفرانس امنیت بین‌المللی در مونیخ هشدار داد که: «روز به روز کمپین‌های بیشتری برای عدم مشروعیت اسرائیل به راه می‌افتد. مردم به این موضوع بسیار حساس شده‌اند. حرف‌هایی از تحریم اسرائیل در میان است. آیا این‌ها وضعیت را برای ما بهتر می‌کند؟» (VOA، ۹۲/۱۱/۱۴). این اظهارنظر خشم مسوولان اسرائیل را به همراه داشت.
- ۷- آمریکا توجه خود را بیش از پیش به سمت اقیانوس آرام - عمدتاً چین - متمرکز کند و باید از تنش در خاورمیانه و نیروهایش بکاهد.
- ۸- ماشین نظامی آمریکا در این مقطع، توان گشودن جبهه جدیدی در منطقه را ندارد. در این سناریو ایران با جذب سرمایه و تکنولوژی غرب خواهد توانست توسعه‌ی اقتصادی خود را در چارچوب الگوی جهانی‌سازی نئولیبرالیسم آمریکایی انجام دهد، با حذف میرحسین موسوی و افکار عدالت‌خواهانه‌ی او، پس از انتخابات ۱۳۸۸، فضا برای

انجام این الگوی توسعه‌ی اقتصادی با پشتیبانی افراد و احزاب طرفدار نئولیبرالیسم اقتصادی، مقدور خواهد شد. در نبود آزادی و سرکوب فعالان واقعی آزادی‌های سیاسی-مدنی از یک طرف و طرفداران توسعه همه‌جانبه، اقتصادی-سیاسی-حقوق بشری-اجتماعی و کارشناسان ملی از طرف دیگر؛ دو نیرو توانستند فعال باشند. یکی نیروهای عدالت خواه پوپولیستی که بدون برنامه و قدرتمدارانه در هشت سال گذشته به بن بست رسیدند و دیگری طرفداران بازار آزاد هستند که بازاریان سنتی و طرفداران مکتب شیکاگو را در بر می‌گیرند. این نیروی اخیر، می‌تواند زیرساخت‌های اقتصادی و روبناهای فکری؛ نزدیکی به غرب را بهتر ساماندهی کند. نقطه مشترک این دو نیرو فوق‌الذکر عدم توجه جدی آنها به آزادی‌های همه‌جانبه سیاسی-مدنی است.

طرفداران این سناریو در غرب معتقدند که، بلندپروازی‌های ایران در ایجاد یک هلال شیعی و متحدانش در لبنان، سوریه، فلسطین، بحرین و... قابل کنترل خواهند بود و نتایج تحریم‌ها تا هم‌اکنون، رهبری جمهوری اسلامی را برای حمایت از این سناریو قانع کرده است. کشورهای عربی خلیج فارس، اردن، پاکستان، افغانستان و عراق هم قابل ادغام در این سناریو خواهند بود.

رونق اقتصادی و رشدی که با همکاری غرب و طبقه‌ی متوسط ایران تحقق خواهد یافت شعارها و آرمان‌های انقلابی را در خود خواهد بلعید. بورژوازی صنعتی، تجاری و مالی خواهد توانست بورژوازی فعلی نظامی-مافیایی-دلالی-قاچاق‌گری را خنثی و در خود مستحیل کند. در یک نظرسنجی که در ۶۴ کشور و از ۱۶۲ هزار ۹۹۴ نفر پرسش‌شونده انجام شده است و روزنامه وال استریت ژورنال آمریکا به آن اشاره کرده نفوذ ارزش‌های دموکراسی در جامعه ایران در مقایسه با کشورهای عربی (اردن، مصر، و مراکش) و آسیایی (کره جنوبی، تایلند، مالزی و هند) و اروپای شرقی (نظیر رومانی، اسلواکی، روسیه و اکراین) بیشتر و بهتر است. [۸] برای تایید این سناریو می‌توان به روزنامه اومانیته ارگان مطبوعاتی حزب کمونیست فرانسه اشاره داشت که نوشته بود: استراتژی جدید آمریکا بازگرداندن ثبات به منطقه است اومانیته نوشته است که آمریکا چرخشی پراگماتیک‌تر نسبت به پرونده اتمی ایران پیدا کرده، واشنگتن دریافته که مسئله اصلی بیش از آنکه مسئله هسته‌ای ایران باشد بی‌ثباتی در منطقه‌ایست که در گرداب خطرناکی قرار گرفته و پر از مشکل است. [۹]

روزنامه کویتی «الرأی» هم از قول یک افسر عالی‌رتبه ناتو نوشته است که دولت آمریکا

تصمیم گرفته است با اطمینان یافتن از صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران که باعث نگرانی آمریکا و بیشتر از آن نگرانی هم‌پیمانانش شده است؛ دست از دشمنی و جنگ با ایران بردارد و با این کشور همکاری کند... و به مسائل مهم‌تر در منطقه که با منافعش در ارتباط است پردازد.

این افسر عالی‌رتبه ناتو افزوده که خورشید در مناطق حضور نیروهای آمریکا در کره زمین غروب نمی‌کند؛ آمریکا حدود نیم میلیون سرباز و افسر و کارمند دور از آب‌های منطقه‌ای خود دارد که این‌ها یک سوم نیروهای مسلح آمریکا را تشکیل می‌دهند. این نیروها در ۸۶۵ پایگاه نظامی خارج از آمریکا و در یازده ناو هواپیمابر مستقر هستند و سالانه ۲۵۰ میلیارد دلار به خزانه آمریکا تحمیل می‌کنند. مأموریت این نیروها تضمین امنیت منابع نفت و جلوگیری از گسترش درگیری‌ها در جهان است. درگیری‌هایی که ممکن است بر منافع آمریکا تاثیر سوء به جا گذارد. همین افسر ناتو اضافه کرده که بیش از ده پایگاه نظامی آمریکا اطراف ایران (در عمان، امارات، قطر، بحرین، کویت، ترکیه، آذربایجان، ترکمنستان، پاکستان و افغانستان) فعال هستند. حذف حالت آماده‌باش این نیروها می‌تواند کاهش نیرو و کاهش یکصد میلیارد دلار هزینه را داشته باشد. [۱۰] توماس فریدمن در نیویورک تایمز، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۳ (۲۱ آبان ۱۳۹۲) نوشت که: «منافع ما فقط در محدود کردن قابلیت‌های اتمی ایران نیست بلکه در خاتمه دادن به جنگ سرد ۳۴ ساله میان ایالات متحده و ایران است که به منافع ما و نیز به منافع دوستان عرب و اسرائیلی ما آسیب رسانده است. بنابراین علیرغم تلاش‌های اعراب و اسرائیل برای توقف توافقی که فکر می‌کنیم برای ما و آنها مفید است، باید بر منافع «خود» اصرار کنیم. منافع فعلی آمریکا، توافق هسته‌ای موقت و متقاعدکننده با ایران است که راهی برای بررسی مسائل دیگر میان واشنگتن و تهران می‌گشاید.» (نقل از چشم‌انداز شماره ۸۳، دی و بهمن ۹۲).

توماس فریدمن در مقاله‌ی دیگری در نیویورک تایمز به صراحت گفته است که: «یا باید با ایران مذاکره کنیم یا بجنگیم» و «... نباید اجازه دهیم که آنها [اسرائیل و اعراب] مانع توافق شوند.» (پیشین)

چاک هیگل، وزیر دفاع آمریکا، در سخنرانی خود در مرکز بررسی‌های بین‌المللی و استراتژیک، در ۵ نوامبر ۲۰۱۳ (۱۴ آبان ۹۲)؛ ضمن تأکید بر دیپلماسی، بر قدرت نظامی آمریکا، تأکید می‌کند و می‌گوید: «... باید تلاش خود را از طریق ائتلافی از منافع مشترک همچون سازمان ناتو، افزایش دهیم... ایالات متحده بعد از یک دهه جنگ پرهزینه و

بحث برانگیز، در حال تعریف نقش خود در جهان است... نیروهای نظامی ایالات متحده به عنوان ابزار ضروری قدرت و سیاست خارجی آمریکا باقی می‌ماند... نیروهای نظامی همواره باید به عنوان یک گزینه مطرح باشد، اما این گزینه باید به عنوان آخرین راه‌حل ارائه شود. ایالات متحده باید از نیروهای نظامی به عنوان مؤلفه پشتیبان استراتژی جامع جهت حفاظت و پیشرفت منافع آمریکا در قرن بیست و یکم استفاده کند... نهادهای نظامی ما باید تغییر شکل دهند تا در مورد ظرفیت، قابلیت و آمادگی مداوم نیروهای نظامی ما اطمینان ایجاد کند» (پیشین)

اندرو باسوچ، نظامی سابق آمریکا و استاد تاریخ و روابط بین‌الملل دانشگاه بوستون، در مقاله‌ای در واشنگتن پست در ۷ دسامبر ۲۰۱۳ (۱۴ آذر ۹۲) به حاکمان آمریکایی توصیه می‌کند که: «ایالات متحده دیگر لازم نیست به نظرات سعودی‌ها تمکین کند چرا که ذخایر نفت و گاز آمریکای شمالی بسیار بیشتر از مقداری است که چند سال پیش تصور می‌شد... زمان آن رسیده که پیمان ایالات متحده - عربستان مورد بازبینی قرار گیرد... همانطور که اسرائیل اعتراضات آمریکا را در مورد گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری نادیده می‌گیرد، ایالات متحده نیز باید مانع از این امر شود که اعتراض‌های اسرائیل، سیاست خارجی آمریکا را در مورد ایران تعیین کند.» (پیشین)

فرانسوا هیزبورگ، رئیس انستیتوی بین‌المللی مطالعات راهبردی لندن و مرکز سیاست امنیت ژنو، در کتاب خود، "ایران، انتخاب سلاح‌ها؟" می‌گوید: «صلح و جنگ هسته‌ای در جهان به آینده بلندپروازی هسته‌ای ایران بستگی دارد. اگر ایران به سلاح هسته‌ای دسترسی پیدا کند، بمب داشتن به یک قاعده و نه استثنا در خاورمیانه و در سطح جهانی تبدیل خواهد شد. دورنمای آن دیر یا زود، جنگ اتمی خواهد بود. برعکس، اگر ایران از برنامه هسته‌ای خود چشم‌پوشی کند، کره خاکی ما بخت نجات از گسترش سلاح‌های اتمی همه‌گیر را خواهد داشت» (نقل از: کتاب بلژیک و بمب، لوک باریه، عضو حزب سبز اروپا، برگردان: انور میرستاری www.gooyanews)

مشکلات این سناریو عبارتند از:

- حذف یا تغییر شعارهای ۳۴ ساله انقلاب و مسوولان جمهوری اسلامی، بر علیه

آمریکا

- تغییر ساختارهای فرهنگی - امنیتی - نظامی که با ادبیات ضدآمریکایی قوام گرفته‌اند.
- قانع کردن بخش معتقدان ایدئولوژیک طرفدار حاکمیت و پوپولیست‌های

ضد آمریکایی.

- چرخش از چین و روسیه و ادغام در نظام آمریکایی و تنش‌های متعاقب آن.
- حل و فصل پرونده‌های قضایی بین دو کشور.
- مقاومت سایر کشورهای این سناریو؛ اسرائیل، عربستان و ترکیه... و مشکل آمریکا در قانع کردن این متحدان.
- مقاومت کشورهای اروپایی برای هژمونی آمریکا در رابطه با ایران

سناریوی دوم: ایجاد یک رقابت هسته‌ای در منطقه و یک بازار مناسب برای غرب

در این سناریو، پس از توافق اخیر، فعالیت‌های هسته‌ای ایران شفاف شده و حتی توانایی‌های بالقوه ایران- مانند حدود چهل کشور دیگر در جهان- برای ساخت سلاح هسته‌ای؟ خطری متوجه منافع آمریکا و غرب در اسرائیل نمی‌کند.

کشورهای غربی - حتی چین و روسیه - می‌توانند یک رقابت بسیار پرسود را برای ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای، تکنولوژی‌های هسته‌ای، و حتی بطور غیررسمی برای سلاح هسته‌ای در دراز مدت - بین کشورهای ثروتمند منطقه، به وجود آورند. این رقابت از عمان تا مصر و ترکیه را در بر خواهد گرفت. در این سناریو آمریکا به ایران خیلی نزدیک نخواهد شد و تخاصم هم نخواهد داشت. برای متحدان کنونی خود عربستان، اسرائیل، ترکیه و امارات... یک چتر حفاظتی سلاح هسته‌ای ایجاد خواهد کرد و رقابت بین این کشورها تشدید خواهد شد. فروش سلاح پیشرفته کلاسیک و غیر هسته‌ای هم بازاری بهتر از هم اکنون پیدا خواهد کرد. اسرائیل همچنان هژمونی سلاح هسته‌ای را خواهد داشت.

پس از گران شدن نفت در ۱۹۷۳، غرب، سعی کرد که این رقابت را در منطقه ایجاد کند. شاه اولین کشور نفت‌خیز پول‌دار شده بود که در این دام افتاد. او با سرعت ده‌ها قرارداد و تفاهم‌نامه، برای ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای، تأمین سوخت این نیروگاه‌ها، فرآوری پسماندهای هسته‌ای و آموزش جوانان ایران، با کشورهای غربی امضاء کرد و صدها نفر از بهترین دانشجویان ایران برای تحصیل علوم هسته‌ای به دانشگاه‌های پیشرفته غرب فرستاده شدند و قراردادهایی با این دانشگاه‌ها بسته شد و در بعضی موارد که با وقوع انقلاب این دانشجویان حتی فرستاده هم نشده بودند، پول پرداخت شده از بین رفت و بعد از انقلاب هم کسی پیگیر قضیه نشد و شاید هم مسوولان اطلاع دقیقی از این قراردادها ندارند.

شگفت‌انگیز است که هیچ توجیه اقتصادی - زیست‌محیطی برای تولید برق هسته‌ای در

زمان شاه، ارائه نشده است و آقای دکتر اکبر اعتماد که مغز علمی و مجری قدرتمند این پروژه‌ها، البته با پشتوانه مداوم و پی‌گیر شاه، بوده است در هیچ کدام از مصاحبه‌های مفصل خود و در تمامی دفاع‌های دائمی خود از برق هسته‌ای در جمهوری اسلامی؛ اشاره‌ای به توجیه اقتصادی - زیست محیطی این طرح عظیم نکرده‌اند. [۱۱]

آقای دکتر اعتماد تأیید می‌کند که تنها شاه مبتکر و تصمیم‌گیرنده و حامی این طرح بوده است نخست‌وزیر، وزارت نیرو، و سایر سازمان‌های دولتی نه از آن مطلع بوده‌اند و نه توجیه شده بودند!

آقای دکتر حسن روحانی - ریاست جمهوری - هم در کتاب مفصل خود که در آن اطلاعات ارزشمندی در مورد نحوه مذاکره با سه کشور اروپائی و توافق‌نامه‌های سعدآباد و پاریس و شیوه‌ی تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی و مشکلات عدیده‌ی بروکراتیک دیده می‌شود؛ هیچ توجیه اقتصادی - زیست محیطی درباره برق هسته‌ای ارائه نداده‌اند [۱۲]. روحانی فقط گذرا به "توجیه انجام شده" زمان شاه و موسسه استنفورد اشاره می‌کنند!! گزارش موسسه استنفورد از موضع منافع ملی - امنیت ملی ایران، تهیه نشده بود و هدف اصلی آن همان طور که گفته شد، ایجاد یک رقابت پول‌ساز برای کشورهای غربی، در کشورهای منطقه با هدف بازگشت بخش مهمی از درآمد افزایش یافته نفت به غرب، پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳، بود. این تصمیم شاه ایران، البته بدون کار کارشناسی و رعایت منافع ملی، از شخصیت خودبترین یک ژاندارم مورد وثوق غرب برمی‌آید که به قول روزنامه‌نگاران آمریکایی، به هنگام خرید سلاح‌های پیچیده و مدرن آمریکایی، ذوق زدگی کودکی را به یاد می‌آورد که اسباب بازی می‌خرد. او انرژی هسته‌ای و سلاح هسته‌ای را برای پرستیز و پزدادن در منطقه می‌خواست و نه برای حل یک مشکل و نیاز ملی. در آن مقطع، هندوستان و پاکستان به دنبال سلاح هسته‌ای بودند. اسرائیل پیشرفت‌های زیادی در این زمینه به کمک فرانسه کرده بود و چندین کلاهک هسته‌ای داشت. امید غرب به کشاندن سایر کشورهای پولدار منطقه به این رقابت پرسود، برای غرب، بود که انقلاب ایران، فضا را عوض کرد. البته باید توجه داشت که مجموعه شرایط درونی جامعه و موقعیت استثنایی ژئواستراتژیک ایران، هر حکومتی را به سمت هژمونی طلبی منطقه‌ای سوق می‌دهد و شاه هم از این رویکرد استفاده کرد.

شاه آنچنان عاشق این طرح شده بود که با عجله، شتاب و پشت کار وصف‌ناپذیری مطالعات انجام پذیرایی آن را به یک موسسه آمریکایی، انستیتوی مطالعاتی استنفورد، واگذار

کرد و آن موسسه، بدون مطالعات علمی قابل دفاع، پیشنهاد کرده بود که ایران اگر بخواهد قدرت بزرگ منطقه شود باید تا سال ۱۹۹۴، ۲۳ هزار مگاوات برق هسته‌ای تولید کند و شاه دستور داد که این طرح در زمان پیش‌بینی شده، اجرا شود و شگفت‌انگیز است که بدون آنکه تعداد رآکتورها مشخص شود، ایده‌آلیستی گفته بود که هر سال یک رآکتور باید افتتاح شود. دانشمندان هسته‌ای از ۶۷ نفر در سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) به ۸۶۲ نفر در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) افزایش یافت و بودجه سازمان انرژی اتمی ایران از ۳۰/۸ میلیون دلار در ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) به ۱/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۶ و به بیش از ۳ میلیارد دلار (معادل ۱۱ میلیارد دلار سال ۲۰۱۲)، در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) افزایش یافت. [۱۳]

قرارداد ساخت اولین رآکتورها با شرکت آلمانی Kraft Werk Union، هر کدام به ظرفیت ۱،۱۹۶ مگاوات با آب سبک به مبلغ، ۴/۳ میلیارد دلار (معادل ۲۱ میلیارد دلار سال ۲۰۱۲) بسته شد و کار ساخت آنها در ۱۹۷۵ شروع و قرار بود که در سال ۱۹۸۱ کامل شوند. محل ساخت این رآکتورها در بوشهر انتخاب شد که روی کمر بند زلزله قرار داشت و زیرساخت‌های اقتصادی آن عقب‌مانده بود. برای تهیه سوخت در سال ۱۹۷۵، یک وام یک میلیارد دلاری - و ۱۸۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ - به کنسرسیوم Eurodif برای غنی‌سازی اورانیم، در فرانسه، اختصاص یافت. شرکت Sofidif که چهل درصد آن متعلق به ایران و شصت درصد آن متعلق به فرانسه بود، تشکیل شد. این شرکت ۲۵ درصد کنسرسیوم Eurodif را به دست آورد که عملاً ایران صاحب ده درصد کنسرسیوم غنی‌سازی اورانیم شد. ایران یک قرارداد ۷۰۰ میلیون دلاری برای خرید ۶۰۰ تن اورانیم کیک زرد با آفریقای جنوبی امضا کرد و ۱۵ درصد سهام معدن اورانیم RTZ نامیبا را به دست آورد. علاوه بر این، دست به کشف اورانیم در داخل و خارج ایران زد. [۱۴]

قرارداد ساخت دو نیروگاه به ظرفیت هر کدام ۹۰۰ مگاوات با شرکت فرانسوی Frmatom برای ایجاد در دارخوین هر کدام به مبلغ دومیلیارد دلار، بسته شد.

فرانسه اعلام کرد که حاضر است ۸ نیروگاه دیگر به مبلغ ۱۶ میلیارد دلار را در ایران بسازد. در ۱۹۷۸ (۱۳۵۶) شاه با ایجاد یک واحد بازفرآوری پلوتونیم با آمریکا موافقت کرد تا بازمانده سوخت رآکتورهای ایران برای بازیابی پلوتونیم به آمریکا حمل شود و فعالیت‌های هسته‌ای ایران دقیق‌تر رصد شود. بعد از این توافق بود که آقای کارتر، به شرکت‌های آمریکایی برای ساخت نیروگاه هسته‌ای در ایران اجازه داد. [۱۵].

تردیدی نیست، که شاه به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای بود و یکبار هم علناً به این

هدف خود اقرار کرد و به روزنامه معروف لوموند گفته بود (بهرنگ رجبی، تاریخ ایرانی). پس از انقلاب از پروژه "شکوفه" یا پروژه "گل" پرده برداشته شد که شاه با همکاری اسرائیل در سال ۱۹۷۷، به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای، با توانایی شلیک موشک سطح به سطح بوده است (ویکی‌پدیا- دانشنامه آزاد) در این پروژه که از آمریکا هم آن را مخفی نگهداشته بودند در اسرائیل روی تجهیزات آمریکایی، مونتاژ کاری می‌شده است تا آن را برای اهداف مورد نظر آماده کنند. در این پروژه و در طی یک سال، ایران مبلغ ۲۸۰ میلیون دلار حاصل از فروش نفت را به آن اختصاص داده بود و اسرائیل هم در آن سال یک میلیارد دلار هزینه کرده است. بعد از انقلاب از سرنوشت این پروژه، خبری منتشر نشد. این هدف، با ژاندارمی شاه در منطقه، درآمد فراوان نفت پس از ۱۹۷۳ و خودبزرگ‌بینی او سازگاری دارد. با انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷، این خواب‌های شاه تعبیر نشدند.

تحولات ۳۴ ساله گذشته در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای ایران و خاصه دشمنی‌هایی که در ۸ سال گذشته در منطقه ایجاد شده است از یک طرف و تحولاتی که در منطقه بین آمریکا و کشورهای حاشیه خلیج فارس اتفاق افتاده از طرف دیگر، می‌تواند رقابت هسته‌ای بین ایران و کشورهای منطقه را فراهم سازد.

مرکز تحقیقات World Nuclear Association در نوامبر ۲۰۱۳، وضعیت کشورهای که در خاورمیانه و شمال آفریقا در صدد هسته‌ای شدن هستند را اعلام کرد. در جدول زیر اطلاعات مربوط به این کشورها آمده است.

توافق ژنو؛ مصالح، منافع و امنیت ملی / ۲۳

لیست نیروگاه‌های هسته‌ای فعال، در حال ساخت و طراحی شدن در خاورمیانه و شمال آفریقا*+

واحدوزن: تن واحد نیرو: مگاوات واحد پول: میلیارد دلار

کشور	نیروگاه فعال	در حال ساخت	مبلغ قرارداد	پیمانکار	سال راه‌اندازی	طراحی شده	مبلغ پیش‌بینی	سال راه‌اندازی	پیمانکار	ذخیره اورانیم
ترکیه	-	۴ واحد	۴۸۰۰	روسیه	۲۰۱۸- ۲۰۲۱	۴۶۰۰ ۴ واحد	۲۲	۲۰۲۳	ژاپن	۷۴۰۰
ایران	۵ و ۹۱۵	+۴۰	-	-	-	۲۰۰۰۰	-	-	-	-
امارات متحده عربی	-	۴ واحد	۵۶۰۰	کره جنوبی	۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰	۱۴/۰۰۰	-	-	-	-
عربستان سعودی	-	-	-	-	-	۱۸۰۰۰ ۱۶ واحد	۸۰	۲۰۳۲	-	-
قطر	-	-	-	-	-	۷۹۰۰	-	-	-	-
کویت	-	-	-	-	-	۴۰۰۰ ۴ واحد	-	۲۰۲۲	-	-
اردن	-	-	-	-	-	۷۵۰ و ۱۲۰۰	۹/۸	۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵	روسیه	۱۴۰/۰۰۰ و *۵۹/۰۰۰
مصر	-	-	-	-	-	۶۰۰۰ ۵ واحد	۲۰	-	روسیه	-
اسرائیل	۵ و ۷۰ x	-	-	-	-	-	-	-	-	-
تونس	-	-	-	-	-	۶۰۰ - ۱۰۰۰	۱/۱۴	-	-	*۵۰/۰۰۰
الجزایر	۱ و ۱۵	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۶/۰۰۰
مراکش	-	-	-	-	-	۲۰۰۰ ۲ واحد	-	۲۰۲۰	-	++۹۶۰
سودان	-	-	-	-	-	-	-	۲۰۳۰	-	-

جمع ۸۴۴۵۰ مگاوات

*+ World Nuclear Association

* اورانیم همراه فسفات

x رآکتور آب‌سنگین اسرائیل که در دهه ۱۹۶۰ به کمک فرانسه ساخته شد و منبع تولید پلوتونیم برای ساخت ۲۵۰ تا ۴۰۰ کلاهک هسته‌ای اسرائیل بوده است.

+ رآکتور تحقیقاتی آب‌سنگین

** اورانیم همراه با فسفات

++ تولید سالیانه اورانیم که همراه فسفات می‌باشد.

ملاحظه می‌شود که اکثر کشورهای منطقه، به جز اسرائیل، به دنبال برق هسته‌ای هستند

و اکثراً طراحی آنها بعد از ۲۰۰۸ می‌باشد و اسرائیل که به دنبال سلاح هسته‌ای بوده است از اوایل دهه ۱۹۶۰ تاکنون با یک رآکتور ۷۰ مگاواتی آب‌سنگین، توانسته آنقدر پلوتونیم تولید کند که در این دوره ۲۵۰ تا ۴۰۰ کلاهک هسته‌ای بسازد.

کشورهای عربی، عموماً برق هسته‌ای را برای نیازهای خانگی، صنعتی و شیرین کردن آب، مطرح می‌کنند. سوال جدی‌ای که مطرح شده این است که آیا این‌گونه تمایل گسترده این کشورها به برق هسته‌ای به دنبال یک تحلیل اقتصادی - زیست‌محیطی است؟ و یا یک گرایش امنیتی و نظامی است. که پس از فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تبلیغات غرب به آن روی آورده‌اند؟ جالب است که هیچکدام از این کشورها به جز ایران و اسرائیل تجربه‌ی قابل‌توجهی در مورد انرژی هسته‌ای و بومی کردن آن ندارند. و حتی برای مطالعات انجام‌پذیری و انتخاب تکنولوژی و جایابی نیروگاه‌ها و مذاکره با فروشندگان تکنولوژی و ماشین‌سازان از شرکت‌های خارجی استفاده کرده و مبالغ هنگفتی به این منظور پرداخت می‌کنند. این نشان می‌دهد که این کشورها عمدتاً کوچکترین تجربه‌ای در مورد تکنولوژی هسته‌ای، برق هسته‌ای و حتی استفاده پزشکی و تحقیقاتی از این تکنولوژی ندارند. حال این سوال مجدداً مطرح می‌شود که با چه رویکردی این انتخاب و این شوق و ذوق به سمت برق هسته‌ای انجام می‌شود؟! معمولاً کسانی که قصد ساخت سلاح هسته‌ای دارند شروع کار با تولید برق هسته‌ای است. برق هسته‌ای مجاز و قانونی است. در رآکتورهای آب سبک غنی‌سازی لازم است که تا ۵ درصد مجاز می‌باشد ولی کسب دانش فنی برای غنی‌سازی ۵ درصد امکان غنی‌سازی تا ۹۰ درصد را که برای سلاح هسته‌ای لازم است، فراهم می‌کند. در رآکتورهای آب‌سنگین از اورانیم خام - بدون غنی‌سازی - استفاده می‌شود ولی فلز رادیواکتیو پلوتونیم تولید می‌شود که اگر کسی تکنولوژی خالص‌سازی آن از باقیمانده سوخت را داشته باشد، می‌تواند سلاح هسته‌ای بسازد، مانند اسرائیل. والا برای تولید برق هسته‌ای، باید جنبه اقتصادی و زیست‌محیطی و اولویت هر کشور مطالعه شود و توجیه داشته باشد. در این مورد؛ به این سه سوال باید پاسخ داد که:

- ۱- آیا برق هسته‌ای در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا اقتصادی است؟
- ۲- آیا با توجه به تمامی زیرساخت‌های اقتصادی - فنی - علمی این کشورها برق هسته‌ای در این کشورها زیست‌محیطی است؟
- ۳- آیا اولویت این کشورها برای تولید انرژی برق - به ویژه برای شیرین کردن آب - برق هسته‌ای است؟

اقتصادی بودن برق هسته‌ای در خاورمیانه و شمال آفریقا؟!

موسسه شبکه انرژی جهانی (Global Energy Network Institute)

که آدرس اینترنتی آن www.geni.org می‌باشد تحقیقات وسیعی تحت عنوان پتانسیل انرژی تجدیدپذیر خاورمیانه و شمال آفریقا در مقایسه با توسعه‌ی انرژی هسته‌ای انجام داده است. ما سعی می‌کنیم که این تحقیق ارزشمند را در اینجا، به طور فشرده ارائه دهیم:

۱- طبق سناریوی ارائه شد در "چشم‌انداز انرژی جهان" [۱۶]، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در فاصله سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۳۰ برای فراهم کردن این مقدار انرژی می‌بایست ۱/۵ تریلیون دلار (۱۵۰۰ میلیارد دلار) سرمایه‌گذاری کند؛ یعنی سالی ۵۶ میلیارد دلار که در این پیش‌بینی، سرمایه‌گذاری عربستان حدود ۳۸۰ میلیارد دلار و ایران حدود ۲۶۰ میلیارد دلار... می‌باشد.

۲- در این دوره اکسیدکربن تولید شده برای تامین این مقدار انرژی از طریق منابع فسیلی، دو برابر خواهد شد یعنی از ۱،۳۹۷ میلیون تن در سال ۲۰۰۳ به ۲،۷۹۵ میلیون تن در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت.

۳- انرژی‌های تجدیدپذیر منطقه:

در این منطقه انرژی‌های تجدیدپذیر؛ خورشیدی، بادی، ضایعات حیاتی (Biomass)، زمین گرمایی، انرژی اقیانوس‌ها - جزومد - و آبی، قابل دسترسی هستند.

۴- پتانسیل تولید الکتریسته از منابع تجدیدپذیر در منطقه‌ی خاورمیانه و شمال

آفریقا:

ظرفیت بالقوه‌ی منطقه برای تولید الکتریسته از منابع تجدیدپذیر، ۶۳۰ هزار تراوات در سال (Twh/y) است. هر تراوات معادل یک میلیون مگاوات می‌باشد. تقاضای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و اروپا روی هم در سال ۲۰۰۰ معادل چهار هزار و در سال ۲۰۵۰ معادل هشت هزار تراوات بوده و خواهد بود [۱۷] یعنی ظرفیت بالقوه از منابع تجدیدپذیر منطقه؛ هشتاد برابر نیاز منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و اروپا در سال ۲۰۵۰ می‌باشد. برای روشن شدن مطلب باید اضافه کرد که خورشید انرژی‌ای که در یک دقیقه تولید می‌کند برای نیاز یک سال و آنچه در یک روز تولید می‌کند برای ۲۷ سال نیاز کنونی کره زمین، کفایت می‌کند. [۱۸].

بر طبق محاسبه‌ی دپارتمان مهندسی برق دانشگاه پادشاه سعودی، خاورمیانه هر سال بین ۳،۰۰۰ تا ۳،۵۰۰ ساعت آفتاب دارد که معادل ۵ کیلووات بر مترمربع در روز

می‌باشد. [۱۹] در ایران، تابش متوسط خورشید معادل ۱۹/۲۳ مگاژول در مترمربع و انرژی باد در ایران معادل ۶۵۰۰ مگاوات است. [۲۰]

معنی این محاسبات این است که فقط انرژی باد ایران معادل ۶/۵ برابر ظرفیت برق نیروگاه بوشهر و انرژی خورشید که به ایران می‌تابد حدود ۳۲،۰۰۰ میلیارد مگاژول است. یعنی قدرت انرژی خورشیدی رسیده به ایران معادل قدرت هزار نیروگاه بوشهر است.

۵- هزینه تولید برق خورشیدی در خاورمیانه

هزینه تولید برق خورشیدی در خاورمیانه در مقایسه با آمریکا کمتر است بطوری که هر کیلووات ساعت برق در امارات متحده عربی ۵ سنت آمریکایی تمام می‌شود و در آمریکا بین ۲۵ تا ۵۰ سنت.

۶- مشاغل ایجاد شده با برق خورشیدی

در مطالعه‌ای که در آمریکا انجام شده است برای تولید ۶ میلیون مگاوات ساعت برق تولیدی سالانه، در سال ۲۰۱۵ یکصد و پنجاه هزار شغل با کیفیت عالی ایجاد خواهد شد. این رقم هم اکنون در آلمان ایجاد می‌شود و این تعداد برای سال ۲۰۲۰ پیش‌بینی می‌شود که به ۳۰۰ هزار نفر، افزایش یابد. [۲۱] بانک جهانی برای مصر توصیه کرده است که استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر از مهاجرت داخلی جلوگیری و فقر را کاهش می‌دهد. [۲۲]

۷- استفاده کنونی از انرژی خورشیدی

در اسرائیل آب گرم هشتصد هزار خانه از طریق انرژی خورشیدی تأمین می‌شود در امارات متحده عربی پیش‌بینی شده است که در سال ۲۰۵۰ بیش از نصف انرژی مورد نیاز آن از منابع تجدیدپذیر خواهد بود که بیشترین درصد آن از خورشید تأمین خواهد شد. [۲۳] هم اکنون از انرژی خورشیدی در امارات برای پارکومترها، راهنمای شناورها، آب‌گرم هتل‌ها، استفاده می‌شود. هم اکنون در دبی برای خنک کردن یک مجتمع یکصد آپارتمانی مسطح استفاده می‌شود که هزینه را به یک سوم کاهش داده است. در هتل دیگری در دبی از انرژی خورشیدی استفاده می‌شود. در ایران هم از انرژی خورشیدی برای روشنایی پارک‌های عمومی و خیابان‌ها و برای پمپ‌های آب در روستاهای دورافتاده استفاده می‌شود. در کشورهای مراکش، اردن، مصر و الجزایر هم در حد محدودی استفاده می‌شود. خلاصه اینکه، انرژی خورشیدی این پتانسیل را دارد که بتواند کشورهای خاورمیانه را برای هزاران قرن به داشتن انرژی الکتریکی پایدار و تمیز مجهز کند. اگر یک واحد تولید

انرژی خورشیدی به اندازه سطح "دریاچه‌ی ناصر" ایجاد شود. برق تمام منطقه را تأمین خواهد کرد. [۲۴]

۸- نگاه‌ی به چالش‌های برق هسته‌ای در منطقه خاورمیانه

۸-۱ اورانیم از معادن کانادا، استرالیا، روسیه، نیجریه، استخراج می‌شود. و باید به خاورمیانه حمل گردد.

۸-۲ اورانیم طبیعی دارای ۰/۷ درصد اورانیم شکافت‌پذیر است که برای سوخت نیروگاهی باید بین ۳/۵ تا ۵ درصد غنی شود. هم اکنون در سراسر جهان ۱۶ واحد غنی‌سازی وجود دارد. معمولاً کشورهایی که واحدهای غنی‌سازی بزرگ دارند، دارندگان سلاح هسته‌ای هم هستند.

۸-۳ تولید میله‌ی سوخت: اورانیم غنی شده باید به اکسید اورانیم تبدیل شود و به صورت قرص، فشرده گردد و در میله‌های سوخت قرار گیرد. در جهان ۲۹ واحد برای این کار موجود است.

۸-۴ واکنش هسته‌ای، در رآکتور، تولید انرژی می‌کند، آب را گرم کرده و توربینی را می‌چرخاند تا تولید الکتریسته کند. در ضمن در آنچه باقی می‌ماند؛ بیش از یکصد ماده‌ی رادیواکتیو نیز تولید می‌شود که پلوتونیم سمی‌ترین و پایدارترین آنهاست با نیمه‌عمر، ۲۵ هزار سال. همین پلوتونیم است که به سلاح هسته‌ای تبدیل می‌شود.

۸-۵ بازیابی پلوتونیم: از باقی‌مانده میله سوخت مصرف شده پلوتونیم بازیابی می‌شود، هم اکنون ۲۳۰ هزار کیلوگرم پلوتونیم در جهان ذخیره شده است. این باقی‌مانده سوخت باید به کارخانجات بازیابی پلوتونیم، حمل شوند و در آنجا پلوتونیم آن تخلیص شود.

۸-۶ باقی‌مانده ضایعات: باید مدفون گردند و هنوز یک تکنولوژی قابل قبول برای دفن بی‌خطر این ضایعات به دست نیامده است. [۲۵] به قول محققین سوئدی «انرژی هسته‌ای، بیشترین هزینه نجات از دست ضایعات آن را دارد.» [۲۶] به طوری که طرح دفع زباله‌های هسته در آمریکا به نام، US YUCCA MOUNTAIN، که در ۱۹۸۱ بین ۶۰ تا ۸۰ میلیون دلار بوده است و به تعویق افتاده بود در ۲۰۰۱ به ۶/۳ میلیارد دلار، افزایش یافته است. [۲۷]

۸-۷ ایمنی: نیروگاه‌های هسته‌ای، خطرناک‌ترین دشمنان، در کمین مردم منطقه‌ی خود، هستند. هر تصادف درونی (مانند انفجار رآکتور چرنوبیل) یا بیرونی (مانند سونامی ژاپن در فوکوشیما)، فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر می‌آفرینند. این دو فاجعه آنقدر بزرگ بودند که شوری

سابق و ژاپن نتوانسته آنها را از چشم مردم جهان مخفی کنند. ولی تاکنون دهها اتفاق محدود با کشتارهای متعدد و تخریب محیطزیست در این نیروگاهها، در آمریکا و اروپا پیش آمده است که رسانه‌ای نشده‌اند و به عرصه عمومی نشت نکرده‌اند. برای اطلاع از آنها به منبع [۲۸] مراجعه فرمائید. این جا شاید مناسب باشد که گفته آقای "صالح ابراهیم" عضو نمایندگی سابق مصر در سازمان بین‌المللی انرژی اتمی را بیاوریم.[۲۹]:

نگرانی من این است که چگونه این صنعت پیچیده را با یک جامعه بدون نظم، مانند مصر، جفت‌وجور کنیم. تجربه ما در خیلی از صنایع مشکلات را نشان می‌دهد. ما حتی سیستم راه‌آهن را نمی‌توانیم اداره کنیم.

۹- مقایسه‌ی هزینه‌ی نیروگاه هسته‌ای و گازی:

در شرایط کنونی برق هسته‌ای بین ۶ تا ۱۰ برابر برق حاصل از گاز طبیعی تمام می‌شود. از جمله در حالی که برق حاصل از گاز طبیعی به ازای هر کیلووات در ایران ۳۰۰ دلار هزینه داشت، برق نیروگاه بوشهر بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار هزینه داشته است.[۳۰]

سناریوی سوم: لیبیائیزه کردن ایران

در این سناریو، بازسازی و تکرار رفتار غرب با لیبی مورد نظر است. قذافی در سال ۲۰۰۳ و پس از حمله آمریکا به عراق، خطر حمله به لیبی را جدی دید. درصدد مصالحه با آمریکا و غرب برآمد. در مذاکراتی که انجام داد، خسارت هنگفت قربانیان انفجار هوایمی Pan Am در لاکربی اسکاتلند و انفجار دیسکوتی در آلمان که باعث کشتن چند صد نفر شده بودند را پرداخت کرد. سپس کلیه مدارک مربوط به سلاح کشتار جمعی، و از جمله اطلاعات مربوط به سلاح هسته‌ای و ارتباط عبدالقدیرخان پاکستانی با لیبی و ایران و کره شمالی را به آمریکا، تحویل داد. علاوه بر این عقب‌نشینی‌ها، ششصد هزار سند اطلاعاتی مبادله شده بین سرویس امنیتی - اطلاعاتی لیبی و سرویس‌های اطلاعاتی سایر کشورها را هم به آمریکا تحویل داد و عملاً به اعتماد سایر کشورها، بدون اطلاع آنها، خیانت کرد(culturallogic.blogspot.com).

قذافی که حدود چهل سال شعار انقلابی و ژست‌های جدی ضدامپریالیستی، داده و گرفته بود و از خیلی از سازمان‌های چریکی و انقلابی در کشورهای مختلف- از جمله در کشورهای اروپایی - حمایت کرده بود؛ با این عقب‌نشینی، شأن و منزلت خود را در داخل کشور از دست داد و تمام اهداف خود را وانهاد. قذافی، چند سال بعد از به قدرت رسیدن،

علیرغم وعده‌های خود در کتاب سبز، شیوه دیکتاتوری را پیشه خود ساخت. شکنجه، کشتار، حبس و ترور ناراضیان و معارضین او را به یک رهبر منفور در بخش متوسط جامعه لیبی، درآورده بود. او حتی از سوسیالیسم خودساخته خویش هم که معتقد بود ریشه در اسلام دارد، صرف‌نظر کرد و اقتصاد نفولیرالسیم آمریکایی را پذیرفت. مرزهای لیبی برای ورود سرمایه‌گزاران و تاجران غربی باز شد. او فکر می‌کرد که از طرف آمریکا «بخشیده» خواهد شد. در حالی که رهبران کشورهای غربی، قصد انتقام‌گیری از مواضع گذشته او را داشتند و لیبی جزء هفت کشوری بود که پس از ۲۰۰۱ در آمریکا سرنگونی حاکمان آنها تصویب شده بود (عراق، سوریه، لبنان، لیبی، سومالی، سودان و ایران - Wesley Clark, 5 March 2007, CNN و کیسینجر در Global Research). قذافی راه مقابله با این توطئه بر علیه کشورش را ندانست و نفهمید. نخواست و نتوانست یک وحدت ملت - دولت را تحقق بخشد. وقتی اعتراضات محدودی در شهرها شروع شد و دستگاه‌های جاسوسی غربی هم به این اعتراضات دامن زدند و دخالت کردند. غرب با فریب روسیه و چین در شورای امنیت، قطعنامه‌ای قابل تفسیر، تصویب کرد و بعد حمله‌ی هوایی توسط ناتو شروع شد. بعد هم، کسانی مانند مرحوم چاوز رئیس جمهور ونزوئلا که خواستند بین اپوزیسیون و قذافی تفاهم ایجاد کنند غربی‌ها نگذاشتند و مانع شدند و تصمیم خود را به‌طور جدی برای سرنگونی او عملیاتی کردند. بمباران هوایی لیبی حدود هشتصد میلیارد دلار به زیرساخت‌های نظامی، صنعتی و خدماتی این کشور، خسارت وارد کردند و قذافی را هم به شکل مشمزنکننده و وحشیانه‌ای در جلوی دوربین‌ها کشتند. تا او نتواند در دادگاه؛ ساخت و پاخت خود با آمریکا را علنی کند. امروز لیبی به یک کشوری بدون حکومت مرکزی تبدیل شده و بخشی از آن کشور طرفدار استقلال است و طرفداران القاعده و بنیادگرایان بسیار فعال هستند و عملاً به دو کشور ناپدیدار تبدیل شده است (Independent 3 September, 2013). می‌بینید که چگونه یک کشور ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی و حتی با خدمات خوب اجتماعی و اقتصادی به مردم (PoweredByExpertColumn.com) ولی دیکتاتور و ضددمکراتیک، این چنین ویران شد و این بهترین هدیه به اسرائیل بود، چیزی که قبلاً در عراق انجام شده بود و الان در سوریه در حال انجام است. در این سناریو، پس از کشاندن کشورها به میز مذاکره مرتباً درخواست‌ها و پرونده‌های کهنه را با استفاده از ضعف این حکومت‌ها در رفتار با مردم خود، گسترش می‌دهند و باز می‌کنند. موقعی که این رهبران، درگیر «میزمذاکره» شدند، مرتباً ادعای جدید مطرح می‌شود و

مذاکره‌کننده جهان‌سومی که ضعف او برای غربی‌ها شناخته شده، مجبور است گام‌به‌گام عقب‌نشینی کند، تا جایی که شأن و منزلت ملی او خدشه‌دار شود و از طریق این مذاکره، در داخل کشور خود، ضعیف شود و از چشم مردم خود بیافتد.

جمهوری اسلامی هم با غرب مسائل زیادی دارد، در ۳۵ سال گذشته به دلیل تخاصم و دشمنی این دو، صدها پرونده ساخته شده است که باید در یک روند مسالمت‌آمیز، حل شوند و الا جنگ و درگیری خونین پیش خواهد آمد. اشتباه است اگر فکر کنیم که بدون باز کردن این پرونده‌ها فقط می‌توان پرونده هسته‌ای را بست. یا آنچه بعضی از جناح راست ایران مطرح می‌کنند روحانی را آورده‌اند که فقط مسائل اقتصادی و خارجی را حل کند و به آزادی‌ها، حقوق بشر... کاری نداشته باشد! این غیر ممکن است پرونده‌های هر دو طرف باید گشوده و حل و فصل شوند. در ادامه‌ی این نوشتار خواهد آمد که ایران قبل از گشودن این پرونده‌ها، باید جبهه‌ی خود را تقویت کند. در اینجا بخشی از این پرونده‌ها را از دو طرف مطرح می‌کنیم؛ ایران هم دست او خالی نیست. ایران هم، از آمریکایی‌ها و اصلاً غرب، طلبکار است:

اتهامات آمریکا (و غرب) از جانب ایران:

- اشغال ایران در جنگ جهانی دوم و وارد کردن صدمات و خسارات فراوان به اقتصاد ملی.
- کودتای ۱۲۹۹ رضاشاه به کمک انگلیس و مسدود کردن روند دمکراتیزاسیون انقلاب مشروطه.
- دخالت آمریکا و انگلیس در کودتا بر علیه دولت ملی و قانونی دکتر مصدق.
- حمایت از دیکتاتوری شاه به مدت ۲۵ سال.
- برقراری روابط اقتصادی - نظامی با شاه و بر علیه منافع مردم ایران
- حمایت از سرکوبی خرداد ۴۲.
- دخالت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌های اجرا شده در زمان شاه ایران. از جمله اجرای طرح کندی در دهه ۱۹۶۰ میلادی.
- ژاندارم کردن ایران در منطقه و دخالت ایران در کشورهای همسایه و در عمان و حتی در جنگ ویتنام با هزینه‌ی مردم ایران.
- صرف درآمد نفتی در تسلیح شاه و جلوگیری از توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی.

- مشارکت در سرکوب مردم ایران از طریق همکاری با ساواک.
- توقیف اموال و دارایی‌های ایران پس از انقلاب
- تشویق به حمله و حمایت از عراق و تجهیز و تسلیح آن کشور، در دوران جنگ تحمیلی و نادیده گرفتن حملات شیمیایی عراق علیه ایران
- همه‌ی این اتهامات، با تقریب نزدیک به حقیقت، مسلم هستند و اسناد و مدارک فراوان منتشر شده آنها را تأیید می‌کند و در یک میز مذاکره جدی و در راستای حل مشکلات ۹۰ ساله، می‌توان آنها را به اعداد و ارقام تبدیل کرد.

اتهامات ایران از طرف غرب (امریکا):

- تسخیر سفارت آمریکا و نگهداری ۴۴۴ روز کارمندان سفارت
- ترور و کشتارهای انجام شده در اسرائیل، لبنان. خیلی از این ادعاها در دادگاه‌های آمریکا حکم گرفته‌اند و ایران به ده‌ها میلیارد دلار محکوم شده است. در مواردی اموال مسلم ایران - مانند لوح‌های تاریخی در دانشگاه شیکاگو و اموال بنیاد مستضعفان - به دلیل احکام دادگاه‌های امریکا، توقیف شده‌اند.
- ترورهای انجام شده در اروپا. بعضی از این اتهامات به دادگاه کشیده شده و حکم صادر شده است (مانند دادگاه میکونوس) و ایران را مجرم شناخته‌اند.
- حمایت ایران از حزب‌الله و حماس و اتهام حمایت از تروریسم.
- تخریب در روند صلح خاورمیانه.
- عدم رعایت حقوق بشر و سرکوب اپوزیسیون.
- همه این اتهامات باید در میز مذاکره حل و فصل شوند و غرب و آمریکا از آنها نخواهد گذشت. همانطور که ما هم نباید بگذریم.
- ایران با هوشیاری و پشتوانه‌ی مردمی - که در ادامه‌ی این نوشتار خواهد آمد - می‌تواند در میز مذاکره از منافع ملی دفاع کند. باید طوری رفتار کند که طرف غربی هم تقصیرات خود را بپذیرد و هزینه‌های آن را تقبل کند، همچنان که ایران هم باید این کار را بکند. استخوان لای زخم گذاشتن به معنی باز گذاشتن این پرونده‌های جدی است که هر وقت می‌تواند مطرح شود و چه بسا در آن موقع ایران در موضع ضعف باشد، الان ایران پس از انتخابات خرداد ۹۲ موضع نسبتاً خوبی دارد این موضع را باید تقویت کند تا بتواند از عهده توفیق در این مذاکره برآید.

توافق ژنو، اگرچه اولین قدم است ولی در عین حال شروع فرآیندی است که می‌تواند یکی از سه سناریوی فوق‌الذکر را عملیاتی کند. و یا ایران را برای همیشه از حیطه‌ی تهدید غرب خارج کند. ایران نمی‌تواند میز مذاکره را ترک کند. چون ترک میز مذاکره، همچنان که آقای هاشمی رفسنجانی هم گفته، طرح جنگ‌طلبان آمریکائی - اسرائیلی را کلید خواهد زد. جنگ‌طلبان آمریکائی - اسرائیلی را باید جدی گرفت. در آمریکا دولت‌ها عوض می‌شوند و تا حدودی در دوران حکومت خود می‌توانند از مواضع حزبی خود دفاع کنند و اهداف پس‌دهن خود را اجرایی کنند. همچنان که ۱۲ نفر جنگ‌طلب دوران بوش پسر توانستند با دروغ، شایعه، پرونده‌سازی، افکار عمومی مردم آمریکا را برای حمله به عراق آماده کنند. به عنوان مثال در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳، بوش پسر و ۷ نفر از مسوولان ارشد کاخ سفید (چنی، رایس، رامسفلد، کالین پاول، پل ولفویترز، آری فلیشر و اسکات مک‌کلان) جمعاً ۹۳۵ بار، دروغ گفته و به صدام اتهام زده‌اند تا زمینه حمله به عراق را فراهم کنند (یلپانی و رفیعی، پیشین). بعضی از این دروغ‌ها با ارائه شیوه‌های تبلیغات بسیار تحریک‌کننده و ترساننده مردم آمریکا همراه بودند. این اتهام‌ها در مورد سلاح کشتار جمعی، ارتباط با القاعده، خرید اورانیوم از آفریقا و... بوده است [۳۱].

جنگ‌طلبان آمریکایی - اسرائیلی

همه می‌دانیم که نتانیاهو، نخست‌وزیر راست‌گرای اسرائیل، از توافق ژنو عصبانی است. بطوری که در مصاحبه‌های تلویزیونی، هم کنترل کافی بر محتوای سخنانش ندارد. او امروز سخنگویی جناح جنگ‌طلب آمریکا (نئوکان‌ها، اعضای تی‌پارتی، حزب جمهوری‌خواه، صهیونیست‌های مسیحی، حامیان صنایع نظامی - نفتی - مالی آمریکا) را هم به عهده گرفته است. هدف این جنگ‌طلبان، مصالحه با ایران و شفاف‌سازی فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیست، بلکه هدف آنها؛ تخریب کامل زیرساخت‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی، صنعتی، خدماتی... ایران است. آنها تخریب کشورها - مخصوصاً کشورهای نفت‌خیز - را به عنوان یک تجارت پرسود می‌بینند. «دکتر بن شوک» و «تخریب خلاق»، به این منظور طراحی شده‌اند. [۳۲]

آقای استیگلیتز، اقتصاددان برجسته‌ی آمریکایی که قبلاً مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور کلینتون و کارشناس ارشد بانک جهانی بوده و بعداً دچار عذاب وجدان شد و از نهادهای اقتصادی سرمایه‌داری فاصله گرفت و چند کتاب در مورد توطئه‌های اقتصادی و سیاسی

این نهادها به رشته تحریر درآورد؛ در یک محاسبه دقیق اثبات می‌کند که مالیات‌دهندگان آمریکایی تاکنون ۵ تریلیون دلار (۵ هزار میلیارد دلار) هزینه جنگ عراق و افغانستان را پرداخت کرده‌اند [۳۳]. عمده این پول در آمریکا خرج شده و به جیب صاحبان صنایع نظامی - نفتی - مالی، قدرتمند آمریکا؛ یعنی ثنوکان‌ها، اعضای «تی پارتی» و صهیونیست‌های مسیحی رفته است. علاوه بر آن مدارک و اسناد زیادی منتشر شده است که در پیمانکاری‌های انجام شده در عراق و حتی برنامه‌ی «نفت در برابر غذا» فساد گسترده‌ای در بین دولتمردان و به وسیله دولت‌های وقت آمریکا انجام شده است. دروغ، نقطه شروع این توطئه‌هاست؛ نتانیاهو، می‌داند که از اوایل دهه ۱۹۸۰ در مورد سلاح هسته‌ای ایران دروغ می‌گوید. او مرتباً و مکرراً شعار داده که «ایران به زودی به سلاح هسته‌ای مسلح می‌شود». و همه‌ی انسان‌های بی‌طرف پذیرفته‌اند که او در این سی سال عمداً دروغ گفته است. او، حزبش و دوستان آمریکایی‌اش، فقط و فقط تخریب کامل ایران و حتی تجزیه آن را هدف قرار داده‌اند. چیزی شبیه عراق، لیبی، سوریه، سودان، مصر... تا یک کشور طرفدار مردم مظلوم فلسطین، از صفحه‌ی تأثیرگذاری جهان، حذف شود.

این جنگ‌طلبان، برای حمله به ایران له‌له می‌زنند و آنقدر عجله دارند که در سپتامبر ۲۰۰۱ و پس از حمله به آمریکا، چند روز بحث داشته‌اند که اول به ایران حمله کنند یا به افغانستان (Wesley Clark - پیشین)؛ اگرچه هم‌اکنون در قدرت اجرایی آمریکا نیستند و شرایط قوه مجریه و مالیات‌دهندگان آمریکایی، حمله به کشور دیگری را بر نمی‌تابند ولی دست از اهداف خود برنداشته‌اند و در اولین فرصت ممکن دست به کار خواهند شد.

خیلی از ایرانیان مهاجر پس از انقلاب و ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ به غرب و عمدتاً به آمریکا مستقیم و غیرمستقیم، دانسته و ندانسته از روی اجبار برای گذراندن زندگی و یا بدون معذوریت؛ بخشی از ۵ هزار نفر فعال در اتاق‌های فکر آمریکا را که روی ایران کار می‌کنند، تشکیل می‌دهند. سازمان‌های اطلاعاتی ایران در بین سال‌های ۱۳۷۸ تا بعد از وقایع ۱۳۸۸ در ایجاد شرایط آنها به مهاجرت نقش داشته‌اند اینکه این نقش دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی با چه رویکردی تحلیل می‌شود، نمی‌دانیم ولی عملاً بخش عمده‌ی این افراد به مخالفان جمهوری اسلامی تبدیل شده‌اند. در شمایل، مخالفان اصلاح‌طلب و یا مخالفان برانداز. حبس و حصر و زندان و تهدید و تحدید دستگاه‌های قضایی، اطلاعاتی، امنیتی ایران از یک طرف و آغوش باز جامعه‌ی غرب و اتاق‌های فکر آنها از طرف دیگر، سنتز کنونی را به دست داده‌اند.

بخشی از این اپوزیسیون مهاجر، به حق، از نقض حقوق بشر در ایران انتقاد می‌کنند و خواهان اصلاحات هستند ولی دستگاه‌های امنیتی - اطلاعاتی ایران، کوشش نکرده‌اند که تفکیکی بین اصلاح‌طلبان منتقد نقض حقوق بشر و طرفداران جنگ و حمله نظامی و براندازی جمهوری اسلامی، قائل شوند. اگر تغییر در سیاست‌ها پیش نیاید، در آینده ممکن است شرایطی پیش آید که زحمات اصلاح‌طلبان منتقد خارج‌نشین به کیسه‌ی جنگ‌طلبان برانداز، سرازیر شود.

نکته دیگر این است که اگر دمکرات‌های آمریکا مخالف حمله به ایران هستند، معلوم نیست که این مخالفت ادامه داشته باشد. بیاد بیاوریم که حمله‌ی محدود آمریکا به عراق و سرنگونی صدام حسین در زمان کلینتون انجام و تصویب شد. و در زمان بوش سرنگونی صدام اجرایی گردید. [۳۴]

اگر به هر دلیلی، ابتکار «اوباما-روحانی» شکست بخورد، جناح‌های جنگ‌طلب آمریکا و ایران طرح خود را پیش خواهند برد و حمله‌ی نظامی و تخریب ایران را عملیاتی خواهند کرد.

اصول‌گرایان رادیکال ایرانی مخالف توافق ژنو

روشن است که آقای روحانی، کاندیدای جناح تندرو و اقتدارگرای حاکمیت نبود. تمایل بیشتر ایشان و کابینه‌ی اقتصادی به سمت کارگزاران و کابینه‌ی فرهنگی و سیاسی متمایل به اصلاح‌طلبان است و این مطلوب جناح راست تندرو که در ۱۶ سال گذشته مرتباً به آقای هاشمی و خاتمی انتقاد کرده، نیست. لذا، پس از انتخابات خرداد، عکس‌العمل‌های جناحی شروع شده است. آنچه احمدی‌نژاد و وزیرانش انجام دادند، جناح راست یا سکوت کرد و یا علناً عکس‌العملی نشان نداد؛ ولی در مقابل عملکرد آقای روحانی و کابینه‌اش بسیار انتقاد می‌کند و «کارت زرد» و استیضاح و... را در دستور کار قرار دادند.

حال اگر از این اختلافات جناحی هم بگذریم باید عکس‌العمل جناح مخالف توافق ژنو و مذاکره با آمریکا را بررسی و قوت و ضعف این مخالفت‌ها را ارزیابی کنیم. ابتدا، مواضع جناح‌های مختلف این جریان را می‌آوریم و سپس به نقد و تحلیل آن می‌پردازیم:

- آقای حسین الله کرم، رئیس شورای هماهنگی حزب‌اله گفت که: [۳۵]

- هدف طراحان رابطه با آمریکا نافرمانی مدنی در ایران است.

- طرح اوباما و دوستانش این است که در کشور شاهد دو دستگی بین مردم شود که

این مسئله به بی‌ثباتی در کشور دامن خواهد زد.

- اوپاما با انجام مکالمه تلفنی تنها موفق شد ۳۴ سال مقاومت ملت ایران در مقابل عدم واگذاری مساله را به چالش کشد.

- **فرمانده کل سپاه** روز سه‌شنبه ۱۹ آذر ۹۲ در جمع گروهی از دانشجویان دانشگاه امام صادق ضمن بیان این مطلب که تیم مذاکره‌کننده در این سند و مذاکرات از خطوط قرمز عبور نکرده است ولی گفت که: «امیدواریم در مذاکرات هسته‌ای چیزهای بیشتری نداده باشیم» و در مورد سخن دکتر ظریف در جمع دانشجویان دانشگاه تهران که گفته بود آمریکا با یک بمب می‌تواند سیستم دفاعی ایران را از کار بیندازد. گفت: «ایشان در مسائل نظامی و امنیتی تجربه‌ای نداشته‌اند و به هیچ وجه این دید درست نیست.»

- **باز از فرمانده سپاه نقل شده** که: «موشک‌های، ما باید به رژیم صهیونیستی برسد و موشک‌های موجود دو هزار کیلومتری هم به رژیم صهیونیستی می‌رسد.» او پرونده هسته‌ای را «بهانه‌ای برای فشار به مردم در جهت جدایی از شعارهای انقلاب» توصیف کرد. [۳۶]

- **نشریه «۹ دی»** در شماره شنبه ۹ آذر ۹۲ در صفحه اول خود نوشت «توافقنامه ژنو جام زهر». تیتراهای فرعی این شماره عبارت بودند از «نه تحریمی برداشته شد نه غنی‌سازی تثبیت شد»، «حظور تعجیل ظریف برای بهره‌برداری داخلی، دستان ایران را خالی کرد؟» و «آنچه از ما بُردند و بازی را بُردند»، «حق خودمان را به خودمان فروختند.»

- **محمدجواد لاریجانی** در سخنانی، گفتگوی تلفنی روحانی و اوپاما را برنامه‌ریزی شده از سوی صهیونیست‌ها نامید. روزنامه جمهوری اسلامی وی را «بازنشسته فکری» خواند و تأکید کرد گوینده این سخن بسیار سخیف و توهین‌آمیز باید دلیل اقامه کند. مقاله‌ی جمهوری اسلامی به مذاکره لاریجانی با نیک‌براون انگلیسی و کنار گذاشتن ایشان از وزارت خارجه و حمایت ۸ ساله از احمدی‌نژاد هم اشاره می‌کند و می‌نویسد: «به تحرکات مشکوک این روزها، که نشان از آغاز یک تلاش همه‌جانبه از ناحیه شکست‌خوردگان انتخابات ۲۴ خرداد برای گرفتن انتقام از دکتر روحانی و حامیان وی دارد، توجه نمایند و به این دام خطرناک و بی‌عاقبت نیافتند.» [۳۷]

- **امام جمعه موقت تهران**، احمد خاتمی، گفت که: «بیدار باشید!» امروز خطی در جریان است که سرخط در خارج، و میانه وسط آن در داخل است. این خط می‌خواهد نفرت از آمریکا و استکبار را از جان مردم بگیرند که این‌ها وادادگان سیاسی هستند... به آمریکایی‌ها پیام بدهند روزبه‌روز بر نفرت مردم ایران به آنان افزوده می‌شود... مراقب

باشید! مسئله هسته‌ای موضوع اصلی نیست... اگر این مسئله حل شد فردا مشکل حقوق بشر راه می‌اندازند که یکی از مفاد کنوانسیون آن تأکید دارد همان‌طور که مرد حق دارد چهار زن بگیرد، زن هم حق داشته باشد چهار مرد برای خود اختیار کند. [۳۸]

- **نصب بزهایی تبلیغاتی** برای تخریب مذاکرت. «سازمان هنری اوج» به مدیر عاملی احسان محمدحسینی، بزهایی را طراحی کرده و در سراسر شهر نصب کرده‌اند - چیزی که بدون هماهنگی با شهرداری ممکن نیست - سایت تابناک نوشت: «در یکی از این تصاویر، یک سوی میز مذاکره شخصی با کت و شلوار نظامی مقابل شخصی با ریش پرفسوری نشسته و ظاهراً اشاره مستقیمی به مذاکرات اخیر دارد. در تصویر دیگر دستی برای گرفتن دستی دیگر دراز شد که به دست شیطان تعبیر شده و در تصویر سومی که بیشتر در سطح پایتخت دیده می‌شود، مردی به همراه سگ وحشی پای میز مذاکره نشسته است.» [۳۹]

- **محمدعلی رامین**، معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد در دولت دهم، هم گفته: «دولت به آمریکا بفهماند نواب صفوی در ایران نمرده است و آنها نمی‌توانند نقش رزم‌آرا را از کسی مطالبه کنند.» [۴۰]

- **آیت‌اله علم‌المهدی**، امام جمعه مشهد، گفته: توافق هسته‌ای اخیر در واقع شگردی شیطانی است که باید از آن بر حذر باشیم... آنچه در گزارش رئیس‌جمهور دردآور بود، حرف مجری بود که انتظار داشتیم از یک صهیونیست بشنویم نه یک ایرانی که بگوید «جامعه خسته ایرانی به آرامش رسیده است» [۴۱]

- **آقای مصباح** هم از رفع تحریم‌ها متأسف شده‌اند: ایشان گفت که: «نبرد حق و باطل همواره وجود داشته و تا ظهور حضرت ولی‌عصر (عج) ادامه خواهد داشت. این مساله را هم تاریخ و هم منابع و حیانی ما اثبات می‌کنند. غالباً اهداف متوسط از روی جهل یا غفلت هدف نهایی تلقی می‌شود. جای تأسف دارد که جامعه ما اینگونه دچار انحطاط فکری شود که بالاترین خدمت به مردم، رفع تحریم‌ها و توسعه نان و معیشت باشد و از ضروریات دینی و فطری خود غافل شوند.» [۴۲]

آقای علیرضا قزوه هم گفت: «اگر دانشجویان قبل از فتنه ۸۸ سفارت انگلیس را تسخیر می‌کردند، قطعاً این فتنه رخ نمی‌داد» (جرس ۱۳ دی ۹۲). امام جمعه مشهد هم در همایش وحدت حوزه و دانشگاه، امیرکبیر را عامل ایجاد سکولاریسم در ایران معرفی کرد و گفت: «انگلیسی‌ها دانشگاه را برای مقابله با حوزه درست کردند» (رسانه‌ها ۲۹ آذر ۹۲). **حسین سلامی**، جانشین فرمانده سپاه گفته است که راه ما نه از مسیر توافقنامه‌ها بلکه

از مسیر جهاد و مقاومت می‌گذرد (رسانه‌ها ۱۷ دی ۹۲). تهدید دولت روحانی هم در ادبیات این جناح کم نیست.

آقای حداد عادل، نماینده مجلس و استاد دانشگاه؛ در برنامه "دیروز، امروز، فردا" گفته است که: اگر عده‌ای در مسیر فتنه باشند، ملت ۹ دی دیگر می‌آفریند (نسیم ۵ دی ماه ۹۲).

منصور حقیقت‌پور، نماینده دیگری از مجلس هم گفته است که اگر دولت چتری برای اظهارات برخی افراد باشد، باز هم لباس شخصی‌ها وارد عمل می‌شوند (رسانه‌ها ۱۴ دی ۹۲).

حمید رسایی هم که مدیر مسوول هفته‌نامه "۹ دی" می‌باشد گفته که دولت در مقابل فشار غرب واداده، توافق‌نامه ژنو دست‌غرب در حوزه حقوق بشر را باز خواهد کرد (دیگربان به نقل از خبرگزاری فارس ۱۵ دی ماه ۹۲).

علاوه بر آنچه که بدون تحلیل و عمدتاً به شکل گزاره‌هایی خطابی بود، چهار تحلیل نسبتاً مفصل هم در مورد توافق ژنو، منتشر شده است. این تحلیل‌ها عبارتند از:

۱- نقدی مفصل در ۱۰۸ صفحه، توسط «دفتر مطالعات گفتمان انقلاب اسلامی و کارگروه گفتمان استکبار ستیزی» تحت عنوان «نقد و بررسی متن توافق‌نامه ژنو- حقیقت توافق ژنو از رؤیا تا واقعیت» با شمارگان ۲۰۰۰ و دیجیتالی، منتشر شده است (parsbook.org) این تحلیل با آیه ۱۷ سوره انفال شروع می‌شود [درست آن آیه ۱۶ است] ترجمه‌ی این آیه به این شرح آمده است. «و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند- مگر آنکه هدفش کنارگیری از میدان برای حمله مجدد، و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد - (چنین کسی) به غضب خدا گرفتار خواهد شد، و جایگاه او جهنم، و چه بد جایگاهی است!» و توصیف آن از توافق، نسبتاً منصفانه است با واقعیت تا حدودی هماهنگی دارد ولی نتیجه‌گیری آن خطرناک و مشکل‌زاست. ما ابتدا خلاصه‌ای از نقد آنها را به توافق ژنو می‌آوریم و سپس قضاوت نویسندگان نوشته را تحلیل خواهیم کرد:

- ماهیت آنچه در ژنو اتفاق افتاد یک قرارداد بین‌المللی است در حالیکه آن را «برنامه اقدام مشترک» گذاشته‌اند تا مجلس امکان دخالت نداشته باشد.

- مذاکره‌کنندگان معتقدند که حق غنی‌سازی به رسمیت شناخته شده ولی حریف با صراحت آن را رد می‌کند.

- مواضع مسئولین غربی بیشتر با متن مذاکرات و توافق منطبق است تا مسئولین ایرانی.

- ۵ درصد تحریم‌ها تعلیق شده و برای حذف تمام تحریم‌ها نیاز به توافق نهایی داریم.

- ابزارهای فشار خود را که مواد هسته‌ای و پیشرفت‌مان بود در مرحله اول از دست داده‌ایم.
- نیاز عملی برای غنی‌سازی، جلوی غنی‌سازی در این مرحله که نیازی به آن نیست را می‌گیرد.
- آمریکا با تفسیر خود از NPT حق غنی‌سازی را برای هیچ کشوری به رسمیت نمی‌شناسد.
- کری یک روز پس از توافق گفته: این توافق مقدمه‌ای برای برجیدن (Dismantling) زیرساخت غنی‌سازی ایران است.
- برنامه هسته‌ای بخشی از غرور ملی ایرانیان است که خون پاک‌ترین جوانان این کشور به پای آن ریخته شده است.
- نظارت‌های پذیرفته شده حقیقتاً سخاوتمندانه و در مواردی توأم با بی‌احتیاطی محض است.
- خلاءهای اطلاعاتی طرف غربی درباره جزئیات فنی برنامه پر می‌شود.
- در توافق جامع بحث‌های منطقه‌ای و حقوق بشری ممکن است به میان کشیده شود.
- اصلی‌ترین ابزار چانه زنی در مذاکرات «ذخائر اورانیم ۲۰ درصدی» بوده که ایران با حذف آن - تبدیل به میله سوخت یا رقیق کردن - موافقت کرده.
- برخی رآکتورهای موجود در کشور به سوخت ۱۲ درصد نیاز دارد که تعطیلی همه سطوح بین ۵ تا ۲۰ درصد پذیرفته شد. [چنین رآکتوری در ایران وجود ندارد و در جای دیگر این نوشته هم به دو رآکتور بوشهر و تهران اشاره شده. این از کجا آمده نمی‌دانیم؟!]
- در تحریم‌ها نفتی و بانکی آمریکا؛ «حقوق بشر» و «حمایت ایران از تروریسم» هم مطرح شده است. در حالی که در این توافق فقط به تعلیق تحریم‌های مربوط به هسته‌ای تصریح شده.
- پذیرش تلویحی قانونی بودن قطعنامه‌های شورای امنیت توسط ایران که خواستار تعلیق غنی‌سازی ۵ درصد، رآکتور اراک و بازفرآوری اورانیم است.
- رسیدن به فاز نهایی جز با تسلیم تام و کرنش ذلیلانه محقق نخواهد شد...
- لذا برای بر هم زدن آن اگر دلیلی مطابق مفاد این توافق نداشته باشیم لاجرم باید خود را برای مواجهه تاریخی با نظام استکباری جهانی و در رأس آن شیطان بزرگ آماده نماییم.
- دیدن ظرفیت‌های نظامی ایران که در جنگ ۲۲ روزه و ۳۳ روزه بروز کرد، توان

علمی و فنی ایران را تقویت کرد ولی اکنون با نابود کردن همه ذخائر هسته‌ای و سوخت ۲۰ درصد طرف مقابل مطمئن می‌شود که یقیناً امکان دستیابی به سلاح هسته‌ای نداریم و نیز نقطه آسیب ما را درک می‌کند. همه‌ی تأسیسات هسته‌ای ما رصد خواهد شد.

- صنایع موشکی ما را هم رصد خواهند کرد.

- بازدیدها، مخصوصاً بازدیدهای سرزده، مخرب هستند و در سال‌های گذشته آسیب‌های بسیاری به تأسیسات هسته‌ای ایران وارد کرده‌اند.

- متن دچار ابهامات مختلف زمان‌بندی و لغات ابهام‌آمیز و دارای قابلیت برای برداشت‌های گوناگون است و این راه را برای سوءاستفاده‌های بعدی فراهم می‌نماید.

- متن نامه رئیس‌جمهور به رهبری، پس از توافق ژنو؛ حکایت از همان خوش‌بینی همیشگی ایشان به غرب دارد و پاسخ رهبری حکایت از عدم خوش‌بینی به غرب که البته این با واقعیت تطبیق دارد.

۲- فرد دیگری که در مورد توافق ژنو تحلیل داده است، آقای حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات احمدی‌نژاد است که احمدی‌نژاد قادر نشد او را از وزارت حذف کند و او تا آخر دوره احمدی‌نژاد وزیر بوده و هم‌اکنون هم «مشاور ویژه نماینده ولی فقیه در سپاه» می‌باشد. وی، پس از توافق ژنو در دو سخنرانی در مورد توافق ژنو سخن گفته است.

یکی در حوزه علمیه چیذر[۴۳] و دیگری به مناسبت روز نهم دی در جمع بسیجیان[۴۴].

در سخنرانی اول مطالب زیر مطرح می‌شود:

- تحریم‌های دوران جنگ خیلی سخت‌تر بودند.

- بخش خصوصی اگر دلارهای صادراتی را بیاورد داخل، مشکل حل می‌شود.

- دشمن در جنگ نرم دو هدف دارد؛ تغییر هویت و جلوگیری از پیشرفت.

- به هیچ‌وجه هم زیر بار حق غنی‌سازی ما، نخواهند رفت.

- اوباما در تلفن به آقای روحانی می‌گوید: «ما حق دسترسی به انرژی هسته‌ای را برای

مردم ایران در قالب ضوابط و قطعنامه‌های سازمان ملل و قوانین بین‌المللی قبول داریم.»

- در شش ماهه اول هر سانتریفیوژی که از کار افتاد می‌توانید بازسازی کنید، ولی در

شش ماهه دوم دیگر چنین حقی ندارید. یعنی چه؟ تقریباً روزی ۵۰ تا از سانتریفیوژهای ما منفجر می‌شوند.... بعد از شش ماه دوم دیگر سانتریفیوژی داری که غنی‌سازی کنی؟

- در مورد پتروشیمی کلاه سر ما گذاشته‌اند. فروش ما منطقه‌ای است ولی آنها به اروپا

اجازه خرید داده‌اند.

- اصلاً طراحی شده بود که فرانسه بیاید و یک مرتبه بازی را به هم بزند.

- در آلماتی، وقتی طرح‌مان را ارائه دادیم... نماینده انگلیس می‌گوید به جای خوبی رسیده‌ایم. ادامه بدهیم و کار را تمام کنیم. همان جا «شرمن» نماینده آمریکا کاغذی برای نماینده انگلیس می‌نویسد که: «خفه شو تو چه کاره‌ای که حرف می‌زنی؟»

- ما دشمن آمریکا هستیم. آمریکا دارد ما را مدیریت می‌کند که افکارمان را به کدام سمت ببرد... آن وقت با کمال تأسف بعضی از افراد ما در داخل حواسشان نیست... می‌گویند شعار "مرگ بر آمریکا" را جمع کنیم.

- آمریکایی‌ها الان وارد سه موضوع می‌شوند:

۱- در مورد بحث حقوق بشر تحریم تصویب می‌کنند می‌گویند ایران حقوق بشر را رعایت نمی‌کند.

۲- می‌گویند ایران حامی تروریسم است و تحریم‌ها را از این طریق تحمیل می‌کنند.

۳- می‌گویند ایران در منطقه اغتشاش درست می‌کنند. جنگ ۳۳ روزه، جنگ ۲۲ روزه امروزه سوریه و مباحثی از این دست.

- کوتاه بیاییم مثل قضیه سگ است. به سینه‌اش بروید عقب می‌نشیند، عقب بنشیند می‌آید به سینه‌تان، تعارف ندارد. حالا رفتید در مورد هسته‌ای به توافق رسیدید، بعد از آن حقوق بشر را می‌خواهید چه کار کنید؟ تروریسم را می‌خواهید چکار کنید؟ مباحث منطقه‌ای را می‌خواهید چه کار کنید؟ باید محکم مقابله بایستی. او دشمن است و باید بفهمد که تو هم دشمن او هستی.

در سخنرانی دوم هم ایشان نکته جدیدی می‌گوید که قبلاً نگفته بود:

- غربی‌ها در این توافقنامه روغن ریخته را نذر امام‌زاده کرده و گفته‌اند: ایران می‌تواند تولیدات پتروشیمی خود را به اروپا صادر کند در حالی که ما آن را در منطقه به فروش می‌رسانیم.

- یکی از برنامه‌های دشمن مدیریت بر روی ماست و موسسات آمریکایی به این نتیجه رسیده‌اند که کینه علیه آمریکا باید از منطقه جمع شود و از این رو باید اول از ایران شروع کرد.

۳- فرد دیگری که توافق ژنو را تحلیل کرده آقای حسین شریعتمداری است. در مورد توافق ژنو، آقای شریعتمداری زیاد نوشته است و ما فقط به یک نمونه آن اشاره می‌کنیم [۴۵]:

- خط قرمز ده ساله ما حق غنی سازی در داخل بوده است. طرف آمریکایی می گوید؛ در توافق نامه نیامده است.

- حق غنی سازی برای کشورمان مشروط و موكول به «محدودیت»ها و «اقدامات شفاف ساز» شده است. این محدودیت ها در معاهده NPT نیامده بنابراین واژه «طبق معاهده NPT» با آنچه در معاهده مزبور بر آن تصریح شده، همخوانی ندارد.

- قید "شفاف سازی"، به "حصول اطمینان" طرف مقابل، موكول شده که واژه کشدار و غیر قابل اندازه گیری است و می تواند تمامی اقدامات شفاف سازی ایران را، بی اثر کند. - باید حق غنی سازی ایران را به ماده ۴ NPT مستند می کردند.

- غنی سازی، منطبق بر نیازمندی های عملی باید باشد که حق غنی سازی در خاک ایران را خانم شرمین گفته نخواهیم داد.

- بطور تلویحی قانونی بودن قطنامه های شورای امنیت را پذیرفته ایم.

- واژه "قانع شدن" مفهوم کشدار و بدون مرز است.

- آیا "اقدامات شفاف ساز" دست حریف را برای مطالبات فراتر از پادمان و پروتکل

الحاقی باز نگذاشته؟

- در فاصله گام اول و گام نهایی از ایران خواسته شده Additional Steps بردارد. انتظار چه گام هایی دیگری از ایران دارند؟! توافقنامه ساکت است.

- تعطیلی رآکتور آب سنگین آمده.

۴- کتاب دیگری که منتشر شده است «کالبدشکافی ژنو ۳»، توسط مرکز آینده پژوهی و مطالعات راهبردی تابان، زمستان ۱۳۹۲ است. این کتاب هم مانند سایر ناقدان، سعی کرده که توافق ژنو را، توضیح دهد و نگرانی خود را بیان کند، چیزی شبیه موارد فوق الذکر.

علاوه بر آن چهار تحلیل نسبتاً مفصل، فریدون عباسی، رئیس سابق انرژی اتمی، هم این توافق نامه را نقد کرده و در دانشگاه امام صادق گفته است. (کیهان ۹/۲۰/۹۹):

- از سال ۷۴ در معرض ترور بوده ام.

- رئیس جمهور مطرح نکرده اند که سانتریفیوژهای هسته ای ما باید خالی بچرخد یا پر؟

- آیا تحریم ها به خاطر سانتریفیوژها است و یا به انکار هولوکاست بستگی دارد و یا

دشمنی های آمریکا با ما علت های دیگری دارد.

- دشمن از ۵ سال گذشته خرابکاری در صنعت هسته ای ما را شروع کرده نبوغ

دانشمندان هسته ای باعث عدم موفقیت آنان می شد البته ما شاهد بودیم که بازرسان آژانس

به ایران می‌آمدند تا ببینند کارها برای خرابکاری خوب پیش می‌رود یا خیر.

- جریانی در داخل نمی‌خواهد صنعت هسته‌ای ما پیشرفت کند.

- غربی‌ها متوجه بومی شدن تکنولوژی هسته‌ای ما شده‌اند و می‌خواهند... مانع پیشرفت ما شوند.

- آژانس کمتر از ده سال شفافیت هسته‌ای ما را اعلام نخواهد کرد مگر ما در مذاکرات با گروه ۵+۱ دست برتری داشته باشیم تا این گروه به آژانس بگوید که مسئله هسته‌ای ایران را نادیده بگیرید.

- عده‌ای در داخل اجازه تولید سوخت هسته‌ای را نمی‌دادند. آدم‌هایی را بر سرکار آورده بودند که جلوی سوخت هسته‌ای را بگیرند.

- جریانی در داخل وجود داشت که نمی‌گذاشت مسئله هسته‌ای در دولت گذشته حل شود و البته غرب نیز منتظر انتخابات ایران بود به همین خاطر به دنبال حل مسئله هسته‌ای نبود.

- به خاطر بحران اقتصادی احتمال انشعاب اروپا از آمریکا وجود داشت اما با این توافق ما آن دو را به هم پیوند دادیم و شاید کمی عجله کردیم.

- مردم نباید فکر کنند تنها راه رفع تحریم، مذاکره است.

- اگر سعید جلیلی در مذاکرات آلمانی ۲، تنها یک دهم از امتیازات ژنو را به آنان می‌داد الان رئیس‌جمهور بود.

موارد زیادی از آنچه در این تحلیل‌ها به منظور توصیف توافق ژنو آمده، درست است. احتمالاً هیأت مذاکره‌کننده ایران به آن توجه داشته و در ضمن تعیین‌کننده هم نیستند. ولی هیچکدام از این تحلیل‌ها و نقدها به چند سوال پاسخ نداده‌اند و اصلاً به آن توجه نکرده‌اند. توصیف از توافق تا حدودی درست است ولی مسئله اصلی چیز دیگری است که اصلاً به آن در این تحلیل‌ها توجه نشده است! این سوالات عبارتند از:

۱- اگر فعالیت‌های هسته‌ای به گفته این آقایان غرور ملی شده است، آیا این، یک غرور ملی درست یا کاذب است؟

۲- آیا غنی‌سازی اورانیوم که برای رآکتورهای آب سبک است و تنها رآکتور آب سبک ما در بوشهر که خوراک آن توسط روسیه تأمین خواهد شد، در این مقطع چه ضرورتی دارد؟

۳- آیا اصلاً غنی‌سازی در سطح صنعتی، با ۵۳ هزار عدد سانتریفیوژ، و تولید برق

هسته‌ای در ایران اقتصادی است؟

۴- بالفرض که هیأت مذاکره‌کننده، مجبور به امضای این قرار شده باشند؟ و اگر امضاء نمی‌کردند، چه اتفاقی می‌افتاد؟

۵- اگر غربی‌ها در مورد آنچه که وزیر سابق اطلاعات در مورد سه مورد؛ حقوق بشر، تروریسم و اغتشاش منطقه‌ای می‌گویند، حساس باشند و مطرح کنند، مگر اسلام و جمهوری اسلامی مخالف حقوق بشر است؟! و موافق تروریسم؟! و قصد اغتشاش در منطقه را دارد؟! گویی آقای وزیر سابق، حرف آنها را قبول دارد! و این اتهامات را وارد می‌داند؟!

۶- اگر ایران ثابت کند که قصد رعایت بیش از پیش حقوق بشر را دارد و به تروریسم کمک نکرده و یا از این به بعد نخواهد کرد، (و اصلاً حزب‌الله و حماس را تروریست نمی‌داند.) و قصد اغتشاش در منطقه هم ندارد، آنها چه حرفی برای گفتن خواهند داشت!
۷- آیا تحریم‌های کنونی و تحریم‌هایی که در راه بوده‌اند، تأثیر اجتماعی نگذاشته و نخواهد گذاشت؟ و اقتدار ملی و حاکمیت جمهوری اسلامی را تهدید نمی‌کنند و نخواهند کرد؟

۸- آیا این همه فساد و فقر و اعتیاد و نابسامانی اجتماعی - سیاسی - اقتصادی، رابطه‌ای با غنی‌سازی اورانیوم و سیاست‌های انرژی هسته‌ای و روابط بین‌الملل، نداشته‌اند و ندارند؟
۹- آیا احمدی‌نژاد و عملکرد هشت ساله او رابطه‌ای با گرفتاری‌های داخلی و خارجی نداشته؟

۱۰- آیا حمله نظامی به ایران به مانند عراق، افغانستان، لیبی و یا سوریه در دستور کار جنگ‌طلبان غرب نیست؟

۱۱- آیا رهبری که به لحاظ قانون اساسی و نفوذ تشکیلاتی و مذهبی و تجربه‌ی ۳۵ ساله حکومت‌مداری تمامی تحولات داخلی، منطقه‌ای و جهانی را رصد می‌کنند و مسئولیت هم دارند، در این توافق‌نامه، مؤثر و تصمیم‌گیرنده نبوده‌اند؟

۱۲- چرا تمامی مخالفان این توافق‌نامه، بی‌استگنی همه‌ی تحولات جامعه را نمی‌بینند؟

۱۳- اگر به هر دلیلی، توافق ژنو، شکست بخورد چه اتفاقی خواهد افتاد؟

ملاحظه می‌شود که منتقدان این توافق، گویا اصلاً شرایط جامعه را نمی‌بینند یا چشم بر روی آنها بسته‌اند. بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی جامعه که مستقیماً از بیکاری و فقر و اختلاف طبقاتی ناشی می‌شوند و رابطه‌ی مستقیم آنها با تحریم‌ها اظهر من

الشمس است و پس از اینکه او یاما موفق شد، اجماع جهانی بر علیه ایران، ایجاد کند، تحریم‌ها بیش از پیش تأثیرگذار شدند و ظهور پدیده‌هایی چون بابک زنجانی و ضراب و لطمه شدید به شأن و منزلت ایران به اتهام پول‌شویی و عملیات قاچاق و غیره، نتیجه بلافصل این تحریم‌ها هستند. این منتقدان در توصیف توافق موفق هستند ولی به پیامدهای ادامه‌ی وضع قبلی، توجهی ندارند. به همین دلیل، این مخالفت‌ها از موضع منافع ملی، مصالح ملی و امنیت ملی نیست، بلکه از موضع منافع گروهی است که در شرایط تحریم، عده‌ای از آن منتفع می‌شوند.

اعتراض بعضی از مقامات نظام به تخریب در توافق ژنو

ظاهراً، مخالفت با توفیق توافق ژنو کم نیست، بطوری که بعضی از رجال سیاسی به این مخالفت‌ها، اعتراض کرده‌اند. آقای علی لاریجانی در مصاحبه با شبکه خبری فونیکس چین گفته بود که «همیشه یک عده‌ای خرابکار هستند که اجازه نمی‌دهند مذاکرات هسته‌ای به نتیجه برسد.» او از دیپلماسی دولت هاشمی هم دفاع کرده است. [۴۶] هاشمی رفسنجانی هم در دیدار با دانشجویان گفت: «در چند سال گذشته همه مردم چشیدند و دیدند که چه بلایی بر سر جامعه آمده است و در بن‌بست تحریم و جنگ گرفتار شده بودیم... با انتخابات ۲۴ خرداد و توافق ژنو تهدیدها علیه کشور کمتر شده... مردم متوجه شدند باید در مقابل خطر جنگ خانمان‌سوزی که می‌توانست بدتر از جنگ سابق باشد، بایستند... افراطیون در دو طرف فکر می‌کنند جنگ تنها چیزی است که می‌تواند مشکلات را حل کند... اگر رهبری جمهوری اسلامی از توافق ژنو حمایت نمی‌کرد، برخی از جریان‌های داخلی جلوی تیم مذاکره‌کنندگان را می‌گرفتند... به خصوص بعد از بازگشت آنان از مذاکرات نیز با آن جنجال‌ها که سعی داشتند توافقنامه را با قرارداد ترکمانچای مقایسه کنند اگر حمایت و تشکر و همراهی به موقع رهبری نبود این افراطیون به دولت و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای آسیب می‌رساندند.» [۴۷]

ارزیابی سه سناریوی غرب برای ایران

گفتیم که در چرخش غرب به سرگردگی آمریکا، سه سناریو، قابل تشخیص هستند. برای هر کدام از این سناریوها؛ شواهد و مستندات وجود دارد که تا حد مقدور به آنها اشاره شد. و در ادبیات کارشناسان و سیاستمداران غربی دیده می‌شود. به این سوال باید

پاسخ داد که هر کدام از این سناریوها در رابطه با منافع، مصالح و امنیت ملی، چگونه باید دیده شوند؟ سوال دوم این است که آیا ایران سناریوی دیگری، مستقل از غرب، نمی تواند طراحی کند؟ ما به سوال اول در اینجا خواهیم پرداخت و به سوال دوم در پایان، سخن خواهیم گفت.

در سناریوی اول، انتخاب ایران به عنوان متحد استراتژیک آمریکا یا "برادر بزرگتر" در خانواده‌ی متحدان منطقه‌ای آمریکا؛ هدف آمریکا مستحیل کردن کامل ایران در نظم جهان سرمایه‌داری و یا "جهانی‌سازی" آمریکایی است. چیزی شبیه زمان شاه. در این سناریو، سرمایه و تکنولوژی خارجی - با توجه به نیاز و استقبال موجود ایران - به داخل سرازیر خواهد شد، جمهوری اسلامی، اقتصاد نئولبراسیم غرب را خواهد پذیرفت و در بهترین حالت چیزی شبیه ترکیه و در بدترین حالت شبیه مصر حسنی مبارک خواهد شد، البته با تمام تفاوت‌هایی که وجود دارد و وجود خواهد داشت.

آمریکا، کمتر و اروپا بیشتر روی حقوق بشر و دموکراسی حساسیت جدی خواهند داشت و به توسعه‌ی انسانی و عدالت اجتماعی هم توجه نخواهند کرد. تضاد حاکمیت با جریان‌های سیاسی استقلال‌خواه دموکرات در داخل، ادامه خواهد داشت و سرکوب و بستن فضای سیاسی - همچون ترکیه و یا مصر - تداوم خواهد یافت. در این طرح، انقلاب، قانون اساسی و آرمان‌های آنها، آرام آرام کم‌رنگ و بی‌رنگ و آزادی‌های اجتماعی بیشتر خواهند شد. استقلال ملی، وحدت ملت - دولت، توسعه‌ی درون‌زای بومی به حاشیه رانده و طبقه‌ی جدیدی که طرفدار غرب باشد، شکل جدی خواهد گرفت. در این سناریو؛ امنیت منطقه به ترکیبی از ایران - ترکیه، یا ایران - عربستان - ترکیه، یا ایران - مصر - ترکیه یا ایران - عراق - ترکیه و یا ترکیب دیگری و یا حتی منحصرأ به ایران واگذار خواهد شد و آمریکا، آنچنان که بعضی از کارشناسان می‌گویند؛ متوجه اقیانوس آرام و کنترل چین، هند و روسیه خواهد شد. فشار بر اسرائیل برای اجرایی کردن دو دولت در سرزمین فلسطین تشدید شده تا منطقه "آرامش نسبی" پیدا کند.

در این سناریو موارد زیر، حداقل در ایران چالش جدی خواهد داشت:

- اول - نه مصر مبارک و نه ترکیه اردوغان، ایده‌ال انقلاب ایران نبوده و هنوز هم نیستند. پتانسیل ذاتی ایران و مردمش، بیشتر از این می‌طلبند.
- دوم - چرخش آمریکا به اقیانوس آرام یا به تصریح دستگاه اوپاما «موازنه» به سمت آسیا[۴۸]، تغییری در استراتژی آمریکاست که متضمن یک استراتژی جدید نظامی - حتی

تجویز سلاح هسته‌ای برای ایران متحد غرب، همچون اسرائیل و عربستان - خواهد بود. پی‌آمد آن بسیار گسترده و عمیق پیش‌بینی می‌شود. برژینسکی در کتاب «صفحه شطرنج بزرگ» خود که در ۱۹۹۷ نوشته استراتژی درازمدت آمریکا و متحدان غربی آن را برای "اوراسیا"، طوری تعریف کرده است که «ناتو در نهایت به آسیا خواهد رسید» در این سناریو؛ تضاد ملت‌های منطقه با دولت‌هایشان و با آمریکا حل نخواهد شد و با توجه به موج قدرتمند سلفی‌گری و القاعده‌گری که برخواسته، این تضادها تشدید شده تا شورش و انقلابات دیگری، تحقق یابد و یا به کشورهای وابسته و مفلوکی چون پاکستان تبدیل شوند.

در سناریوی دوم، ایجاد یک رقابت تسلیحاتی - هسته‌ای در منطقه؛ در این سناریو آمریکا در صدد یک اتحاد استراتژیک با ایران نیست. در صدد تشدید تخاصم هم با ایران نخواهد بود. با ایران کج‌دار و مریز رفتار خواهد کرد. برای متحدان جدی خود؛ اسرائیل، عربستان، امارات، بحرین و... یک چتر سلاح هسته‌ای ایجاد خواهد کرد تا امنیت کامل آنها را در مقابل ایران تضمین کند [۴۹]. تکنولوژی هسته‌ای را به‌طور گسترده و با توجه به توان مالی کشورهای منطقه خواهند فروخت. تولید برق هسته‌ای و حتی تولید سلاح هسته‌ای - محدود و کنترل شده مانند پاکستان و اسرائیل - می‌تواند در دستور کار قرار گیرد. تاکنون قراردادهایی بین کشورهای غربی و ترکیه و عربستان و امارات و اردن و... امضا شده‌اند که در این مرحله، تولید برق هسته‌ای مورد نظر است. هژمونی سلاح هسته‌ای در منطقه، همچنان در دست اسرائیل خواهد بود. یک تعادل هراسناک و یک جنگ سرد پرهزینه و هولناک، بین کشورهای منطقه ایجاد خواهد شد. عمده پول نفت را صرف توسعه‌ی سلاح‌های متعارف پیشرفته و تکنولوژی هسته‌ای خواهند کرد و قهراً از توسعه اقتصادی - اجتماعی - سیاسی، باز خواهند ماند. آمریکا همچون یک امپراطور با همه‌ی کشورها رابطه خواهد داشت. عمق، گستردگی و صمیمیت این رابطه، با متحدان کنونی آن، بیش از ایران خواهد بود.

در این سناریو تضاد ملت - دولت کشورهای منطقه، همچنان زنده و فعال خواهد ماند و این کشورها از توسعه و آرامش پایدار، برخوردار نخواهند شد. جوهر اهداف آمریکا، در منطقه، ایجاد دموکراسی نیست. شعار ظاهری از نیت باطنی متفاوت است. عراق، افغانستان، لیبی؛ به ظاهر دارای نهادهای دموکراتیک شده‌اند - قانون اساسی، انتخابات، آزادی احزاب، آزادی رسانه‌ها و... - روی کاغذ به وجود آمده‌اند. ولی در عمل؛ قبیله‌گرایی و رقابت خشن

و کشت و کشتار در این کشورها جاری و ساری است و از بعد رفاه اجتماعی، زیرساخت‌های اقتصادی، نظامی و اجتماعی، نابود شده‌اند.

در سناریوی سوم، لیبائیزه کردن ایران، مذاکراتی طولانی ادامه پیدا خواهد کرد و مرتباً و تدریجاً؛ پرونده‌های ۳۵ ساله گذشته، روی میز قرار خواهند گرفت. اهرم تهدید و حمله‌ی نظامی مرتباً "روی میز" باقی خواهد ماند. ایران با شرایط داخلی خود، مجبور خواهد شد به قراردادهای دیگری تن دهد و مرتباً، عقب‌نشینی کند. آمریکا و غرب، از اسلحه دموکراسی و حقوق بشر و آنهم تحت فشار نهادهای مستقل غرب و ایرانیان مستقل خارج کشور، در مذاکرات به خوبی بهره‌برداری خواهد کرد و ایران هم به ناچار تا حدی به آن تن خواهد داد. [۵۰] ولی تضاد عمیق طبقه‌ی متوسط ایران با حکومت زنده مانده و حل نخواهد شد. عمق فاجعه آنجاست که مردم همین عقب‌نشینی محدود و میلیمتری حاکمیت را هم از ابتکار غرب به حساب خواهند آورد! نه اجرای قانون اساسی. این "تعامل" با غرب، نارضایتی مردم و تضعیف شأن و منزلت حاکمیت را در بین مردم، به دنبال خواهد داشت. در این سناریو، در یک "مرحله مناسب" که نارضایتی - حتی صنفی و معیشتی - در داخل بروز کند، دخالت فیزیکی غرب شروع خواهد شد.

اپوزیسیون برانداز جمهوری اسلامی، وارد عمل خواهد شد تا به کمک غرب به اصطلاح حکومتی دمکراتیک، تشکیل دهند. در این سناریو، چه پیش خواهد آمد، فقط خدا از عمق و گستردگی آن با توجه به شرایط ایران مطلع است، ما فقط با عراق و افغانستان و لیبی و سوریه و مصر می‌توانیم قیاس کنیم؟! چگونه می‌توان از عملیاتی شدن، سه سناریوی فوق‌الذکر جلوگیری کرد و ایران را و مردم این سرزمین را از این پیچ خطرناک تاریخی عبور داد؟ تصمیمی مستقل از خارج و سازگار با قانون اساسی.

سناریوی چهارم: بدیل سناریوهای سه‌گانه؛ ملی - قانون اساسی

هر سه سناریو، به نفع ملک و ملت و حاکمیت نیستند و در عین حال با قانون اساسی و حقوق مردم مغایرت دارند. ممکن است مذاکره‌کنندگان در این شرایط در برخورد غرب، نوعی جذابیت و حسن‌نیت، مشاهده کنند ولی در پس این چهره‌ی خندان و جذاب یکی از سه سناریوی فوق‌الذکر، نهفته است که پس از گذشت زمان ظاهر خواهد شد.

اگر حاکمیت ایران، از هم اکنون فکری اساسی نکند و راه تحقق سناریوهای پیش‌ساخته غرب را سد ننماید، روزی دچار آنها خواهد شد که دیر شده باشد. چون در روند

مذاکرات، مجبور به قبول یکی از آنها یا ترکیبی از آنها خواهد شد. چگونه می‌توان، سناریوی دیگری طراحی و عملیاتی کرد که در عین حال منافع، مصالح و امنیت ملی را تأمین کند، با حقوق مردم در قانون اساسی و وحدت ملت - دولت، مراقت داشته باشد و به لحاظ حقوق بین‌المللی و عرف سیاست جهانی انجام‌پذیر و با شعارهای حقوق بشری و دمکراسی‌خواهی غرب هم مشابهت داشته باشد؟ استقلال همه جانبه، توسعه‌ی درون‌زای بومی، دمکراسی و رعایت حقوق بشر، عدالت اقتصادی - اجتماعی تأمین آموزش و بهداشت و درمان و مسکن، مواردی هستند که در قانون اساسی صراحت غیرقابل تفسیر دارند که عملاً در ۳۵ سال گذشته تحقق نیافته‌اند و از همه مهم‌تر مشکلات عدیده‌ی هشت سال گذشته مزید بر علت شده‌اند؛ شرایط را برای حاکمیت شکننده ساخته که سناریوهای طراحی شده فوق‌الذکر غرب، می‌توانند عملیاتی شوند.

آقای روحانی، در دوران تبلیغات انتخاباتی، به تمام مسائل و مشکلات مملکت پرداخت و اذعان کرد که راه‌حل همه آنها را، حداقل، می‌داند. هر چند ممکن است حل این مشکلات، در حیطه قدرت و مسئولیت رئیس‌جمهور نباشند. طبیعی است که راه‌حل همه مشکلات در توان کل حاکمیت جمهوری اسلامی است و نه تنها رئیس‌جمهور. رئیس‌جمهور هم حق دارد که آنها را بیان کند.

اگر استراتژی حاکمیت مسلط این باشد که روحانی را هم به سرنوشت خاتمی دچار کنند و فقط آشتی با غرب و نجات اقتصاد ورشکسته را به عهده ایشان گذاشته باشند و همچنان بخواهند فضای داخل را بسته، کنترل شده همراه با تهدید و تحدید فعالان سیاسی، صنفی، مطبوعاتی و حصر رهبران جنبش سبز، ادامه دهند؛ حتماً و مطمئناً، از عهده برنخواهند آمد و باید به یکی از سه سناریوی طراحی شده توسط غرب، تن دهند. حال به رضا یا به اجبار و بر سر وعده‌های آقای روحانی و امید مردم همان خواهد آمد که بر وعده‌های آقای خاتمی و لویح دوقلو و توسعه سیاسی وی، آمد.

تبلیغ جناحی از حاکمیت که "جنبش سبز مرد" و حملات تشدید شده روزهای اخیر به رهبران این جنبش [۵۱]، تمهیداتی است که اولاً روحانی را به شکست و فلج شدن بکشاند و ثانیاً نشان دهند که شکست در صندوق‌های رأی از طرف آقایان پذیرفته نیست، با "زور" می‌توان توفیق یافت و اراده‌گرایی تعیین‌کننده است. همه دیده‌ایم و رسانه‌ها گزارش داده‌اند که آن بخش از مردم ایران که در خرداد ۹۲ به آقای روحانی رأی داده‌اند، علاوه بر حمایت آقایان هاشمی و خاتمی از ایشان، لحن و ادبیات و محتوای تبلیغات آقای

روحانی بوده که در راستای جنبش سبز ارزیابی شده و آن بخش هم که رأی نداده‌اند - حدود ۱۵ میلیون - به دلیل ناامیدی آنها از تداوم اصلاحات بوده است و در بیشتر اجتماعات انتخاباتی، در شب‌های جشن پیروزی آقای روحانی، در استقبال از آقای ظریف در فرودگاه و شانزدهم آذر در دانشگاه‌ها؛ شعارها به طرفداری از جنبش سبز بود. و این نشان از عمق این جنبش مسالمت‌آمیز مدنی و قانونی در قشر تحصیل‌کرده‌ی متوسط دارد. جنبش سبز همانطور که یک بار میرحسین گفت ریشه در جنبش‌های، تنباکو، مشروطیت، ملی شدن نفت، خرداد ۴۲ و انقلاب ۵۷ دارد که هنوز که هنوز است، اهداف آنها تحقق نیافته‌اند. تبلیغات اقتدارگرایان و ملوک کردن این جنبش مردمی، آدم را یاد، تبلیغات حاکمیت گذشته در مورد قیام ۱۵ خرداد ۴۲، قیام مردم تبریز در بهمن ۵۶ می‌اندازد.

دو عامل، باعث پیروزی آقای روحانی، در انتخابات ۹۲ شد. اولین عامل رویکرد؛ اصلاح‌طلبانه ایشان به مسائل مملکتی بود. فیلم‌های سخنرانی ایشان در میتینگ‌های انتخاباتی و مناظره‌های تلویزیونی و مصاحبه‌های مطبوعاتی موجودند که نشان می‌دهند که آقای روحانی بحران‌های جامعه را شناخته بود و برای حل آن‌ها دستورالعمل اصلاح‌طلبانه - و نه محافظه‌کارانه و اصول‌گرایانه - می‌داد.

دوم حمایت آقایان هاشمی و خاتمی از ایشان بود. همه می‌دانند که این دو نفر از طرفداران جدی جنبش سبز بودند و هستند و به عبارت دیگر از مدافعان و حامیان این جنبش بودند و چون آن بخش از قشر متوسط حامی آقای روحانی که انتخابات ۹۲ را، سالم ارزیابی می‌کردند، در ادامه‌ی جنبش سبز به ایشان رأی دادند. لذا با غلیظ کردن تبلیغات ۱۳ آبان و ۹ دی امسال در تلویزیون و چاپ "دایره‌المعارف فتنه"، نمی‌توان جنبش سبز را میراند، باید تجمع سیصد نفری میدان فلسطین و قهر سخنران را هم دید. لذا، نمی‌توان جنبش سبز، رهبران آن، زندانیان و شهدای این جنبش را حذف کرد یا نادیده گرفت و توهم‌اندیشانه، جنبش سبز را دفن کرد و فاتحه خواند و از منافع، مصالح و امنیت ملی، دفاع کرد. تقابل با دولت آقای روحانی که در مجلس و رسانه‌های جناح راست و سازمان‌ها و نهادها و محافل... شروع شده، اتفاقاً به یک معنی تقابل با تداوم جنبش سبز می‌باشد. باید این پتانسیل عظیم جنبش سبز را به خدمت تحقق منافع، مصالح و امنیت ملی گرفت و در میز مذاکره با غرب، نشان داد که آن واقعه‌ی تلخ، یک نزاع درونی بوده است و هم‌اکنون با تفاهم طرفین، التیام یافته و همه‌ی ملت ایران در راستای دفاع از منافع، مصالح و امنیت ملی پایدار، متحد می‌باشد. امروز باید خود محوری‌ها، خودبزرگ‌بینی‌ها، قُدی‌ها،

غرورها...ی فردی و جمعی، کنار گذاشته شوند. باید واقعیت‌های سخت و شکننده را پذیرفت. نخست باید؛ زندانیان سیاسی و رهبران جنبش سبز آزاد شوند. و در میزگردهایی تلویزیونی و یک فضای آزاد و همدل، کینه‌ها شسته و وحدت ملی تحقق یابد. تجربه‌ی آفریقای جنوبی، مراکش، هندوستان را باید دید و نه تجربه شوروی استالین و برژنف، کامبوج پول‌پت، زیمبابویه موگابه را. ماندلا و گاندی از اهداف سوسیالیستی خود گذشتند تا وحدت ملی را ایجاد کنند ولی موگابه و پول‌پت خواستند به زور مردم را سوسیالیست کنند و کشورهای خود را به این روز انداختند. پس از این مرحله خواهد بود که مذاکره با غرب به رهبری آمریکا، در فضای دیگری انجام خواهد شد، تمامی کارشناسان و صاحب‌نظران به کمک خواهند آمد و منافع و مصالح و امنیت ملی آسیب‌شناسی خواهد شد و بهترین روش‌ها طراحی خواهند شد و غربی‌ها خواهند فهمید که تیم مذاکره‌کننده، نماینده ۷۵ میلیون ایرانی متحد هستند و یک پشتوانه عظیم ملی را همراه دارند. با استفاده از کارشناسی ملی، می‌توان جلوی زیاده‌خواهی غربی‌ها ایستاد. آنها همیشه حلقه‌های ضعیف حکومت‌های کشورهای عقب مانده را شناسایی می‌کنند و از آن‌ها استفاده می‌کنند. بغل کردن وزیر خارجه فرانسه از یک طرف و حصر موسوی و کروبی و رهنورد از طرف دیگر؛ نمونه‌های فراوانی در تاریخ پانصد ساله ایران که پای غربی‌ها به کشور ما باز شد، دارد. از برادران شرلی در دوره شاه‌عباس تا سفرای روس و انگلیس دوره قاجاریه تا مهمانی‌های اشرافی و پرخرج اردشیر زاهدی در آمریکا... و در مقابل؛ تبعید ملاصدرا، اعدام قائم مقام و امیرکبیر، حصر و حبس و تبعید و شهادت مدرس و حبس و حصر مصدق و کشتارهای زمان شاه، نمونه‌های غم‌انگیزی هستند که هنوز دارند تکرار می‌شوند.

اگر کسانی، بدون مدرک و سند، اتهام می‌زنند و بدون محاکمه و حق دفاع، حکم اعدام صادر می‌کنند و همچنان بر طبل اختلاف می‌کوبند و بر آتش تفرقه بنزین می‌ریزند و مصمم هستند که از آرامش و وحدت ملی جلوگیری کنند و خواستار تداوم شرایط کنونی هستند، باید قبول کنیم که در این اوضاع منافی دارند یا مشکل معرفی دارند.

آمارهای ارائه شده توسط مسئولان حکومتی، حکایت از سالانه ۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاق و چندین میلیارد دلار ترانزیت مواد مخدر، دارد. در یک جامعه‌ی مدنی، قانونمند و آرام با رسانه‌های آزاد، نمی‌توان کالای قاچاق - آن هم با این حجم - وارد کرد و از بازار آشفته و تحت تأثیر تحریم‌ها به چند برابر، این کالاها را فروخت. عکس‌ها و مدارک منتشر شده در درگیری‌های سال ۱۳۸۸ روشن می‌کنند، که بعضی از رانت‌خواران "تاجر و

صنعت‌گر" دانشجویان و جوانان و مردم عادی معترض را کتک می‌زده‌اند. پدیده‌ی بابک زنجانی، سعید مرتضوی، خداداد؛ رفیق دوست، جزایری و... نتیجه‌ی بلافصل این‌گونه شرایط است. زنجانی درست می‌گوید که به کمک دولت جمهوری اسلامی آمده است تا تحریم‌ها را دور بزنند. مگر مسئولان ده‌ها بار نگفته‌اند: «تحریم‌ها را دور می‌زنیم!» در این شیوه حکومت‌داری، رشد فساد و پولدار شدن بی‌هویت‌ها، طبیعی است. فقط قانون‌شکنان و قلدران می‌توانند، سعید مرتضوی، تحویل جامعه بدهند تا در یک دوره مطبوعات را قلع‌و‌قمع کند و در یک دوره دیگر متهم به قتل زندانیان شود و در دوره دیگر ملک و پول، کارگران زحمتکش جامعه را حیف‌ومیل کنند. و بیخشد و ریخت و پاش کند. آقایان با معلول مبارزه می‌کنند و علت را رها کرده‌اند. از دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی - حدود ۲۴ سال - مرتباً مفسد اقتصادی تعقیب می‌شود و محاکمه می‌گردد و همچنان این پدیده تداوم دارد و روز بروز، همچون بهمنی غلطان بزرگتر می‌شود! تا مناقشه ۸۸ به طریق مدنی و دمکراتیک و عادلانه؛ حل و فصل نشود. هر مذاکره و هر ارتباطی با خارج به ضرر ملت ایران تمام خواهد شد و موفقیت‌مقدماتی کنونی را باید با حل و فصل مناقشات سال ۸۸ و وحدت ملی، تحکیم بخشید و ارتباط و مذاکره با غرب را به نفع امنیت ملی، ارتقاء داد آیا به این سوال نباید پاسخ داد که علیرغم زبان تند آقای احمدی‌نژاد بر علیه غرب و اسرائیل و تکنولوژی هسته‌ای، چرا غرب از جنبش سبز حمایت نکرد؟ آمریکا و غرب، هیچگاه، در تاریخ تسلط خود بر جهان از جنبش‌های ملی و مستقل، حمایت نکرده است. بلکه آن را سرکوب، مستحیل و خنثی ساخته است. از جنبش‌های ملی یونان و اسپانیا و ایتالیا در جنگ جهانی دوم گفته تا جنبش ملی شدن نفت و سوکارنو و قوام نکرومه و عبدالناصر و ده‌ها جنبش و خرده جنبش ملی و مستقل در کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای جنوبی. این حاکمیت ایران است که باید در مذاکره با غرب پشتوانه ملی خود را تقویت کند تا بتواند از منافع، مصالح و امنیت ملی ایران دفاع کند.

آقای روحانی در گزارش اقتصادی صد روزه خود در ۱۸ صفحه که در سایت ایشان قابل دسترسی است مسائل مهمی را بیان کردند و عمده آنها عبارت بودند از:

- دولت در هر سه عرصه اقتصاد، فرهنگ و سیاست، قائل به اعتماد به مردم می‌باشد.
- نقش دولت شکستن انحصارات و گشودن فضای رقابتی است.
- قائل به تعامل سازنده با دنیا هستیم.
- دوران گذار در اقتصاد کشور از پایان جنگ تحمیلی تاکنون به درازا کشیده و مسیر

سعی و خطا در آن بیشتر بر مدار خطا و عدم وفاق چرخیده است.
- تاکید دولت بر نگاه کارشناسی به مسائل و اجتناب از اتحاد رویکردهای هیجانی و تبلیغاتی است.

- رسالت اصلی خود را کاهش فقر و بهبود وضع معیشت فقیرترین فقرا و گسترش عدالت اجتماعی می‌دانیم.

- توانمند شدن مردم در دستور کار است.

- اصلاح فضای کسب و کار برای توسعه فعالیت اقتصادی بخش خصوصی.

این اهداف بسیار علمی و اصولی و نیاز مرحله کنونی است، ولی تا وفاق ملی ایجاد نشود، هیچکدام از آنها تحقق نخواهند یافت. این اهداف را کم و زیاد، در دولت آقایان رفسنجانی، خاتمی و احمدی‌نژاد هم شنیده‌ایم ولی چرا تحقق نیافته‌اند؟ ما در این ۳۴ ساله، دائماً و وسیعاً مناقشه داشته‌ایم. هشت سال جنگ تحمیلی، ترور و اعدام‌ها، درگیری اصلاح طلب و اصول‌گر، مناقشه انتخابات ۸۸ و انحراف عامل اصلی عدم موفقیت ما بوده‌اند. برای یک بار باید به این مناقشات پایان داد. تا اندیشه و تفکر و رسانه‌ها، امنیت نداشته باشند، سرمایه احساس امنیت نخواهد کرد. تا ثبات سیاسی حاصل نشود، ثبات سرمایه‌گذاری و اقتصادی حاصل نخواهد شد. حاکمیت در این مقطع، اگر می‌خواهد که برنامه‌های اعلام شده آقای روحانی تحقق یابد، باید مناقشه ۸۸ و به تدریج مناقشات این ۳۴ ساله را حل و فصل کند. بلوغ فکری اقشار متوسط جامعه‌ی شهری ما شرایط مناسبی دارد. آنچه مردم شهرهای بزرگ، خاصه تهران در سال ۸۸ از خود نشان دادند و به سمت خشونت با حاکمیت نرفتند و ایران را همچون سوریه به میدان کشتار و خون تبدیل نکردند، حکایت از فرهیختگی و فهم و درک مدنی جامعه‌ی ایران دارد. اگر مخالفان وحدت ملی سعی دارند که با ایجاد فضای امنیتی - نظامی و تهدید و زندان و کشتار خیابانی جامعه را کنترل کنند، اشتباه می‌کنند. تظاهرات پس از انتخابات ۹۲، نشان داد که جامعه شهری ما رویکرد مسالمت‌آمیز و تعامل مدنی با حکومت دارد. از این موقعیت حکومت باید استفاده کند و خود هم به فضای مدنی، گفتگوی انتقادی و تعامل با مردم روی آورد.

سازمان‌ها و گروه‌هایی در دو طرف مناقشه وجود دارند که فضای درگیری و خشونت را پیشه خود ساخته‌اند. در اپوزیسیون؛ سازمان‌ها و گروه‌هایی که با جنگ‌طلبان آمریکایی همکاری می‌کنند و مرتباً براندازی جمهوری اسلامی را تبلیغ می‌کنند و در درون حکومت

هم هستند کسانی که مرتب مردم را با قدرت و سلاح خود تهدید می‌کنند ولی عصاره‌ی روحیه و وجه غالب خلق و خوی مردم شعر زیبای فریدون مشیری است که از حنجره مسیحای استاد شجریان به گوش می‌رسد:

"تفنگت را زمین بگذار"

این روحیه و این شعار باید در دستور کار اپوزیسیون و حاکمیت قرار گیرد. آقای روحانی در حد توان و قدرت خود باید به تقویت این روحیه و عملیاتی کردن این ایده کمک کند. خوشبختانه آثاری از آن در کلام و عمل دولت دیده می‌شود، مشروط به آنکه رهبری نظام به دولت آقای روحانی در این زمینه کمک کند. فقط رهبری می‌تواند تبلیغات مخرب جنگ‌طلبان و رادیکال‌های خشونت‌آفرین داخلی را مهار کند و جامعه را به سمت آشتی ملی، تفاهم ملی، همبستگی ملی... سوق دهد. این تفاهم توسط رهبری و این پیروزی واقعی به نام وی در تاریخ ثبت خواهد شد. چیزی که در منشور شهروندی آقای روحانی هم آمده است. خلاصه کلام آن است که مسائل اقتصادی و روابط خارجی که نظام مصمم در حل آنهاست بدون روحیه تفاهم، تعامل، گفتگوی انتقادی در داخل و... راه‌حل‌پذیری نخواهد داشت. مدنیت، شعور، فرهیختگی ایرانیان به ترس مردم و کارایی تهدید و سرکوب حاکمان تعبیر نشود. این مردم، چه در درگیری‌های ۱۳۶۰، یعنی جمهوری اسلامی با گروه‌های جنگ‌طلب داخلی و چه در درگیری‌های کردستان و ترکمن صحرا در اوائل انقلاب و چه در جریان جنبش سبز؛ با سرکوب کردن، همراهی نکردند و این سرمایه عظیمی است که در ایران وجود دارد. ماهیت خود انقلاب ۵۷ هم بدون خشونت و مدنی بود. آنچه در سوریه و لیبی و افغانستان می‌بینیم، اختلاف ما با آنها در تجربه سیاسی و فهم و درک عنصر تاریخی توسعه مدنی است.

در سالهای اخیر و پس از خشونت‌های متقابل دهه ۱۳۶۰، "خشونت قانونی" و گهگاهی خشونت فیزیکی در جنبش سبز در زندان‌ها (شهادت هاله سبحانی، هدی صابر، ستار بهشتی، زهرا کاظمی و...) متأسفانه از طرف مجریان قانون اعمال شده ولی مردم بدان دست نمی‌زنند. حال باید دید که پس از این، با قرارداد ژنو چگونه باید برخورد کرد؟

با قرارداد ژنو چگونه باید برخورد کرد؟

فتوای رهبری

رهبری مکرراً فتوا داده‌اند که "سلاح هسته‌ای حرام" است. چیزی که حتی آقای کری -

وزیر خارجه آمریکا - در دفاع از قرارداد ژنو به آن اشاره کرد. معنی فتوا این است که غنی سازی و یا هر تکنیک هسته‌ای دیگر؛ فقط و فقط برای استفاده صلح‌آمیز و غیرنظامی، حق مسلم ماست. در قرارداد ژنو هم شرایط بسیار روشنی که ایران برای اثبات غیرنظامی بودن فعالیت‌های هسته‌ای باید انجام دهد، آمده است. در مذاکرات آینده هم "برنامه غنی سازی" ایران؛ اولاً باید با توافق دو طرف مشخص و ثانیاً "منطبق بر نیازمندی‌های عملی ایران" باشد.

شرایط فعلی فعالیت‌های هسته‌ای ایران

در شرایط فعلی، سوخت نیروگاه بوشهر برای مدت ده سال توسط روسیه تضمین شده و ضایعات سوخت هم برای فرآوری، باید به روسیه منتقل شود. آژانس بر این فرآیند نظارت سفت و سختی را اعمال خواهد کرد، نیروگاه تحقیقاتی امیرآباد که اورانیوم بیست درصد مصرف می‌کند برای حدود ده سال سوخت دارد و یا با تبدیل UF6 بیست درصد موجود به میله‌ی سوخت، سوخت خواهد داشت. پس ضرورتی برای غنی‌سازی وجود ندارد. ساخت نیروگاه جدیدی هم، هنوز قطعی نشده است.

بالفرض هم که پس از حل و فصل مناقشه کنونی با ۵+۱، قرارداد ساخت نیروگاه جدیدی قطعی شود؟ آژانس یا ۵+۱ سوخت آن و انتقال ضایعات به خارج را تضمین خواهد کرد و یا بالفرض که اجازه غنی‌سازی به ما بدهند، نیاز به آن تا ده سال آینده وجود نخواهد داشت. لذا آنچه در مذاکرات بعدی، مورد توافق قرار خواهد گرفت، حفظ چند هزار سانتریفیوژ برای اهداف تحقیقاتی و خارج کردن سایر سانتریفیوژها از فعالیت خواهد بود. بنابراین شرایط بسیار مناسبی پیش آمده است و یک گفتگوی ملی برای ضرورت تولید برق هسته‌ای، فراهم شده است.

آیا برق هسته‌ای برای ایران اقتصادی است؟

خوشبختانه ایران دستاوردهای خوبی در بومی کردن تکنولوژی هسته‌ای داشته است و هم‌اکنون با عنایت ویژه به فتوای رهبری و قرارداد اخیر در ژنو، وقت آن رسیده که یک بحث علمی - صنعتی در مورد برق هسته‌ای در ساختار توسعه‌ی علمی - صنعتی ایران صورت گیرد. آنچه مسلم است اینک:

- ایران حق غنی‌سازی اورانیوم برای استفاده صلح‌آمیز را تحت نظر آژانس، دارد و

حتی در آینده برای امر تحقیق می‌تواند مجوز غنی‌سازی تا ۹۰ درصد را هم برای این منظور حاصل کند. مخالفت کشور آمریکا، خلاف NPT است.

- کاربرد انرژی هسته‌ای در تشخیص و درمان بیماری‌ها باید گسترش یابد و تولید بومی شود.

- کاربرد انرژی هسته‌ای در تحقیقات صنعتی، کشاورزی و... باید گسترش یابد.

- کاربرد انرژی هسته‌ای در امر خدمات صنعتی باید گسترش یابد.

...

ولی الان سخن در این است که آیا برق هسته‌ای در ایران، اقتصادی است؟ قبلاً سخن در این مورد، خط قرمز بود ولی اکنون شرایط برای یک بحث ملی با استفاده از تمامی کارشناسان ملی - داخلی و خارج - فراهم شده است. این کار به عهده وزارت نیرو و سازمان انرژی اتمی ایران است تا با عنایت به منابع هیدروکربوری، آفتاب، باد، ژئوترمال و محدودیت‌های زیست‌محیطی و کمربند زلزله در ایران و هزینه‌های اقتصادی انرژی هسته‌ای؛ به این بحث در یک محیط آزاد و آرام دامن زنند و پس از جمع‌بندی و نتیجه‌گیری در دستور کار قرار گیرد. ده‌ها متخصص ایران دوست و ده‌ها متخصص خارجی مستقل، اعتقاد دارند که برق هسته‌ای در ایران "اقتصادی - زیست‌محیطی" نیست. [۵۲]

واقعه‌ی چرنوبیل و اخیراً فوکوشیما و عکس‌العمل کشورهای پیشرفته‌ای چون، آلمان و ژاپن به کنار گذاشتن استفاده از برق هسته‌ای و بحث گسترده‌ای که در این مورد وجود دارد، بسیار قابل تعمق و تأمل است. چنین رویکردی اقتصادی - علمی - صنعتی و ضروری است.

نتیجه‌گیری

۱- پس از ۳۵ سال تخاصم و جنگ لفظی و عملی بین ایران و آمریکا - و گاهی غرب - و پس از تمرکز ده سال تبلیغات غرب بر علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، که پس از انتخابات آقای احمدی‌نژاد و عملکرد وی، امریکا موفق شد اجماعی جهانی در شورای امنیت و اروپا بر علیه ایران به وجود آورد. با تحریم‌های بسیار فلج‌کننده ایران را در حصر اقتصادی و تهدید جدی قرار دهد. با توجه به مجموعه‌ی شرایط کشور، تداوم خط و مشی گذشته غیرممکن شده بود و مصالحه‌ی با غرب همچون قطعنامه ۵۹۸ در راستای منافع ملی، مصالح ملی و امنیت ملی ارزیابی می‌شود. هم اکنون توافق ژنو، امضاء شده است. این

توافق شیخ جنگ را از ایران دور کرده ولی می‌تواند در دو مسیر حرکت کند. یک مسیر آن با طراحی جناح‌های مختلف جنگ‌طلب امریکا و غرب خواهد بود که سه سناریو برای آن محتمل‌اند که هیچکدام در راستای منافع، مصالح و امنیت ملی ایران نیستند و سناریوی چهارم می‌تواند به ابتکار ایران باشد که ملی و در راستای قانون اساسی است.

۲- در داخل، جامعه انباشته از خشونت و تقابل و تضاد و درگیری و تجاوز است. از تولیدکننده شیشه و فروشنده مواد مخدر و از فروش اعضای بدن برای برآوردن نیاز مادی، از تن‌فروشی زنان (نوع قانونی و غیرقانونی آن)، از مرگ زودرس مردم به علت آلودگی هوای شهرهای بزرگ و استفاده از بنزین‌های بیماری‌زا، از گسترش ایدز و زگیل‌های تناسلی، از ساخت‌وسازهای بی‌ضابطه روی گسل‌های زلزله، از فرار مغزها، از فرار سرمایه‌ها، از اعتراف دروغ در زیر شکنجه، از معوقه‌های بانکی و تصاحب مال مردم توسط رانت‌خواران حکومتی، از زیرمیزی گرفتن پزشکان، از دروغ گفتن بالاترین مقامات مملکتی، از جمعیت فراوان پیردختران و زنان بیوه و مطلقه، از سقط جنین‌ها، از شنود تلفن‌های شهروندان و نمایندگان، از ریختن ماده خطرناک وایتکس در شیر خوراکی، از وجود مواد خطرناک در شیر مادران اصفهانی، از ضربه زدن اطلاعات احمدی‌نژاد به ۶۰۰ خبرنگار، از تبلیغ یک دانش‌آموز برای زنان جوان و بدون شوهر، از تجاوز مافیای زندان کارون به یک سرباز، از پرداخت میلیاردها تومان پول به نشريات خودی، از رها بودن هزاران بیمار روانی در تهران، از دو برابر شدن شاخص فلاکت در دوران احمدی‌نژاد، از فرارسیدن آینده‌ی لشکر بیکاران، از فروش نفت توسط نیروی انتظامی، از ورود گوشت آلوده به رادیواکتیو، از نابودی در شرف وقوع دریاچه ارومیه و...، از نبود غذای سالم، از اتهام‌های دروغ، از بهتان، از تیراندازی یک مداح به اتومبیل یک شهروند، از فساد مالی مأموران مبارزه با فساد، از بیلان منفی برداشت آب، از واردات ۵۶ درصد مواد غذایی، از برداشت یک جانبه کشورهای همسایه از مخازن مشترک نفت و گاز، از انسداد یکصد میلیارد دلار پول مملکت در بانک‌های خارجی، از گریه رئیس‌جمهور، از سقوط شاخص‌های مملکت، از تعطیلی هشت ساله‌ی محیط زیست، از اختلال روانی ۲۱ درصد مردم، از گسسته شدن رابطه‌ی علم با جامعه، از بازداشت کردن و فراراندن ۳۱۱ وکیل دادگستری در چهار سال گذشته، از کاهش سن زنان کارتن‌خواب، از پارازیت و فیلتر تلویزیون‌ها و اینترنت از عدم امکان استفاده از ظرفیت فروش نفت و... تا هزاران مشکل کوچک و بزرگی که امروز دامن‌گیر ما شده؛ حکایت از این دارد که باید فکری اساسی

برای تداوم حیات ایران و ایرانیان کرد. این شرایط بسیار ناپدیدار است. و باید؛

۳- رهبران جنبش سبز و زندانیان سیاسی آزاد شوند، اینکه عده‌ای تقاضا توبه از این عزیزان دارند، دور از انصاف، واقعیت و از موضع هژمونی طلبی است. حقانیت‌ها را باید به رسمیت شمرد و از آن گذشته این رهبران آنقدر درایت و تعهد دارند که مصالح و منافع ملی را بر هر چیز دیگری ترجیح دهند. در یک بحث ملی این تعادل برقرار می‌شود. توسعه سیاسی بطور جدی در دستور قرار گیرد، آزادی‌های مدنی رسانه‌ای، صنفی... شروع به اجرا شوند. هم‌اکنون دمکرات‌های قوه مجریه‌ی امریکا، رهبران پنتاگون، بیشتر کشورهای اروپایی، تمایلی به جنگ با ایران و گشودن جبهه جدیدی در منطقه را ندارند. این وضع ممکن است تداوم نداشته باشد و جنگ‌طلبان غرب، که جنگ و تخریب کشورها - مخصوصاً کشورهای نفت‌خیز - را در راستای منافع اقتصادی خود می‌بینند، اگر به قدرت برسند و توافق ژنو پیشرفت مشخص و تعیین‌کننده‌ای نداشته باشد، شرایط را برای برخورد نظامی با ایران آماده خواهند کرد. ایران باید با عمل جدی، همه‌جانبه در داخل، آن شرایط را برگشت‌ناپذیر کند و برای آن منظور باید؛

۴- در یک سمینار ملی، موضوع ضرورت و منافع و مضرات برق هسته‌ای کالبد شکافی شود و سپس برای آن تصمیم‌گیری شود و فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای شفاف و ابهام‌زادایی گردند و در این زمینه مسوولان هسته‌ای مفصل‌تر با مردم سخن بگویند (چیزی آقای دکتر صالحی شروع کرده‌اند).

۵- رعایت حقوق بشر، مستقل از مذهب و دین، جنسیت، قومیت، اعتقاد و... تأیید و اجرایی گردد و حقوق شهروندی رعایت شود. اسلام در چهارده قرن پیش، پرچم دفاع از حقوق بشر را بلند کرده است و قانون اساسی در فصل سوم خود موارد جامعی از حقوق بشر را احصاء کرده که متأسفانه در سال‌های گذشته یا اجرا نشده‌اند و یا بسیار کم‌رنگ و نصفه و نیمه به آن پرداخته شده است. اجرای یک قانون اساسی مترقی، در هر کشوری، می‌تواند علاوه بر مردم خود آن کشور، افکار عمومی جهان را طرفدار و حامی خود سازد. حمله‌ی نظامی به چنین کشوری غیرممکن خواهد بود و تمامی جنگ‌طلبان مجبورند پایداری و توسعه‌ی این کشور را به رسمیت بشناسد. یکی از پیش‌زمینه‌ی حمله به هر کشوری، عدم رعایت حقوق بشر است (مانند حمله به افغانستان، عراق، لیبی و...).

ایران با رعایت اصول مصرح در فصل سوم قانونی اساسی می‌تواند؛ اولاً - وحدت ملی و وحدت دولت - ملت را تحقق بخشد و ثانیاً - افکار عمومی مردم جهان را طرفدار خود

سازد.

۶- در این شرایط مذاکرات ایران با غرب که بسیار طولانی هم خواهد بود به نفع مصالح، منافع و امنیت ملی، انجام و می‌تواند به حل کلیه مسائل بین ایران و غرب و مطالبات دو طرف از هم، بیانجامد و ایران به دستاوردهای مهمی برسد در آن صورت ایران خواهد توانست پس از سی و پنج سال در راستای توسعه‌ی پایدار همه جانبه قرار گیرد و اگر ده‌ها سال زیاد کار کنیم و کم مصرف نمائیم به کشوری توسعه یافته تبدیل خواهیم شد.

۷- ایران در سی و پنج سال گذشته و پس از انقلاب مسالمت‌آمیز، خشونت پرهیز، عمیق، مردمی و دینی خود؛ فرصت‌های زیادی را برای توسعه، پیشرفت و آرامش جامعه از دست داده و دیگر فرصت به پایان رسیده است. اگر در این مقطع و با این فرصت استثنایی در داخل و خارج، نتواند تهدیدها را دفع و توسعه‌ی پایدار را به اجرا درآورد و همچنان در دور «سعی و خطا» گام گذارد؛ ممکن است برای ده‌ها سال این فرصت از دست برود. جامعه‌ی ایران دیگر توان یک «شوک» تخریب‌کننده و نامشخص را ندارد.

۸- اصول‌گرایان، مخصوصاً تحلیل‌گران آنها نباید اشتباه رئیس‌جمهور قبلی را تکرار کنند که غرب و امریکا در حال اضمحلال و افول است. امریکا با شیب نرمی در حال افول است ولی به راحتی و با قدرت زیاد می‌تواند به کشورهایمانند ایران حمله کند و آنها را تخریب کند. تحلیل‌گران استراتژیک واقع‌گرا، پیش‌بینی می‌کنند که امریکا در ۲۰۵۰ از امپراطوری خواهد افتاد و به مرزهای ملی خود عقب‌نشینی خواهد کرد (آمریکا پس از جهانگشایی، امانوئل تد، ترجمه عظیمی بلوریان، انتشارات رسا). تا ۲۰۵۰ فاصله‌ی زیادی است و اصول‌گرایان نباید دچار توهم و تحلیل‌های ایده‌آلیستی و تبلیغات مذهبی افراطی شوند و ایران را به نابودی بکشند. شاید یکی از اهداف جنگ‌طلبان امریکا به کشورهای اسلامی، طولانی‌تر کردن فرآیند افول امریکا و عقب‌نشینی به مرزهای ملی آن است. ما، کشورهای اسلامی در حال توسعه، نباید به این فرآیند کمک کنیم. اگر نظامیان در عرصه‌ی عمومی سعی کنند که تیم مذاکره‌کننده را تقویت کنند، امری مطلوب است ولی مثل آقای جنتی از آرزوی امام برای یک جنگ رودررو با امریکا، سخن گفتن خطرناک خواهد بود. تحلیل مشخص در شرایط مشخص ضروری است.

۹- ما باید امنیت ملی خود را تقویت کنیم و این فقط از مسیر؛ توسعه‌ی سیاسی همه‌جانبه، توسعه‌ی اقتصادی، فنی، تکنولوژیک، توسعه‌ی ارتباط با مردم جهان (جلب افکار عمومی جهان) و در نهایت توسعه‌ی علوم و فنون نظامی است. هیچ کشوری نتوانسته با

توافق ژنو؛ مصالح، منافع و امنیت ملی / ۵۹

توسعه‌ی محض علوم و فنون نظامی - حتی شوروی سابق - امنیت ملی خود را تقویت
کند.

منابع و توضیحات

[۱] جرس، در ۴ شهریور ۹۲ از قول: نشریه آمریکائی "فارین پالسی" که با استفاده از اسناد منتشر شده "سیا"، گزارش داد که "سیا" در گزارش ۴ نوامبر ۱۹۸۳ خود نوشته است که عراق گاز خردل و سارین بر علیه نیروهای ایران به کار برده است. و فارین پالسی که عکس العمل آمریکا در استفاده از سلاح شیمیایی در سوریه را در سال ۲۰۱۳ در تناقض با سکوت آمریکا در سال ۱۹۸۳ و کاربرد سلاح شیمیایی بر علیه ایران، می بیند می نویسد: «اما یک نسل قبل تر، نهادهای نظامی و اطلاعاتی آمریکا از حملات شیمیایی مطلع بودند و هیچ کاری در قبال آن نکردند که بسیار بدتر از هر حمله ای بود که تاکنون در سوریه رخ داده است.» بر طبق اسناد "سیا" در حالی که "سیا" و "وزارت خارجه" صدام حسین را "ملعون" و نیروهای او را "آدم کش و قاتل" می دانستند؟ در اواخر سال ۱۹۸۷، سازمان اطلاعاتی ارتش آمریکا (DIA) گزارشی تهیه کرد که ایران در بهار ۱۹۸۸ قصد حمله به بصره را دارد و احتمال پیروزی ایران زیاد است، ولی ریگان در حاشیه آن گزارش نوشت که: «هر پیروزی ایرانیان قابل قبول نیست» و بعد از این اظهار نظر ریگان است که آمریکا اطلاعات لجستیکی و آرایش نظامی ایران را به صدام می داده است تا نقشه های جنگی ایران را خنثی کند. [www.informationclearinghouse. Info/ article 35973.htm](http://www.informationclearinghouse.info/article_35973.htm)

[۲] بخشی از بحرانهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... را در اینجا می آوریم:

موقعیت پیشرفت ایران در مطالعات انستیتوی لگاتوم در سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳.
موسسه مطالعاتی لگاتوم (Legatum Institute) یک موسسه غیر حزبی مستقل

تحقیقاتی است که حد پیشرفت ۱۴۲ کشور جهان را که ۹۹ درصد تولید ناخالص جهان را تولید می‌کنند، سالیانه بررسی می‌کند. در این موسسه هشت شاخص فرعی (اقتصاد، کارآفرینی و فرصت، حکومت‌مداری، آموزش، بهداشت و درمان، امنیت و مصونیت فردی، آزادی فردی و سرمایه اجتماعی)، توسط ۸۹ متغیر محاسبه شده و سپس رتبه‌ی کلی هر کشور، تعیین می‌شود. شیوه محاسبه و متغیرهای هر شاخص را می‌توان در www.prosperity.com مشاهده کرد.

رتبه ایران و چند کشور دیگر را می‌توان در جدول شماره ۱ ملاحظه کرد. رتبه ایران در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳، به ترتیب ۱۰۲ و ۱۰۱ بوده است که پایین‌ترین مرتبه در این کشورهاست. در جدول شماره ۲، رتبه ایران با چند کشور دیگر در ۵ سال گذشته از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳، مقایسه شده است. تعدادی از این کشورها، مانند ایران کشورهای نفت‌خیز هستند (عربستان، کویت، امارات متحده عربی، اندونزی، ونزوئلا). تعدادی از آنها مانند ایران کشورهای اسلامی هستند (عربستان، کویت، امارات متحده عربی، اندونزی، مغرب، اردن، مالزی و قزاقستان) عده‌ای از این کشورها در منطقه خاورمیانه قرار دارند (عربستان، ترکیه، کویت، امارات متحده عربی، اردن، اسرائیل) عده‌ای از این کشورها مانند ایران انقلاب کرده‌اند (ویتنام، نیکاراگوئه، چین). عده‌ای از این کشورها تا اوایل دهه ۱۹۸۰، مانند ایران تحت نفوذ غرب (آمریکا) بوده‌اند (کره جنوبی، فیلیپین، مغرب، اردن، شیلی، اندونزی، نیکاراگوئه). ملاحظه می‌شود که در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳، ایران در هر گروه از کشورهای فوق‌الذکر عقب افتاده‌تر بوده است. علت این امر چیست؟ این مقایسه نشان می‌دهد که بر خلاف آنچه گفته می‌شود؟ اقتصاد نفتی، اسلام، منطقه‌ی خاورمیانه، انقلاب، حتی نفوذ گذشته‌ی آمریکا، عامل عقب‌ماندگی ایران نیست. بلکه در ایران فقط بحران‌هایی؛ چون جنگ و تشنج داخلی و مهمتر؛ ضعف مدیریت کشور است که سبب عقب‌ماندگی و کاهش رتبه‌ی ایران بوده است. در جدول شماره ۳ هفت کشور؛ چین، امارات متحده عربی، تایلند، کره جنوبی، تایوان، کویت و مالزی آمده است که توانسته‌اند در ۵ سال گذشته رتبه‌ی اقتصادی خود را در محاسبات انستیتوی لگاتوم، رشد دهند. ایران با توجه به وسعت سرزمین، موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، جمعیت و نیروی متخصص، بالقوه در

توافق زنو؛ مصالح، منافع و امنیت ملی / ۶۳

ردیف بیستمین اقتصاد جهان است (دکتر رشیدی) ولی در عمل در ردیف ۹۱ قرار دارد!؟

جدول شماره ۱: مطالعات انستیتوی لگاتوم در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳

موقعیت ایران و مقایسه آن با کشورهای مشابه در هشت پایه شاخص

کشور	رتبه کلی		اقتصاد		کارآفرینی و فرصت‌ها		حکومت‌مداری		آموزش		بهداشت درمان		امنیت و مصونیت فردی		آزادی فردی		سرمایه اجتماعی	
	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۳
ایران	۱۰۲	۱۰۱	۷۰	۹۱	۹۵	۹۳	۱۲۶	۱۲۰	۵۷	۵۷	۶۶	۶۷	۱۲۵	۱۲۳	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۱	۱۲۰
ترکیه	۸۹	۸۷	۷۴	۷۰	۵۵	۵۴	۴۶	۵۰	۸۹	۸۹	۵۸	۵۵	۹۳	۹۹	۹۳	۱۳۰	۱۳۳	۱۲۸
عربستان	۵۲	۵۰	۳۱	۲۱	۴۶	۴۶	۵۰	۵۵	۶۴	۵۰	۴۲	۴۶	۸۲	۸۴	۸۲	۱۳۱	۴۳	۲۶
کویت	۳۸	۳۳	۲۴	۱۱	۳۳	۳۳	۴۰	۴۲	۶۲	۵۶	۳۶	۳۷	۳۳	۳۳	۳۳	۷۳	۵۷	۵۸
کره جنوبی	۳۷	۲۶	۲۳	۱۹	۱۹	۲۰	۳۰	۳۱	۷	۷	۲۴	۲۱	۴۰	۱۸	۵۶	۶۴	۵۱	۶۶
امارات متحده عربی		۲۸		۱۳		۲۶		۳۶		۳۹		۳۵		۲۴		۵۴		۴۸

کشورهای هم‌ردیف ایران در سال ۲۰۱۳ عبارتند از:

ایران، (۱۰۱) نپال، بنگلادش، رواندا، هند، (جمعیت ۱/۲ میلیارد نفر) زامبیا، مصر، نیجر، (۱۰۹)

جدول شماره ۲: شاخص کلی بر پایه مطالعات موسسه لگاتوم، برای چند کشور شبیه ایران
از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ (۵ سال گذشته)

کشور	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
ایران	۹۳	۹۲	۹۷	۱۰۲	۱۰۱
ترکیه	۸۰	۸۰	۷۵	۸۹	۸۷
عربستان	۵۷	۴۹	۴۹	۵۲	۵۰
کویت	۳۴	۳۱	۳۵	۳۸	۳۳
کره جنوبی	۲۹	۲۷	۲۴	۲۷	۲۶
امارات متحده عربی	۲۷	۳۰	۲۷	۲۹	۲۸
چین	۵۸	۵۸	۵۲	۵۵	۵۱
ویتنام	۵۰	۶۱	۶۲	۵۳	۶۲
فیلیپین	۶۱	۶۴	۶۶	۶۷	۶۶
اندونزی	۸۵	۷۰	۷۰	۶۳	۶۹
نیکاراگوئه	۷۳	۸۷	۸۶	۹۱	۷۳
مغرب	۶۶	۶۲	۷۱	۷۳	۸۲
اردن	۷۵	۷۴	۶۵	۷۷	۸۸
شیلی	۳۵	۳۲	۳۱	۳۴	۳۵
اسرائیل	۳۳	۳۶	۳۸	۴۰	۳۹
مالزی	۴۳	۴۳	۴۳	۴۵	۴۴
قزاقستان	۵۱	۵۰	۴۶	۴۶	۴۷
ونزوئلا	۷۶	۷۵	۷۳	۸۰	۷۸

جدول شماره ۳: کشورهای در حال توسعه که طبق مطالعات انستیتوی لگاتوم

شاخص اقتصادی (شاخص فرعی) خود را ارتقاء داده‌اند

کشور	۲۰۰۹	۲۰۱۳
چین	۳۴	۷
امارات متحده غربی	۳۳	۱۳
تایلند	۲۷	۱۲
کره جنوبی	۲۶	۱۹
تایوان	۲۵	۱۶
کویت	۲۲	۱۱
مالزی	۱۸	۸

بحران در آموزش عالی

دانشگاه‌ها به لحاظ کمی در سال‌های گذشته، بسیار گسترش یافته‌اند و تعداد دانشجویان نزدیک به چهار میلیون نفر برآورد می‌شوند. ولی به لحاظ کیفی در هشت سال گذشته لطمات زیادی به آن وارد شده و دانشگاه‌ها به شدت کیفیت خود را از دست داده‌اند. ستاره‌دار کردن بهترین دانشجویان تحصیلات تکمیلی، بازنشسته و اخراج کردن اعضای هیأت علمی مجرب و معروف و از همه بدتر استخدام سه هزار نفر اعضای هیأت علمی بدون رعایت قانون استخدام و دور زدن گروه‌های آموزشی دانشکده‌ها، شرایطی فراهم کرده که در سال‌های آینده بیش از پیش کیفیت آموزش عالی را، تقلیل خواهند داد. بستن فضای سیاسی دانشگاه‌ها هم، مهمترین بخش جامعه‌ی مدنی را به حاشیه رانده و سرخوردگی بهترین دانشجویان، مهاجرت و خروج آنها از کشور را به دنبال داشته، بطوری که I.Q. متوسط در میان ایرانیان در حال کاهش است (دکتر شهرام یزدانی، نشریه پزشکی سپید). علاوه بر موارد فوق‌الذکر، اصل کردن چاپ مقاله در مجلات ISI و عمدتاً بدون توجه به نیازهای جامعه و به غلط آن را تولید علم نامیدن و تبلیغ کردن؛ عملاً ارتباط دانشگاه با جامعه را قطع کرده و بر خلاف فلسفه وجودی دانشگاه‌ها، دانشگاه‌ها نهادی حاشیه‌ای که ارتباط ارگانیک با جامعه ندارند به حساب می‌آیند. انتخاب مدیران خارج از دانشگاه در هشت سال گذشته، و در مواردی از مسوولان

اطلاعاتی و امنیتی، بیشتر از گذشته فضای دانشگاه را امنیتی کرده، واقعیتی که رئیس جمهور هم به آن اشاره داشت و به آن معترض بود. بحران‌های اجتماعی مانند فقر، بیکاری، مهاجرت به شهرها و گسترده‌گی فسادهای اخلاقی به حدی رسیده است که در مواردی (مانند تبلیغات ازدواج موقت) مجوز صادر کرده‌اند که در سال‌های گذشته بسیار بعید می‌نمود. در زیر شمه‌ای از یک ازدواج عجیب و فعالیت سایت‌های مجازی برای «صیغه» (متعه) و فتوای یکی از مراجع را می‌آوریم.

ازدواج به شیوه افغانی

یک مرد افغانی، به نام "غلام سخی"، به خانواده‌ای که در محله "پشت طلاب" مشهد در خانه‌ای مخروبه با هفت پسر و دختر و پدری معتاد، زندگی می‌کنند، مراجعه و دختر بزرگ خانواده که ۱۹ سال دارد را خواستگاری می‌کند. ازدواج رسمی با افغانه ممنوع ولی ازدواج شرعی رایج است. این ازدواج باعث مجوز اقامت افغانه هم می‌شود. پدر تقاضای یک میلیون تومان پول می‌کند تا دخترش را "بفروشد". غلام سخی دفعه دوم با آوردن مقداری "مواد"، موفق شد که تخفیف بگیرد به مبلغ هفتصد هزار تومان. ملای محل این دو را عقد می‌کند. در خانه "شوهر"، این دختر مظلوم متوجه می‌شود که "هفت شوهر" دارد! به غلام سخی اعتراض می‌کند، او می‌گوید که پول نداشتم، هفت نفر شدیم، هر کدام یکصد هزار تومان گذاشتیم ترضایت پدرت را جلب کنم. دختر، دو بار به خانه پدر پناه می‌برد، پدر قبل از هر سخنی او را با کتک از خانه بیرون می‌کند، پدر می‌ترسید که غلام سخی پولش را پس گیرد. این زن که حالا حامله هم شده است به مأموری از کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، UNHCR، مراجعه و از او استمداد می‌طلبد. این مأمور با تماس با یک وکیل، حق الوکاله را خود تقبل می‌کند، تا این قربانی را از دست "هفت شوهر" نجات دهد. چه بر سر او آمده است، کسی نمی‌داند. نقل از یادداشت‌های یک کارمند سازمان ملل در مشهد (۱۵ دی‌ماه ۹۲)

(www.pyknet.net)

"تن‌فروشی بانوان یا صیغه‌ی شرعی"

مدتی است که سایت‌هایی در اینترنت ایجاد شده‌اند که با استفاده از این وسیله

ارتباط جمعی "عقد کوتاه مدت و صیغه ساعتی با ضوابط شرعی" را تبلیغ می‌کنند و بانوان داوطلب را به طرفداران این‌گونه روابط معرفی می‌نمایند. فتوای آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی هم به عنوان پشتوانه‌ی شرعی بودن را در سایت ارائه کرده‌اند.

در این شیوه، زنان را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: زنان یائسه و زنان غیر یائسه. زنان یائسه در رابطه جنسی طبیعی محدودیتی ندارند و هر ساعت می‌توانند با یک مرد این رابطه را برقرار کنند ولی زنان غیر یائسه «به خاطر تعلق نگرفته عده»، "بدون هر نوع دخول" در حد "معاشقه و ملاعبه و ارضاء به صورت لاپائی و امثالهم" می‌توانند به "عنوان شغل" دست به این کار بزنند. در این سایت‌ها، مشخصات خانم‌ها، مبلغ پرداختی، و با کد اعلام شده و نهادهای واسطه، این ارتباط را برقرار می‌کنند. هشدارهای مدیران سایت‌ها به طرفین که از مقررات سایت تخلف نکنند و مواردی که ضرورت بیان آن در اینجا نیست، آمده‌اند.

در اینجا چند سؤال مطرح می‌شود تا رابطه‌ی این نوع "شغل" با نیازهای مادی، عاطفی، جنسی و روانی دو طرف، طرح گردد:

۱- از آنجا که تمامی این بانوان، مبلغ درخواستی ساعتی، را به صراحت اعلام می‌کنند، نتیجه‌گیری می‌شود که نیاز اصلی این بانوان، مادی است. طبیعی است که نیاز عاطفی، جنسی و روانی، حداقل در اولین ملاقات مطرح نمی‌باشد. اینکه پس از اولین ملاقات رابطه‌ای طولانی مدت و همراه با ارضاء نیازهای عاطفی، جنسی و روانی هم مطرح باشد، اصلاً معلوم نیست. تحقیقی هم انجام نشده یا این سایت‌ها اصولاً وارد این مقوله نمی‌شوند.

۲- زنان یائسه، معمولاً، نیاز جنسی یا ندارند یا بسیار در آنها نادر است. یک زن یائسه ممکن است با شوهر خود که سال‌ها با او رابطه جنسی داشته، همچنان در زمان یائسگی از این رابطه لذت ببرد و ارضاء شود ولی یک زن یائسه با یک مرد غریبه چنین احساسی نخواهد داشت. اینکه چنین رابطه‌ای با یک رابطه دائمی زناشوهری، تبدیل شد بسیار نادر خواهد بود. مردان به چنین زنانی - با فرهنگ فعلی ما - فقط به دید ارضای جنسی فیزیکی و لذت تنوع‌طلبی، نگاه می‌کنند.

۳- زنان غیر یائسه که مجبورند برای "تعلق نگرفته عده" دخول انجام ندهند، مطمئناً

لذت جنسی نخواهند برد و فقط یک وسیله‌ی فیزیکی برای ارضاء مردان خواهند بود و حتماً با زخم‌های روحی و روانی این کار.

۴- به نظر می‌رسد که انگیزه اصلی زنان، در این رابطه، مادی است و احتمالاً از روی نیاز و جبر.

۵- آیا اوایل انقلاب بهتر نبود که پیشنهاد آیت‌اله طالقانی را که گفته بود. محله جمشید را نبندید بلکه موازین بهداشتی آن را ارتقاء دهید تا شرایط جامعه به سویی برود که تمامی جوانان بتوانند ازدواج کنند و محله‌ی جمشید ضرورت خود را از دست بدهد. در آن صورت، ضرورت محله جمشید به دلیل شرایط تحمیلی به جامعه و "عصر و حرج" قابل توجیه بود و چون امروز مجبور نمی‌شدیم با ایجاد تشکیلات بروکراتیک و پرهزینه و توجیه شرعی، دست به اینکار بزنیم.

۶- اصل ازدواج موقت و با رضایت کامل طرفین، امری مترقی است و می‌تواند پیش‌زمینه ازدواج دائم هم باشد. چیزی که در کشورهای غربی - بدون تقید آنها به اسلام - انجام می‌شود ولی در آن استیصال مادی زنان، اصل نمی‌باشد و اکثراً هم به ازدواج منتهی می‌شود ولی در شرایط کنونی جامعه‌ی ما شرایط شکل بحران گرفته است.

یک نمونه‌ای از تبلیغات سایت‌های مربوط به ازدواج موقت در اینجا می‌آید:

(آدرس یکی از این سایت‌ها: sighe8090.loxchat.com)

ازدواج موقت با خانم بیوه و مطلقه در تهران، اصفهان، مشهد و سایر نقاط ایران

تهران - مشاهده مشخصات خانمهای یائسه جهت عقد کوتاه مدت و صیغه ساعتی

نوشته شده در تاریخ شنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۲

توسط ایمان ابراهیمی | نظر بدهید

تهران - مشاهده مشخصات خانمهای یائسه جهت عقد کوتاه مدت و صیغه ساعتی

خانمهای این مجموعه از بین خانمهای یائسه‌ای که در تهران صیغه می‌کنند گلچین شده‌اند

صیغه با خانمهای یائسه با دخول است (در حد روابط متعارف)

کد (A01 فعال)

استان محل سکونت: تهران

توضیحات: قیافه و ظاهر بنده حدوداً به افراد ۳۵ ساله می‌زند - سفیدپوست خوش‌برخورد

خوش‌سیما - شاداب - فیزیک متناسب - زیبا و خوشرو - خوشتیپ - مهربان - باکلاس -

لطفاً وقتی تلفنم سایلنت است از زنگ زدن زیاد و اس ام اس دادن مداوم بپرهیزید ضمناً

سر مهریه چگونه نزنید - لطفاً قبل از آمدن حمام کنید، عطر بزنید و تمیز باشید - برای تنظیم

زمان پذیرش بغیر از جمعه‌ها ساعت ۱۰ صبح تماس بگیرید، اگر بتوانم برای همان روز

وقت می‌دهم - به هیچ وجه درخواست روابط نامتعارف زناشویی نفرمائید

قد: ۱۷۰

وزن: ۶۹

مهریه: ۹۰ هزار تومان برای یکساعت

وضعیت تاهل: مطلقه

جا و مکان: دارد (سمت غرب تهران)

سن: ۵۰ساله - یائسه

کارت یائسگی و سلامت: دارد

هزینه معرفی: ۹۰ هزار تومان

سوال از آیت‌اله العظمی مکارم شیرازی و فتوای ایشان در اینجا آمده است:
(sighe8090.loxchat.com)

- آیا خانم می تواند (با رعایت همه ضوابط شرعی) عاقد ساعتی باشد شرط عدم دخول را به عنوان شغل داشته باشد؟ (مثلاً با شرط عدم دخول، صبح با یک نفر صیغه کند و عصر با یک نفر؟)
- معرفی آقایان به خانمی که مسائل شرعی را رعایت می کند برای صیغه ساعتی با شرط عدم دخول چه حکمی دارد؟ آیا اینگونه معرفی می تواند به عنوان یک شغل باشد و در ازای آن پولی گرفته شود؟

سید
بهرت
ح: در صورتی که هر ضابط شرعی موردت پذیرد بر مواردر قدرت دنیا ز قطنی نماند که در در حلی مورد استفاده بود استغناء
گرفته شود استغناء نماند از هر ضابطی است = هر چه در حق باشد ۹۱/۱۲/۷
نامک الیوم

در این پدیده «صیغه یابی» و «تبلیغ صیغه» که ظاهراً بنا به ادعای مسوولان این سایت‌ها «برای رضای خداست» توجه بعضی از جراید را هم به خود معطوف داشته، بطوری که روزنامه جمهوری اسلامی در ستون «جهت اطلاع» خود نوشته (سایت asemaniha90.com ۹۲/۱۱/۲۳): «علیرغم ممنوعیت قانونی ارسال پیامک به دارندگان تلفن همراه بدون اجازه مالکان آنها، بار دیگر پیامک سایت «عاشقون» برای صیغه و عقد موقت به صورت انبوه به افراد بسیاری ارسال شده است که فردی با یک اسم مجعول؛ افراد را به ایجاد ارتباط از کانال عضویت در سایت دعوت می کند. این سایت با اخذ سی هزار تومان و پرداخت الکترونیکی بانک سامان، موجبات آشنایی مردان و زنان اعم از زن و مرد متأهل و مجرد را برای ایجاد ارتباط فراهم می کند.»

روزنامه‌ی جمهوری اسلامی با نقدی درست آن را «ترویج ماجراهای جنسی در خلاء فرهنگ‌سازی ازدواج به همراه عدم ایجاد بستر مناسب آن مانند اشتغال‌زایی برای جوانان، آسیب‌های بزرگی را در کوتاه‌مدت و درازمدت به فرهنگ مظلوم

دینی و ارزش‌های اساسی آن وارد می‌کند.»

روزنامه جمهوری اسلامی با تعجب می‌پرسد که: «چرا این سایت فیلتر نمی‌شود اما در مقابل، سایت‌های بسیار علمی و پژوهشی فیلتر می‌شوند؟» سایت asemani90.com در ادامه می‌نویسد که صبح دیروز در فیس‌بوک و توئیتر وبلاگی معرفی شده به عنوان «مرکز رسمی ازدواج موقت تهران» در این وبلاگ عنوانی با مضمون «این وبلاگ در ستاد ساماندهی وزارت ارشاد ثبت شده است» خودنمایی می‌کند. این وبلاگ ضمن اینکه کاربران را برای حفظ اطلاعات آنها مطمئن می‌سازد. مدیر سایت ضمن توضیح شرایط سایت نکات مهمی می‌گوید که چون با تحلیل این نوشتار همخوانی دارد آن را در اینجا نقل می‌کنیم. او می‌گوید: «این خانم‌ها مشکلات مالی و نیاز جنسی دارند، اما بیشتر به خاطر مسائل مالی با ما همکاری می‌کنند» و «هرچند که برخی از آنها با وجود اینکه کارمند بوده و در سن یائسگی هستند به خاطر اعتقادات و کمک به جوانان با ما همکاری کرده و بعضاً قرار ملاقات در منازل خودشان است. آنها فرزندان بزرگسال دارند که بی‌خبر از این موضوع هستند.»

مدیر این سایت به تنوع‌خواهی مردان به صراحت اشاره می‌کند و می‌گوید: «اکثراً خانم‌ها فقط یکبار صیغه این مردان می‌شوند به همین دلیل ۶۰ الی ۷۰ درصد مردان مراجعه‌کننده با خانم‌های دیگر مرکز نیز قرار ملاقات گذاشته و صیغه یکدیگر می‌شوند.» مدیر سایت از حجم کار خود می‌گوید که «در حال حاضر که با شما صحبت می‌کنم ۱۸۰ نفر آنلاین در این سایت هستند» و «یکی از خانم‌ها تا مدت‌ها وقت ندارد و برای خانم‌های دیگر نیز باید چند روز دیگر وقت داد.»

شغل‌های پول‌ساز در ایران

الف- تولید کردن ماده مخدر شیشه

گاهی گزارش‌های بسیار تکان‌دهنده در رسانه‌های ایران منتشر می‌شود که نشان از عمق بحران "اقتصادی - اجتماعی" در جامعه دارد و فقط در کشورهای آمریکای لاتین که باندهای مافیائی سابقه‌دار و پیچیده دارد، سابقه دارد. یکی از آنها تولید ماده مخدر "شیشه" در ایران است که تکنولوژی ساخت آن را، ایرانیان فراگرفته و به دلیل ارزانی هزینه تولید و عدم کنترل در خرید و فروش ترکیبات شیمیایی، در

ایران تولید و به کشورهای شرق دور (مالزی، تایلند، سنگاپور، جنوب هند...) صادر می‌کند. گزارش تهیه شده در نشریه "تجارت فردا" چاپ شده و در ۱۱ آبان ۱۳۹۲ با کد ۵۳۹۰۵ در سایت ملی - مذهبی، آمده است. محورهای مهم این مصاحبه که با زحمت فراوان تهیه شده و خبرنگار حتی فداکاری هم کرده است عبارتند از:

۱- تولیدکنندگان شیشه، واحد تولیدی را در باغ‌های کرج، شهریار و ورامین ایجاد می‌کنند و در تهران یک شغل پوششی (مانند قصابی، بنگاه فروش اتومبیل...) دارند و به آنها «آشپزخانه‌دار» می‌گویند.

۲- مواد شیمیایی برای تولید آن از کردستان عراق، امارات و ترکیه وارد می‌شود و خرید و فروش آنها ساده و هزینه تولید ارزان‌تر از کشورهای هدف در آسیاست.

۳- آموزش تئوریک و عملی را این "آشپزخانه‌دار"ها در تایلند و ژاپن، می‌بینند و پس از یاد گرفتن برای تولید به ایران برمی‌گردند.

۴- همه آنها فقیر بوده‌اند و کاری بلد نیستند از یک خانه ۴۰ متری از ته یک کوچه بن‌بست آمده‌اند.

۵- روش انتقال مرتباً تغییر می‌کند. پس از لو رفتن باید آن را عوض کنیم. الان بهترین روش، "کیف - جنس" است که با استفاده مستقیم از "آدم"های داخل فرودگاه، انجام می‌شود. هرچه این "کیف - جنس" از "گیت"های فرودگاه‌ها بیشتر رد شود و گیر نیافتد، قیمت آن بیشتر می‌شود: قیمت "کیف - جنس"ها از ۲۰۰ میلیون تومان شروع می‌شود. روش دیگر که هنوز مطمئن است، بلعیدن بسته‌ها و انبار کردن در معده است.

۶- ۳۰ گرم شیشه، حکم اعدام دارد ولی قیمت آن ده برابر تریاک است. معتاد هم ترک نمی‌کند و به آن احتیاج دارد. ما آلوده این کار هستیم و بازار هم تشنه جنس.

۷- هر کیلوی عمده فروشی ۲۵ میلیون تومان است که برای تولیدکننده عمده هر کیلو حدود دو میلیون تومان سود دارد.

۸- "جشن صدی". همه گنده‌ها، هر یکصد میلیارد تومان سودی که از این کار دستشان می‌آید، یک جشن می‌گیرند. یک نفر کله‌گنده، "جشن هفتصدی" در باغی در مهرشهر کرج گرفت که لو رفت و ۱۷ نفر اعدام شدند.

مریم یوشی‌زاده - خبرنگار جام‌جم آنلاین در گزارش دیگری، با یک تولید و

توزیع‌کننده "شیشه" موارد بیشتری را بیان می‌کند:

۱- دیر یا زود این کار را کنار می‌گذارم از کشور می‌روم. گاهی احساس عذاب وجدان می‌کنم.

۲- مدتی با استفاده از خانه‌های تیمی، شیشه پخش می‌کردم. منظور خانه‌هایی است که در آنها زنان خیابانی تن فروشی می‌کنند. بیشتر آنها دختران فراری از شهرستان‌ها هستند. در روز با ۱۰-۱۵ مرد ارتباط دارند. درآمدشان به صد هزار تومان هم نمی‌رسد. من این دخترها را برای دایره امنیتی ام جذب می‌کنم. من برای کار خودم تربیت‌شان می‌کردم. آنها پول، سرپناه و غذا می‌خواستند من همه‌اش را برای‌شان جور می‌کردم. مدیونم می‌شدند، رفیق می‌شدیم. خانه‌های جدید برایشان اجاره می‌کردم. کارشان این بود که به مشتری‌های‌شان شیشه تعارف کنند و وقتی معتاد می‌شدند از همانجا شیشه می‌خریدند. خود دخترها هم معتاد بودند. با مردها کار نمی‌کردم. حوصله اسلحه کشیدن و بزن بزن و آدم کشتن نداشتم.

۳- برای تولید شیشه خانه‌هایی با اجاره بالا و پول پیش کم اجاره می‌کردم. پول اجاره‌ی چند ماه را می‌پرداختم تا صاحب‌خانه طرف‌خانه نیاید. در همان مدت کوتاه به گند می‌کشیدمش که دیگر نمی‌شد آنجا ماند. دست آخر متواری می‌شدم و خانه را رها می‌کردم. در آن چند ماه دستکم ۵۰ برابر پول پیش را درآورده بودم. لوازمی که من برای کارم لازم دارم در یک جعبه موز جا می‌گیرد.

۴- در تهران، همه شهرهای شمالی، بویژه از رشت تا نور، مشهد و کیش مشتری داشته‌ام. در خارج کشور هم مشتری دارم. حمل به خارج از طریق بلعیدن بسته‌های ۱۰۰ گرمی توسط افراد داوطلب انجام می‌شود. بعضی‌ها تا ۵۰۰ گرم می‌خورند. بلیط رفت و برگشت و ۵ میلیون تومان به جوان‌هایی که عازم تایلند بودند، می‌دادیم.

۵- بعضی از تولیدکننده‌های شیشه از چاه بازکن چنته و آنتی‌هیستامین به عنوان ناخالصی، استفاده می‌کنند.

۶- زندانیانی که به مرخصی می‌آیند با بلعیدن شیشه آن را به داخل زندان می‌برند.

۷- شیوا، یاما و کروکودیل، مواد مخدر جدید هستند که نتوانسته‌اند جای شیشه را بگیرند.

۸- فارغ التحصیل رشته کارگردانی تأثر هستم. در گذشته با ۱۰ میلیون سرمایه ۱۲۰ تا ۱۳۰ میلیون تومان سود می‌بردم. الآن سودم کمتر شده تازگی هفته‌ای ۲۰ کیلو تولید می‌کنم. من جزو ۲۰ قاچاقچی حرفه‌ای کشور هستم. کشتنم به این آسانی نیست. آخرین قیمتی که از شیشه دارم کیلویی ۱۶ میلیون تومان است. خرده‌فروشی آن گرمی ۳۰ هزار تومان است.

۹- شیشه توهمزاست و مصرف‌کننده را دیوانه هم می‌کنند. من شاهد بوده‌ام. به همین دلیل مصرف نمی‌کنم.

ب- دلالی اعضای بدن

روزنامه شرق، گزارشی از یک "دلالت اعضای بدن"، منتشر کرده که در دوشنبه ۲۵ آذر ۹۲ با کد ۵۶۳۷۵ در سایت ملی - مذهبی آمده است که اهم مطالب آن را در اینجا می‌آوریم:

۱- کامبیز، ۳۹ ساله و دیپلم علوم انسانی است. تولیدکننده چرم بوده اما در سال ۸۶ ورشکست شده و مجبور شده یکی از کلیه‌هایش را بفروشد تا زندان نیفتد. چون گروه خونی‌اش خاص بوده مشتری‌ها مرتباً قیمت کلیه را بالاتر پیشنهاد می‌کرده‌اند. به ذهنش می‌رسد که کار پردرآمدی است.

۲- «بازاریابی اعضای بدن انسان» را به عنوان شغل جدید، انتخاب می‌کند. آگهی‌های فروش کلیه را از در یکی از بیمارستان‌های نزدیک میدان ونک، برمی‌دارد. با فروشندگان تماس می‌گیرد، مشکل آنها پیدا کردن خریدار بوده است. چون در بازار کار کرده، بلد بوده است که چگونه مشتری پیدا کند به فهرست "محرمانه"ی افراد "منتظر اهدای کلیه"، دسترسی پیدا می‌کند.

۳- معمولاً کلیه‌فروش‌ها معتاد هستند و خریدارها دنبال کلیه سالم می‌گردند. سال ۸۷ یک جوان کلیه‌اش را برای تأمین هزینه جراحی مادرش به مبلغ شش میلیون تومان در معرض فروش گذاشته بود و آن را به ۸ میلیون تومان به خریدار می‌فروشد. سودی دومیلیونی نصیبش می‌شود.

۴- برای اینکه فروشنده و خریدار او را دور نزنند. به فروشنده در ازای یک قرارداد و تعهد به اینکه او را دور نزنند، پیش‌پرداخت، می‌پرداخته است.

۵- از سال ۹۰ وارد خرید و فروش سایر اعضای بدن می‌شود و چند نفر را

استخدام می‌کند تا در دم بیمارستان‌ها پرسه بزنند و برای او مشتری پیدا کنند. چند نفر دیگر را استخدام می‌کند تا راپورت بیماران مرگ مغزی را به او بدهند. از کادرهای درون بیمارستان‌ها هم یارگیری کرده است.

۶- به هر کارمندش ماهی دو میلیون تومان و به یک روانشناس ماهی سه میلیون تومان حقوق می‌دهد که با خانواده‌های مرگ مغزی‌ها، صحبت کند.

۷- هم‌اکنون ماهی یکصد تا دویست میلیون تومان سود نصیبش می‌شود و مرتباً فهرست خریداران و فروشندگان زیاد می‌شود. کلیه بین ۲۵ تا ۷۰ میلیون تومان، قلب بین ۷۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان، ریه ۱۲ تا ۵۰ میلیون تومان، کبد ۳۰ میلیون تومان و لوزالمعده ۴۵ میلیون تومان قیمت فروش اوست.

۸- در حال حاضر ۲۰ نفر بازاریاب دارد. کارمندان شرکتش ۶ نفر هستند. حق مشاوره دکترهای متخصص ماهی حداقل ۵۰ میلیون تومان می‌شود که سلامتی خریدار و فروشنده را تعیین کنند. روانشناس و وکیل هم دارد که مرتباً برای اینکه "فصل دهنشون بسته بماند" مرتباً آنها را عوض می‌کند. و ماهی چند ده میلیون به آنها می‌پردازد. هزینه‌های جاری او هم ماهانه ۷۰ میلیون تومان است.

۹- الان فقط خریداران پول‌دار را ترجیح می‌دهد. چند وقت پیش «یک قلب مرگ مغزی از اصفهان را ۷۰ میلیون تومان خریدم و به یک پیرمرد پولدار به ۱۵۰ میلیون تومان فروختم.» ولی معمولاً از هر عضوی ده میلیون تومان سود می‌برد.

۱۰- سال‌های اخیر سرطان ریه زیاد شده و خریدار دارد. تازگی تا ۶۰ میلیون تومان هم خریدار داشته است. با شهرهای محروم هم ارتباط برقرار کرده که اعضا را ارزان‌تر می‌فروشند. از ایلام یک قلب را ۳۰ میلیون تومان خریده و به ۵۰ میلیون تومان فروخته است.

۱۱- رحم اجاره‌ای هم طرفدار پیدا کرده. از کلینیک‌های ناباروری مشتری پیدا می‌کند و بین ۲۵ تا ۴۰ میلیون تومان قیمت دارد که حدود ۲۰ میلیون تومان را به خانم (حامل رحم) پرداخت می‌کند.

۱۲- پیوند پوست؛ برای افرادی که دچار سوختگی شده‌اند یا خانم‌هایی که احساس افتادگی و چین و چروک می‌کنند، انجام می‌شود. کف قیمت ۲۰ میلیون تومان و تا یکصد میلیون تومان هم رسیده است.

این سؤال مطرح می‌شود که آیا وزارت بهداشت... نمی‌توانست یک نهاد کارآ ایجاد کند تا دهندگان و گیرندگان عضو از طریق آن نهاد عمل کنند و حتی "خرید" و "فروش" اعضا هم در موارد ضروری روال قانونی و در شأن یک جامعه‌ی اخلاقی، داشته باشد.

بحران‌های اخلاقی - اجتماعی در یک گزاره

آنچه در لایه‌های مختلف جامعه اتفاق می‌افتد، نشان از گرفتاری‌های جامعه در بحران‌هایی است که حاکی از ضعف اخلاقی، تبعیض، ضعف مدیریت عمومی جامعه، رها شدگی موازین و... دارد. ما در اینجا تعدادی از واقعیت را می‌آوریم تا نشان دهیم که ادامه این وضع خطرناک بوده و کسانی که با توافق ژنو مخالفت می‌کنند، باید بدانند که ادامه‌ی آن وضع و تداوم تحریم‌ها و سایه‌ی شوم جنگ، شرایط جامعه را به سویی می‌برد؛ مانند آنچه در سوریه، هم‌اکنون، در جریان است، نمونه‌ای است که از آن باید ترسید.

۱- سایت عصر ایران ۱۱ دی ماه ۹۲:

محمود کریمی، مداح حکومتی، پس از تصادف با یک اتومبیل پژوی ۲۰۶ یک زوج جوان، چند گلوله به اتومبیل شلیک کرد.

۱-۱- محمود کریمی: به خاطر دفاع از خانواده‌ام تیراندازی کردم، تا اراذل فرار کنند.

۱-۲- جانشین فرمانده نیروی انتظامی: (دبی - العربیه. نت فارسی)

«به خبرهایی مانند تیراندازی یک مداح به مردم نباید دامن بزنیم»، «این مداح مجوز حمل سلاح داشته. حدود نیم میلیون نفر مجوز حمل سلاح دارند».

۱-۳- خبرگزاری مهر و سایت پارسینه ۲۱ دی ماه ۹۲:

- حمایت خانه مداحان از آقای کریمی منتشر شد

- شاکی پرونده با حضور در دادسرای ناحیه یک تهران از شکایت خود صرف‌نظر کرد.

۲- معصومه ابتکار: هشت سال است که برنامه محیط زیست در ایران تعطیل شده. ۲۵ میلیون نفر در سطح کشور تحت آسیب مسائل زیست‌محیطی هستند.

۳- «طاها ظاهری» قائم مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر (رسانه‌های مجازی

اول دی ماه ۹۲):

- ۳۳ درصد معتادان ایران فوق دیپلم به بالا هستند.
- سود سالیانه قاچاقچیان ۳ میلیارد دلار است.
- سالانه ۶۳ هزار نفر به خاطر مواد مخدر روانه زندان می شوند
- ۱۰۱ هزار نفر زندانی محکوم در ارتباط با مواد مخدر داریم
- ۲/۷ درصد پسران و ۰/۸ درصد دختران دانشجوی پزشکی، «سرخوشی» را انگیزه اصلی مصرف مواد مخدر اعلام کرده اند.
- ۴- **سخنگوی فراکسیون محیط زیست مجلس** (برنامه گفتگوی ویژه خبری شبکه ۲ سیما): رسانه های مجازی ۷ دی ۹۲
- روزانه ۲۷۰ تهرانی بر اثر عوارض آلودگی هوا می میرند.
- در دوران ۸ سال دولت احمدی نژاد جایگاه ایران در حفظ محیط زیست ۶۰ پله سقوط کرد.

۵- رسانه های مجازی ۸ دی ماه ۹۲:

- ایدز در جهان دو برابر و در ایران ۹ برابر شد.
- «زگیل تناسلی» در ایران شایع می شود.
- ۶- **دبیر کنفرانس ملی بحران و HSE** (رسانه ها اول دی ماه ۹۲):
- ۶۰ میلیون موش در تهران زندگی می کنند.
- ۷- **دکتر پرویز پیران مشاور ارشد سازمان ملل در نشست خبری "کنفرانس ملی مدیریت بحران و HSE"** (رسانه ها اول دی ماه ۹۲):
- گسلی ۹۰ کیلومتری از دماوند تا هشتگرد داریم که اگر فعال شود ۸۰۰ هزار نفر جان خواهند داد. ۶۵ درصد خانه های نوساز فروخواهند ریخت. ۸۰ درصد بیمارستان ها تخریب خواهند شد. ۷۰ میلیون موش و میلیون ها سوسک به سطح شهر و کنار مردم خواهند آمد.
- امکان اطفای حریف در ساختمان های بیش از شش طبقه را نداریم.
- ۸- **بنیاد علوم در امریکا (NSF)** (رسانه ها ۱۹ دی ۱۳۹۲):
- در فرار مغزها ایران رتبه دوم را در جهان دارد.
- ۲۵۰ هزار مهندس و فیزیکدان ایرانی در امریکا زندگی می کنند.

- ۱۷۰ هزار ایرانی با مدارک علمی بالا در امریکا زندگی می‌کنند.
- ۱۵۰ هزار از بهترین جوانان و مغزهای ایرانی سالانه کشور را ترک می‌کنند.
- ۹- جدیدترین آمارهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (رسانه‌ها اول بهمن ۹۲):
 - ۲۱ درصد مردم کشور اختلالات روانی دارند.
 - طباطبائی رئیس اداره پزشکی قانونی: حداقل سه هزار بیمار روانی در میان مردم تهران زندگی می‌کنند و امکان بستری شدن آنها نیست.
 - ۱۰- آیت‌اله مصطفی محقق داماد (رسانه‌ها ۵ بهمن ۹۲):

به قتل ناکرده اعتراف کردم تا از شکنجه در زندان خلاص شوم

"همین ۴۸ ساعت پیش، یک انسانی بنا بر اعترافاتی که کرده بود، ممکن بود پای چوبه دار کشته شود؛ او یک شاگرد تعویض روغنی بود که بعد از ۴ سال به قتل اعتراف کرده بود و حکم اعدام هم برای او صادر شده بود. ۴۸ ساعت قبل از اجرای حکم اعدام، متهمی در گیلان دستگیر می‌شود و به این قتل اعتراف می‌کند. از این شاگرد تعویض روغنی سؤال می‌شود که چرا به این قتل اعتراف کردی؟ پاسخ داد که مأموران آگاهی، آنقدر مرا کتک می‌زدند که با خودم گفتم من زیر این شکنجه کشته خواهم شد، پس چه بهتر که اعتراف کنم و با اعدام کشته شوم تا کتک کم‌تری بخورم. وقتی از او پرسیده شد که چرا در دادگاه اعتراف کردی؟ پاسخ داد می‌دانستم که اگر در دادگاه اعتراف نکنم، به محض برگشت از دادگاه دوباره کتک می‌خورم."

۱۱- نشریه قانون ۲ بهمن ۹۲:

- ۱۷۳ نفر؛ ۲۲ هزار و ۹۷۰ میلیارد تومان به شبکه بانکی بدهکارند. با دلاری سه هزار تومان می‌شود ۷ میلیارد و ۶۵۶ میلیون دلار
- ۶۱ نفر بالای یکصد میلیارد تومان بدهی دارند.
- ۱۲- رسانه‌ها ۶ بهمن ۹۲:

- پایگاه اطلاع‌رسانی "خانه ملت" اول نام و اول فامیل ۱۲ نفر از پزشکان که برای عمل جراحی بین ۳۰ تا ۶۰ میلیون تومان زیرمیزی می‌گیرند را فاش ساخت.
- وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی قبلاً به این پزشکان مختلف هشدار داده

بود (روزنامه جمهوری اسلامی اول بهمن ۹۲)

۱۳- روزنامه دنیای اقتصاد ۸ دی ماه ۹۲:

بانک‌های خصوصی: تحریم‌ها به نفع ماست به کمپین ضدتحریم نمی‌پیوندیم.

۱۴- ناطق نوری در گرگان (رسانه‌ها ۱۴ آبان ۹۲):

عده‌ای دل‌تک می‌گویند کشور را امام زمان اداره می‌کند.

۱۵- آقای منتظری، رئیس دیوان عدالت اداری (BBC پنجشنبه ۵ دی ماه ۹۲):

رئیس جمهور سابق به مردم دروغ می‌گفت

۱۶- حجت‌الاسلام احمد مبلغی، رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی، (رسانه‌ها ۱۱ آذر

۹۲):

در حال حاضر رابطه علم با نیازهای جامعه گسسته شده و دیگر نوآوری صورت نمی‌گیرد. در حوزه‌های علمیه به دلیل فقدان مدیریت علم، رابطه معقول، مطلوب و پاسخگویی بین علوم انسانی و نیازهای زمانه برقرار نمی‌شود.

۱۷- تقوایی، کارگردان مشهور سینما (۲۳ آبان ۹۲ News.gooya.com)

سانسور شکل بحرانی وحشتناک در ایران پیدا کرده... به شکل واژگانی درآمده... استفاده از نصف زبان فارسی ممنوع شده... طبق آئین‌نامه جدید دیوان حافظ را نمی‌توان چاپ کرد... نصف لغت‌نامه دهخدا را باید پاک کرد... خسته شده‌ام.

۱۸- دکتر مجید ابهری، کارشناس مسائل اجتماعی (خبرگزاری مهر ۱۴ آبان ۹۲):

۴ تا ۶ میلیون "پیر دختر" در ایران داریم.

۱۹- سایت "صلح نیوز" (۷ دی ماه ۹۲):

در چهار سال گذشته ۳۱۱ وکیل یا بازداشت شده یا از ایران گریخته‌اند. اتهام آنها «همراهی و همنوایی با فتنه‌گران و قبول وکالت عناصر ضدانقلاب و مجرمان امنیتی بوده»

۲۰- رضا جهانگیری، معاون خدمات اجتماعی سازمان رفاه و مشارکت اجتماعی

شهرداری تهران، (ایلنا ۱۴ آبان ۹۲):

سن زنان کارتن خواب به ۱۷ و ۱۸ سال کاهش یافته.

۲۱- علی مطهری، نماینده مجلس (نطق میان دستور به مناسبت ۹ دی):

قوه قضائیه اگر مستقل بود راه‌حل پایان حصر و زندان را پیدا می‌کرد.

۲۲- حسینعلی شهبازی، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس (ایلنا، ۲۱ مهر ۱۳۹۲) گفت: استاندارد را مجبور کردند برنج‌های آلوده را سالم اعلام کند. دلیل بازنشستگی مدیر کل استاندارد تهران این بود که اطلاعات درست در مورد برنج‌ها داده بود.

در تولید بسیاری از سبزیجات و میوه‌ها از کودها و سموم شیمیایی غیرمجاز استفاده می‌کنند. کارخانجات شیر ما برای کاهش میکروبی شیر از آب ژاول (وایتکس) استفاده کرده‌اند و این شیرها مارک‌های معروف دارند، اطلاع رسانی درستی نکرده‌اند.

توصیه می‌کنم که سوسیس استفاده نکنید چرا که اطلاعات نگران‌کننده‌ای در این زمینه دارم.

۲۳- احمدی‌نژاد در آخرین جلسه هیأت دولت (پایگاه خبری تحلیلی پارسینه): دولت از روز نخست، هیچ مأموریتی جز زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر(عج) نداشت.

۲۴- محمدتقی مصباح یزدی به نقل از حسن نصراله (دیگران، ۲۴ تیر ۹۲): مردانی با لباس سفید در جنگ ۳۳ روزه با اسرائیلی‌ها می‌جنگیدند.

۲۵- رابرت بائر، مأمور سابق سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (CIA)، ۱۵ دسامبر ۲۰۱۳: (www.farsi.alarabiya.net/fa/international/...)

در زمان شهرداری محمود احمدی‌نژاد در تهران، در دفتر او کار می‌کردم.

۲۶- علی مطهری، نماینده مجلس (رسانه‌ها ۱۹ آذر ۹۲):

تلفن همه نمایندگان شنود می‌شود.

۲۷- حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات احمدی‌نژاد در همایش ائمه جمعه و جماعات اصفهان (رسانه‌ها دوشنبه ۱۴ اسفند ۹۱):

به ۶۰۰ خبرنگار ایرانی در داخل و خارج ضربه زدیم.

۲۸- مهرداد عمادی، اقتصاددان و مشاور جامعه اروپا (رادپو فردا ۲۶ دی ماه ۹۲):

دو سخنرانی احمدی‌نژاد تأثیر مهمی در اروپا برای اعمال تحریم‌ها گذاشت. یکی "خس و خاشاک" خواندن مردم و دیگری که گفت: «ما مقید به مقررات بین‌المللی و خواست جامعه جهانی نیستیم» و یک استاد دانشگاه که وابستگی امنیتی هم دارد

از "ترور مقدس" سخن گفت. لذا پس از جولای ۲۰۱۱، تحریم‌ها تشدید شد.

۲۹- محمد نوری زاد (وبسایت نویسنده ۱۱ دی ماه ۹۲):

معلمی در سربندر (ماهشهر) در حبس حدود ۲۰ عدد کاغذ مچاله شده بیرون کشید که روی آنها نوشته شده بود: «زن جوان هستم، شوهر ندارم. تلفن...» معلم گفت: احتمال می‌دهم این زن یا مادر دانش‌آموز من است یا زن همسایه‌اش. این دانش‌آموز با نوشتن این متن خرج خود را درمی‌آورد. امروز هم قرار بوده این برگه‌ها را بین راننده‌های تانک‌های عراقی یا کامیون‌های ایرانی توزیع کند.

۳۰- محمد نوری زاد (وبسایت نویسنده - ۱۳ دی ماه ۹۲):

زندان کارون اهواز، و داستان نه جنگ و نه صلح

و کیلی به من گفت:

در زندان کارون اهواز یک بند هست به نام بند نظام که در آن زندانیان سیاسی و نظامی و کارکنان دولت را جای می‌دهند... چند وقت پیش، سرباز هیجده ساله‌ای را که بر و رویی نیز داشته به دلیل غیبت به این زندان می‌فرستند... مافیای داخل زندان همدیگر را خبر می‌کنند این سرباز را هم شب‌ها و هم روزها به هم کرایه می‌دهند... یک روز که پدر و مادرش برای یافتن او به اینجا آمده بودند... داوطلب پیگیری وضعیت فرزندشان شدم. طبق آمار زندان، او یکی از زندانیان اینجا بود اما کسی از حضور او و محل حضور او خبر نداشت... من با پیگیری‌های فراوان، بیست و چهار روز بعد توانستم نشانی از آن سرباز بگیرم... وقتی او را از زندان تحویل گرفتیم، آن سرباز یک مرده مبهوت بود... در زندان کارون اهواز، توسط پزشکان خود زندان، روزانه سیصد عدد کاندوم بین زندانیان توزیع می‌شود. آمار ایدزی‌های اینجا تن را به لرزه درمی‌آورد.

۳۱- تخریب مساجد اهل سنت: مداحی که فیلم او در youtube قابل رؤیت می‌باشد گفته است: «تو مسجدی که اسمی از علی نیست به خدا باید از ریشه ویران بشه» (www.youtube.com/watch?v=Rcd4Audjyq)

۳۲- یکی از معاونین وزارت ارشاد (سایت سهام نیوز ۱۴ شهریور ۹۲):

حمید رسایی مدیر مسوول نشریه ۹ دی یک میلیارد و هشتصد میلیون تومان و علیرضا زاکانی برای مجله‌ی پنجره، نهصد میلیون تومان از وزارت ارشاد دریافت

کرده‌اند.

۳۳- نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس (رسانه‌ها ۹۲/۶/۱۲):

هزار و ۷۸۰ میلیارد تومان از منابع شرکت مس به حساب‌های خارج کشور منتقل شده. نعمت‌اله پوستین‌دوز، آخرین مدیرعامل احمدی‌نژاد، بازداشت شده است.

۳۴- روایت تکان‌دهنده از کمپ معتادان شفق (پایگاه خبری آفتاب: ۹۲/۱۰/۴)

- آنجا وقتی وارد می‌شوی دکتر "ح" اجازه ورود می‌دهد. آقای هیست معروف به "رضا موتوری" او گوشی و پول می‌گیرد و خیلی راحت جواب آزمایش اعتیاد را منفی می‌کند.

- شپش غوغا می‌کند، از سر و کول مردم بالا می‌رود.

- کسی را آنجا دیدم که مقوا خرد کرد داخل سوپش که ته دلش را بگیرد.

- معاون ستاد مبارزه با مواد مخدر: قبول داریم "شفق" استاندارد نیست.

۳۵- کلیشادی، مشاور ارشد سازمان جهانی بهداشت پایگاه خبری انتخاب (رسانه‌ها جمعه ۴ بهمن ۱۳۹۲):

شیر مادران اصفهانی دارای سرب، کادمیم، آرسنیک و جیوه است. این مادران در معرض هوای آلوده قرار گرفته‌اند. آلودگی هوا جهش ژن CYP1A1 را در جنین به دنبال دارد که منجر به سرطان، بیماری‌های قلبی و عروقی می‌شود.

کمبود ویتامین D در ۹۰ درصد زنان، ۷۰ درصد مردان و ۶۰ درصد کودکان وجود دارد که به علت آلودگی هوا، سنتز (تولید) ویتامین D صورت نمی‌گیرد. باعث بیماری‌های دیابت، MS، پوکی استخوان... می‌شود.

۳۶- دکتر غلامعلی افروز، رئیس اسبق دانشگاه تهران و رئیس دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران (رسانه‌ها ۲۴ دی ماه ۹۲):

بیش از ۷۰ درصد از بزهکاران اجتماعی (گروه سنی زیر ۱۸ سال) مقیم کانون‌های اصلاح و تربیت سازمان زندان‌ها، واماندگان تحصیلی از نظام رسمی تعلیم و تربیت کشور می‌باشند. بسیاری از آنها از دوره راهنمایی (دوره اول متوسطه) دچار افت یا واماندگی تحصیلی شده‌اند.

۳۷- علی یونسی، وزیر اطلاعات خاتمی (روزنامه فرهیختگان ۲۳ دی ۹۲): موازی کاری برای امنیت کشور خطرناک است.

۳۸- محمداسماعیل مطلق، مدیر دفتر سلامت و جمعیت وزارت بهداشت... (رسانه‌ها ۹ بهمن ۹۲):

- ۲۵۰ هزار سقط جنین غیرقانونی در سال (یعنی روزی ۶۸۵ و ساعتی ۲۹ مورد) در کشور انجام می‌شود.

- ۶ هزار سقط جنین قانونی و ۱۰۰ هزار مرده‌زایی داریم یعنی جمعاً ۳۵۶ هزار جنین پیش از تولد، می‌میرند.

۳۹- عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، رسول خضری، (رسانه‌ها ۹ بهمن ماه ۹۲):

پزشکان زیرمیزی‌بگیر مسوولان وزارت بهداشت را تهدید کردند. در صورت اعلام لیست اسامی این پزشکان با لابی‌های خود مسوول نظارت بر درمان وزارت بهداشت را برکنار می‌کنند.

۴۰- وزیر بهداشت... (رسانه‌ها ۹ بهمن ۹۲):

مایه سرشکستگی است که ایران از صادرکننده واکسن باکیفیت به کشوری واردکننده تبدیل شده است.

۴۱- فرشاد مؤمنی در دوازدهمین کنگره حزب مردم‌سالاری (رسانه‌ها ۱۱ بهمن ۹۲):

- شاخص فلاکت در پایان کار دولت گذشته دو برابر ماه‌های آغازین آن بود.
- حداقل سه دهه زمان می‌برد تا خسارت‌ها و فاجعه‌های زیست‌محیطی حاصل شده از دفاع بد دولت گذشته از عدالت، جبران شود.

۴۲- علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی (رسانه‌ها ۱۰ بهمن ۹۲):

- باید نگران بیکاری ده میلیون نفری در آینده بود.
- چه شده که یک نفر مجبور می‌شود با مدرک لیسانس بیاید و بگوید دیپلم است تا یک کاری به وی داده شود.

۴۳- دهدشتی، نماینده آبادان و مطلع در مورد سعید مرتضوی و سازمان تأمین اجتماعی ():

- هلدینگ‌های پتروشیمی محصول تولیدی‌شان را با واسطه به خودشان می‌فروختند و پول‌های درشتی به جیب می‌زدند.

- سیستم‌های امنیتی در تأیید زنجانی وقت لازم را نداشته‌اند. مبهم‌گویی می‌کردند.
- وزارت نفت تضمین‌های لازم را از بابک زنجانی نگرفته و بانک مرکزی هم سیستم بانکی بابک زنجانی را تأیید کرده و سه وزیر و رئیس بانک مرکزی هم به نوعی رسماً ایشان را تأیید کرده‌اند.

۴۴- **زنگنه، وزیر نفت** (شنبه ایرنا، ۱۲ بهمن ۹۲):

نیروی انتظامی ۱۸۰ میلیون دلار به وزارت نفت بدهکار است.

۴۵- **فرمانده پلیس تهران** (دهم بهمن‌ماه، رسانه‌ها):

- به توصیه محمود احمدی‌نژاد برای تأمین کسری بودجه، نفت فروختیم.

۴۶- **وزیر کشور، عبدالرضا رحمان‌فضلی** (رسانه‌ها ۹ بهمن ۹۲):

- ۶ میلیون ایرانی به‌طور مستقیم با اعتیاد درگیر هستند.

- گردش مالی مواد مخدر بیش از هزار میلیارد دلار در دنیا است.

- شیوع اعتیاد بین زنان دو برابر شده و به حدود ده درصد رسیده.

- از ابتدای سال جاری بیش از سیصد آشپزخانه تولید مواد مخدر در کشور کشف شده و ۱۶ هزار معتاد جمع‌آوری شد.

۴۷- **رسانه‌ها (۷ بهمن ۹۲):**

- ۱/۵ میلیون بیوه و زنان مطلقه داریم. روزانه ۱۶۰ نفر به آنها اضافه می‌شوند.

- دو هزار زن خیابانی در تهران دستگیر شدند و در بررسی وضع آنها، مشخص شده که ۶۰۰ نفر آنها در خیابان‌ها سوار اتومبیل‌ها می‌شوند و ۱۴۰۰ نفر بقیه از طریق اینترنت قرار می‌گذارند.

- ۴/۵ میلیون دختر ازدواج نکرده بالای سن بلوغ وجود دارد.

۴۸- **بهزاد قره‌یاضی، رئیس پژوهشکده بیوتکنولوژی کشاورزی** (رسانه‌ها ۸ بهمن ۹۲):

- دولت احمدی‌نژاد کشاورزی ایران را نابود کرد و باید پاسخگوی گوشت آلوده به "راديواکتيو" باشد. این دولت ضربه زیادی به دانشمندان و کشاورزان ایرانی وارد کرد.

۴۹- **علی ایرانی‌پور، عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس** (رسانه‌ها ۸ بهمن ۹۲):

- از واردات گوشت‌های آلوده به "رادیواکتیو" از اوکراین خبر داد.
- ۵۰- **احمد علم‌الهدی**، امام جمعه مشهد (رسانه‌ها ۸ بهمن ۹۲):
 - باید با فساد گسترده دولت دهم برخورد جدی شود.
- ۵۱- **دکتر اصغر محمدی فاضل**، رئیس دانشکده محیط زیست در همایش محیط زیست، بهداشت و ایمنی، HSE، (رسانه‌ها ۸ بهمن ۹۲):
 - ما چیزی به عنوان غذا و تغذیه سالم در کشور نداریم.
 - توصیه می‌کنم تا جایی که می‌توانید از آب بسته‌بندی شده استفاده نکنید.
 - غبار آلوده به اورانیم وارد ایران می‌شود.
- ۵۲- **روحانی**، رئیس جمهور در نشست مشترک با نمایندگان (۹ بهمن ۹۲):
 - در برخی از زمینه‌ها وضعیت بسیار دشواری داریم اگر تعبیر کنم در مرز بحرانی، شاید اغراق نباشد.
 - در زمینه محیط زیست در شهرهای بزرگ به بحران رسیده‌ایم.
 - متوسط مصرف سرانه انرژی در ایران دو برابر مصرف جهانی است. اگر در کشورهای دیگر برای دو برابر شدن مصرف انرژی ۴۵ سال زمان می‌برد، در ایران با ۱۲ سال، مصرف انرژی ما دو برابر می‌شود.
 - در تهران طی ده ماهه امسال، صدها نفر به خاطر آلودگی هوا در بیمارستان بستری شده‌اند. شاید صدها، عدد درستی نباشد و بلکه هزارها و تعداد زیادی از مردم در سایه همین مسمومیت‌ها جان باختند.
 - اگر منابع مشترک ما را همسایگان ببرند و ما تماشا کنیم، این وهن ملت نیست؟
 - در زمینه سلامت... شرایط بسیار دشوار مردم تا نزدیکی مرز بحران است.
 - در سال گذشته رشد منفی ۵/۸ درصد داشته‌ایم. در بخش صنعت رشد ما منهای ۴۴ و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و اشتغال در بخش صنعت منهای ۳۷ درصد بوده است.
 - آماری که به ما ارائه شده می‌گویند که ۱۲ تا ۱۳ میلیون نفر بیمه درمانی نیستند.
 - متوسط قیمت حامل‌های انرژی در کشور نسبت به فوب [FOB] خلیج فارس یک هفتم است.
- ۵۳- **آیت‌اله ابوالقاسم خزعلی** (انتخاب ۱۲ بهمن ۹۲):

- فرزندان من لب به سیگار هم نزده است که نسبت مصرف مواد مخدر به او بدهند. او در سلامت کامل روحی و روانی است و این خبرها کذب است. تهمت و بهتان به کجا رسیده که حتی آیت الله خزعلی هم اعتراض می کند!!

۵۴- علی مطهری، نماینده مجلس، در نامه به محمدجواد لاریجانی (نامه نیوز):

- تکلیف فتنه مانند تکلیف بخشی از زمین های کشاورزی و دامداری شما برای مردم مشخص نیست و هنوز حکم آن اعلام نشده است.

۵۵- مهدی طائب، مسوول قرارگاه عمار (رسانه ها ۱۵ دی ۹۲):

- احمدی نژاد پدر همه را در آورد.

- نرمش قهرمانانه مقام معظم رهبری دشمن را به مخمصه انداخته است و دشمن به هر طرف حرکت می کند، ضرر خواهد کرد و انشاءاله پس از صلح حدیبیه، فتح المبین ملت ایران رقم خواهد خورد.

۵۶- روزنامه جمهوری اسلامی نوشت (رسانه ها ۲۳ دی ماه ۹۲):

- بخش فرهنگی یک واحد دانشگاهی شمال کشور از یکی از مداحان مشهور تهران برای مداحی دعوت می کند... مداح گفت قبل از هر چیز مبلغ ۵۰ میلیون ریال به حساب بانکی من واریز نمائید. سپس بلیط دو سره هواپیما بفرستید و کلیه مخارج سفر و پذیرایی را نیز تقبل کنید. ضمناً عده ای نیز به عنوان همراهان با من خواهند آمد که مخارج پذیرایی و بلیط آنها را نیز باید تقبل کنید. دعوت کنندگان، دعوت خود را پس گرفتند.

۵۷- مصطفی پورمحمدی، وزیر دادگستری (رسانه ها ۱۳ بهمن ماه ۹۲):

- ...در سازمان تعزیرات حکومتی به ویژه اداره کل استان تهران، تعدادی از همکاران در پرونده ها به فساد، انحراف و خطا آلوده شدند... بیش از ده نفر از آنها بازداشت شدند که این افراد از مدیران، روسای شعبه و مستشاران بودند.

۵۸- مدیر روابط عمومی اورژانس ایران (الف، ۳ بهمن ۱۳۹۲):

فقط در فاصله سال های ۸۴ تا ۹۲ بیش از ۲۰ میلیون بار برای اورژانس و آتش نشانی و پلیس ۱۱۰ کشور مزاحمت تلفنی ایجاد شده است
... ۵۹

[۳] فقط به بخشی از آمارهای کلان و بسیار تعیین کننده اشاره می شود:

دکتر عیسی کلانتری، یکی از مطلع‌ترین کارشناسان بخش کشاورزی، در مصاحبه با روزنامه قانون می‌گوید:

- **تأخیر در خرید گندم** در سال ۱۳۹۲، یک میلیارد دلار به کشور ضرر زده است.
- **بیان منفی برداشت آب** در ابتدای انقلاب زیر صدمیلیون متر مکعب در سال بود در حال حاضر به یازده میلیارد متر مکعب رسیده است. اگر وضعیت اصلاح نشود ایران ۳۰ سال دیگر کشور ارواح می‌شود. اگر ۱۲ تا ۱۵ سال کار کنیم، بیان منفی تراز می‌شود. دویست هزار میلیارد تومان برای این کار لازم است. ۲۵ سال دیگر جنوب البرز و شرق زاگرس غیرقابل سکونت می‌شود و افراد باید مهاجرت کنند. از ۷۵ میلیون نفر ۴۵ میلیون نفر بلا تکلیف می‌مانند.

- **سال گذشته ۶/۷ میلیون تن گندم**، ۹/۳ میلیون تن علوفه، ۱/۶ میلیون تن روغن، ۱/۳ میلیون تن برنج ۱/۲ میلیون تن شکر، ۱۵۰ هزار تن گوشت قرمز وارد کشور شده و این ۵۶ درصد مواد غذایی لازم برای کشور است و فقط ۴۴ درصد مواد غذایی در داخل تولید می‌شود. (نقل از پیکنت ۱۷ تیر ۱۳۹۲)

در بخش نفت و گاز کارشناسان اطلاعات زیر را اعلام کرده‌اند:

- **آقای اکبر ترکان** که مدت زیادی در بخش نفت و گاز کار کرده است در مصاحبه با مهر در دوم خرداد ۱۳۹۲ می‌گوید که در سه سال گذشته ۴۶ میلیارد دلار در پارس جنوبی سرمایه‌گذاری شده، اما هیچ فاز جدیدی به تولید نرسیده است. هر فاز ۲/۲۵ میلیارد دلار و ۳۵ ماه زمان لازم دارد. در ۲۵ خرداد ۱۳۸۹ طرح توسعه‌ی ۳۵ ماهه هشت فاز پارس جنوبی امضاء شده در حالی که ۳۶ ماه از آن زمان گذشته، هیچ فازی به ۶۵ درصد پیشرفت نرسیده است.

- **مدیرعامل شرکت ملی نفت**، رکن‌الدین جوادی، می‌گوید که ضرر هر روز تأخیر در توسعه‌ی پارس جنوبی، یکصد میلیون دلار است و ۱۲ فاز توسعه نیافته‌ی پارس جنوبی به ۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد، یعنی روزی حدود ۳۵ میلیون دلار، (جرس ۳ آبان ۱۳۹۲). یعنی روزی ۳۵ میلیون دلار سرمایه‌گذاری و یکصد میلیون دلار درآمد.

- **روزانه دویست میلیون متر مکعب گاز** باید به میادین نفتی تزریق شود که در حال حاضر حدود نصف آن انجام می‌شود. به دلیل تزریق نشدن حدود یکصد

میلیون متر مکعب گاز، روزانه حدود ششصد هزار بشکه نفت، استخراج نمی‌شود و اگر هر بشکه نفت یکصد دلار باشد سالانه ۲۲ میلیارد دلار زیان وارد می‌شود. (نقل از سایت خبر دوشنبه دهم تیر ماه ۱۳۹۲ - کد مطلب: ۱۹۱۶۲۶)

- **خبرگزاری مهر در گزارشی** (۲۴ آبان ۱۳۹۲) نوشته که قطر از لایه مشترک نفتی پارس جنوبی ۵۲۵ هزار بشکه نفت برداشت می‌کند و ایران هیچ! قرارداد جدیدی که قطری‌ها با شرکت دانمارکی "مرسک" برای افزایش سه دستگاه دکل جدید امضاء کرده‌اند، به زودی تولید آنها از این لایه نفتی مشترک به هفتصد هزار بشکه خواهد رسید. ایران ده سال پیش قراردادی برای تولید از این لایه مشترک امضاء کرده ولی پیشرفت محسوسی نداشته است.

- **معاون وزیر نفت** اعلام کرده که شرکت ملی گاز ایران با بیش از ده هزار میلیارد تومان ورشکسته شده است. (مهر نقل از ایران امروز ۲۰۱۳/۱۱/۱۶)

- **بیژن زنگنه، وزیر نفت**، در سالن اجتماعات باشگاه نفت که فارغ‌التحصیلان دانشکده نفت یاد و نام شهیدتندگویان را گرامی می‌داشتند گفت: «چند روز پیش آقای روحانی گفتند که یکی از وزیران پیشین آمد پیش من و به من گفت که من رفتم امارات و خواهش کردم و یک مقدار پول از آنها گرفتم و آوردم ایران. آقای روحانی گفتند ایشان وقتی که رفتند من نشستم و گریه کردم که کشور ما به کجا رسیده که وزیر ما باید برود و از یک شیخ اماراتی خواهش کند که چهار قران پول به ما بدهد برای امور جاری کشور. این عزت ماست؟»

- **ایسنا از قول "بلومبرگ"** نوشت که بانک جهانی اعلام کرده است که در سال ۲۰۱۱ میلادی ۱۱/۴ میلیارد متر مکعب از گازهای همراه ایران به ارزش هفت میلیارد و سیصد میلیون دلار سوخت شده است. (رسانه‌های مجازی سه‌شنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۲)

- **موسسه شفاف‌سازی بین‌المللی**، شاخص فساد ۱۷۷ کشور را در سال ۲۰۱۳ اعلام کرد. این شاخص بین صفر و ۱۰۰ اعلام می‌شود. شاخص فساد در ایران ۲۵ است یعنی در بین ۱۷۷ کشور ۱۴۴ام هستیم. جزء بدترین کشورهای جهان

(www.transparency.org/cpi)

[۴] در ماه می ۲۰۰۳ آقای خاتمی پیشنهاد «معامله بزرگ» را به دولت بوش پسر داد.

ایران و آمریکا با احترام متقابل موافقت کرده بودند که موارد پیشنهادی از دو طرف را روی میز مذاکره قرار دهند. اهداف ایران عبارت بودند از:

- آمریکا از تغییر نظام سیاسی ایران صرف نظر کند.

- تمامی تحریم‌ها را لغو کند.

- در عراق: از درخواست پرداخت غرامت به ایران دفاع کند، ترکیه شمال عراق را اشتغال نکند، منافع ملی ایران، در عراق و ارتباط ایران با کربلا و نجف را به رسمیت بشناسد. در عراق یک حکومت دمکراتیک تشکیل شود. سازمان مجاهدین خلق و اعضای آن خلع سلاح شوند.

- دستیابی ایران به تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای، شیمیایی و بیوتکنولوژی مورد قبول واقع شود.

- منافع قانونی امنیت در منطقه بر پایه ظرفیت دفاعی ایران پذیرفته شود.

- تروریست‌های ضد ایرانی - از جمله مجاهدین خلق - تعقیب و خلع سلاح شوند و همچنین سازمان‌های حامی آنها در آمریکا.

اهداف آمریکا در این گفتگو عبارت بودند از:

- سلاح کشتار جمعی: شفافیت کامل در اینکه ایران در زمینه سلاح کشتار جمعی فعالیت نکند. با IAEA همکاری کامل کند و پروتکل الحاقی را بپذیرد.

- تروریسم: اقدامات جدی بر علیه تروریسم (در رأس آنها القاعده) در سرزمین ایران انجام شود. همکاری کامل و مبادله اطلاعات در این زمینه.

- عراق: از نفوذ خود ایران برای پایداری نظام سیاسی و ایجاد نهادهای دمکراتیک و حکومت غیرمذهبی، همکاری کند.

- خاورمیانه:

۱- توقف هر کمک مادی به گروه‌های فلسطینی اپوزیسیون (حماس، جهاد و غیره) از سرزمین ایران. به این گروه‌ها فشار آورد تا اعمال خشن بر علیه شهروندان غیرنظامی، در درون مرزهای ۱۹۶۷، متوقف شود.

۲- فشار بر حزب‌الله که منحصراً یک سازمان سیاسی شود.

۳- قبول پیشنهاد بیروت اتحادیه عرب (ابتکار عربستان سعودی - تأیید دو دولت). این پیشنهاد ایران، توسط جنگ‌طلبان آمریکا - به ویژه چنی معاون بوش و بولتن

سفیر او در سازمان ملل - پذیرفته نشد. اصل متن "معامله بزرگ" را می توان در تارنمای زیر مشاهده کرد:

www.nytimes.com/packages/pdf/opinion/20070429-Iran-memo-expurgated.pdf

جک استرا وزیر خارجه وقت انگلیس در مستند تلویزیون BBC که در مورد احمدی نژاد تهیه شده بود و در ساعت ۱۹ روز ۱۶/۳/۱۳۹۲ از آن تلویزیون پخش گردید، گفت: «احمدی نژاد را آمریکا سرکار آورد - به دلیل ندادن پاسخ مناسب به تعلیق غنی سازی اورانیوم - و این مطلوب سیاست های آمریکا و اسرائیل بود.» او قبلاً هم گفته بود که برای جلوگیری از حمله آمریکا به ایران، مصاحبه کرده و با مسئولان ایرانی تماس داشته است. علت عدم قبول پیشنهاد ایران را "ژنرال کلارک" گفت که یک ژنرال در پنتاگون پس از حمله ۲۰۰۱ به برج های دوقلو در آمریکا، به او گفته است که «آقای بوش تصمیم گرفته بود که در طول پنج سال به هفت کشور حمله کند و رژیم آنها را سرنگون کند. این هفت کشور عبارتند از، عراق، سوریه، لبنان، لیبی، سومالی، سودان و در پایان ایران» (محمد سهیمی در مقاله ی ... خاورمیانه =Maghalat/? www.mellimazhabi.com/)

[۵] گزارش تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از سازمان تأمین اجتماعی و عملکرد آقای مرتضوی که در سه مجلس گذشته هم به عنوان متهم به قوه قضائیه معرفی شده بود و پرونده های جنجالی؛ قتل زهرا کاظمی، فروش سؤالات کنکور و قتل ها و تجاوزات کهریزک، را در کارنامه خود داشت و عملاً هنوز کیفی در مورد آنها ندیده و تعقیب قضایی او کسی را قانع نکرده؛ گواه این بحران فساد در ایران است.

[۶] آقایان احمدتوکی و سلیمی نمین کسانی بودند که ماه ها پیش اعلام کردند که مبارزه با فساد در دستگاه دولتی مقدور نمی باشد. نویسنده در کتاب "توسعه ایران"، نشر صمدیه، ۱۳۸۰ به فساد مالی - اداری در فاصله سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ پرداخته و پیش بینی شرایط فعلی را کرده است. در اینجا فقط به پرونده های، سعید مرتضوی و سازمان تأمین اجتماعی و بابک زنجانی و تحریم ها اشاره ای می شود. در گزارش تحقیق و تفحص ۱۴۶ صفحه ای مجلس شورای اسلامی در مورد عملکرد

سعید مرتضوی موارد مستندی وجود دارد که عمق و گسترش و وقاحت مدیران در ارتکاب به فساد مالی - اداری را و ضمناً نهادینه شدن فساد در دستگاه اداری و بدون ترس مدیران از کیفر را، نشان می‌دهد. پانزده نفر از نمایندگان مجلس در سه کارگروه؛ بخش درمان، شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) و سازمان و شرکت‌های تابعه، روی این تحقیق کار کرده‌اند. این سازمان هم‌اکنون ۳۷/۷ میلیون نفر بیمه شده و مستمری‌گیر اصلی و تبعی و صدها شرکت، بیمارستان و مرکز درمانی را در تملک خود دارد. ۶۴ هزار کارمند که ۴۵ هزار نفر آنها در بخش درمانی و ۱۹ هزار نفر در واحدهای بیمه‌ای و اداری، مشغول کارند. طبیعی است که فساد در چنین نهاد عظیم و گسترده‌ای با بروکراسی فلج و فاقد نظارت عمومی، به راحتی می‌تواند در لابیرنت‌های تشکیلاتی آن مخفی و کم‌رنگ و حتی بی‌رنگ شود. معهذاً، این تحقیق و تفحص در شش محور، انجام شده است: ۱- نحوه مدیریت منابع و مصارف ۲- عدم مدیریت منابع با نرخ تورم و خطر ورشکستگی سازمان ۳- میزان حق جلسه و پاداش‌های غیرمعارف به مدیران، مشاوران، مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره ۴- عدم رضایت جامعه تحت پوشش از خدمات ارائه شده ۵- عزل و نصب‌های خارج از اصول و غالباً سیاسی در مشاغل فنی و تخصصی ۶- بررسی اجرای قوانین؛ تجارت، آئین‌نامه‌های مالی و معاملاتی، مصوبات مجامع و...

در این گزارش آمده است که در مجلس هشتم در ۸۹/۲/۲۹ تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی در صحن علنی مجلس تصویب شد و پس از یکسال که گزارش نهایی جهت قرائت در صحن علنی آماده شد به «دلیل پاره‌ای کارشکنی‌ها که دلایل اصلی آن در فرازهای دیگری از تحقیق و تفحص اخیر به وضوح روشن خواهد شد، به سرانجام نرسید» در این گزارش آمده است که انتصاب مدیرعامل غیرقانونی بوده و علیرغم استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی «هیچ تغییری در سازمان» نشده و رأی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال ابلاغ انتصاب سعید مرتضوی در ۹۱/۵/۹ و رأی دوم دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال اساسنامه سازمان در مورخ ۹۱/۱۰/۲۵، نادیده گرفته شده و آقای مرتضوی همچنان به کار ادامه داده است. در این گزارش موارد فساد، تخلف و خیانت در امانت به شرح زیر آمده است:

- قرارداد واگذاری انحصاری ۱۳۸ شرکت به "سورنیت قشم"، بابت زنجانی بدون

مصوبه هیأت امنای سازمان، نظر کارشناس دادگستری و مزایده عمومی و مغایرت با مصوبات بودجه‌ی سازمان و آئین‌نامه معاملات آن. تخلفات متعاقب این معامله‌ی غیرقانونی در نحوه چک پرداختی و...

- از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ حساب‌های سازمان توسط هیأت نظارت بر سازمان رد شده‌اند.

- استخدام ۵۰۰ نفر، بدون آزمون رقابتی؛ به شرح، ۹۴ نفر در استان گیلان (زادگاه وزیر وقت)، ۷۶ نفر در استان یزد (زادگاه مدیرعامل)، ۱۰۴ نفر از سوی ۶۶ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی معرفی شده‌اند و ۲۶ نفر در استان مازندران.

- مبلغ پرداخت شده در سال ۹۱ و شش ماهه اول ۹۲ عبارت بودند از:

- پانصد میلیون ریال کارت هدیه به آقای رحیمی، معاون اول رئیس جمهور

- یک میلیارد ریال به آقای عباسی، سرپرست وقت وزارت تعاون

- یک میلیارد ریال به آقای شیخ‌الاسلامی، معاون رئیس جمهور

- مجدداً پانصد میلیون ریال به آقای عباسی سرپرست وزارت خانه

- پرداخت کارت هدیه به بیش از بیست نفر دیگر

- در سال ۹۱ تعداد ۱۲۸ سکه تمام بهار آزادی، ۱۷ نیم سکه و ۱۰ عدد ربع سکه و در ۵ ماه اول سال ۹۲، ۴۳۵ سکه تمام بهار آزادی و ۴۵ نیم سکه بابت انواع مراسمات و همایش‌ها و تقدیر و تجلیل اختصاص و اعطا شده.

- در سال ۹۱ و ۹۲ وام قرض‌الحسنه برای اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل و در هر سال، پانصد میلیون ریال بوده است.

- در سال ۹۱، بیش از دو میلیارد تومان و در ۵ ماهه اول سال ۹۲ بیش از ۱/۷ میلیارد تومان کارت هدیه به افراد داده شده و بیش از چهارصد میلیون تومان جهت امور حقوقی از جمله پیش‌نویس قانون تأمین اجتماعی، کارت هدیه پرداخت شده.

- بیش از یکصد و سی میلیون تومان به ۱۴۰ نفر از پرسنل که در برگزاری جشن بزرگداشت شصتمین سالگرد تأسیس سازمان همکاری داشته‌اند و سیصد میلیون تومان به همین مناسبت کارت هدیه، پرداخت شده.

- مبلغ یکصد و سی و سه میلیون تومان به ۳۷ نماینده مجلس، کارت هدیه پرداخت شد.

- صدها میلیون تومان بابت اجاره سالن همایش، لباس پرسنل حراست، چند ضیافت افطار و شام، پخش مراسم در شبکه ۳ سیما، به ۹ روزنامه بابت انعکاس جشن شصتمین سال و خرید دو هزار نسخه از یک کتاب بدون هرگونه ارتباط با حوزه تأمین اجتماعی، برای جشن شصتمین سال تأسیس سازمان هزینه شده است.

- آقای محبوب اعلام کرد: مرتضوی به یکی از شاکیان کهریزک ۸۴ میلیون تومان هدیه داده است.

- ده میلیون تومان به یداله شیرمردی، رئیس ستاد نماز جمعه، پرداخت شد.

- پرداخت ۵۰ میلیون ریال به هر کدام از دو متهم پرونده کهریزک، قاضی حداد و حیدری‌فر.

- سعید مرتضوی در نامه‌ای به ریاست کمیسیون اصل ۹۰ مجلس مدعی شد که ۲۸۵ نفر از نمایندگان دوره پیشین مجلس کارت هدیه و بن خرید سازمان را دریافت کرده‌اند (راديو فردا ۹۲/۹/۲۴)

آنچه در مورد مرتضوی و سازمان تأمین اجتماعی، به عنوان یک نمونه از فساد گسترده در دستگاه دولتی گفته شد را می‌توان به تمامی دستگاه‌های دولتی و غیردولتی تعمیم داد و موارد زیادی تاکنون رسانه‌ای شده‌اند و به دادگاه کشانده شده‌اند.

پدیده بابک زنجانی، نمونه‌ی دیگری است که بر بستر تحریم‌ها، مخصوصاً تحریم بخش نفت، امکان فساد یافته است. قبلاً؛ عکس‌العمل دولتمردان ایران در مقابله با تحریم‌ها به شکل «دور زدن تحریم‌ها»، تجویز شده است.

از زمان تأسیس جمهوری اسلامی با تحریم روبرو بوده‌ایم که می‌توان آن را به چهار دوره تقسیم کرد: موج اول تحریم‌ها (۱۹۷۹-۱۹۹۵) تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا در واکنش به بحران گروگان‌گیری و مواضع ضدآمریکایی ایران و حمایت ایران از سازمان‌های رادیکال منطقه بود. موج دوم تحریم‌ها باز هم یکجانبه از طرف آمریکا در فاصله (۱۹۹۵-۲۰۰۶)؛ هدف تضعیف ایران؛ هدف قرار دادن صنایع نفت و گاز و جلوگیری از فن‌آوری‌های هسته‌ای و موشکی بود. در این موج مجازات‌هایی برای طرف‌های مورد معامله ایران هم در دستور کار قرار گرفت. موج سوم تحریم‌ها (۲۰۰۶-۲۰۱۰) شامل تحریم‌ها و مجازات‌های هدفمند چند جانبه و بین‌المللی

(شورای امنیت سازمان ملل متحد) بود که نگرانی جامعه بین‌المللی در فعالیت‌های هسته‌ای ایران را دنبال می‌کرد. این سه موج موفقیت‌چندانی نداشتند و ایران کماکان و کم و بیش به مبادلات اقتصادی خود با جهان و با دور زدن تحریم‌ها، ادامه می‌داد. موج چهارم تحریم‌ها که شدید، وسیع، یک‌جانبه و چند جانبه بودند از ۲۰۱۰ شروع شدند. از این تاریخ به بعد در عرصه مالی مناسبات معمول تجاری ایران مختل شد، در صنعت نفت منابع درآمد ارزی مسدود شد، در صنعت بیمه، نقل و انتقال پول و کالا را نشانه گرفتند. بی‌تردید، تحریم‌ها اقتصاد ایران را زمین‌گیر کرد. خیلی از کارشناسان اعتقاد داشتند این گسترده‌گی تحریم‌ها «می‌تواند به یک شورش عمومی تهدیدکننده حیات حکومت ایران منجر شود.» (ایران و تار عنکبوت تحریم‌ها - گزارش شماره ۱۳۸ گروه بین‌المللی بحران ۲۵ فوریه ۲۰۱۳). متأسفانه با این چهار مرحله، رژیم تحریمی عظیمی وضع شده و دورنمای لغو کامل آن، بسیار مشکل می‌باشد. چیزی که پس از توافق ژنو مورد تأیید تیم مذاکره‌کننده ایران هم، می‌باشد. ایران که در تمام دوران ۳۴ ساله، به ناچار تحریم‌ها را دور می‌زده است، پس از این مرحله «دور زدن تحریم‌ها» وارد شرایط جدیدی شد که روابط، شبکه و عوامل جدیدی را می‌طلبد. لذا پدیده‌ای مانند بابک زنجانی و ضراب در ترکیه برای پول‌شوئی، در این مرحله وارد عمل شد تا ضمن قبول ریسک شدیدتر، دلالتی بیشتری را هم به دست آورد. اواما در این مرحله بود که گفت: «ما سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ را [علیه ایران] اعمال کرده‌ایم. این تحریم‌ها بر اقتصاد ایران تأثیر می‌گذارد.» (کاخ سفید، ۱۴ نوامبر ۲۰۱۲ - پیشین) در دوم ژانویه ۲۰۱۳، اواما، قانون اختیارات دفاع ملی را امضاء کرد که شامل تحریم‌های خارج از قلمرو آمریکا در مورد صنعت انرژی ایران، بیمه، ترابری و کشتی‌رانی و ممنوعیت صدور فلزات گرانبها به ایران می‌شود. (پیشین). آمریکا جریمه‌های سنگینی بر نهادها و افرادی که تحریم را نقض کنند، اعمال می‌کرد و این، "دور زدن تحریم‌ها" را بیش از پیش مشکل و ریسک‌پذیر کرده بود. بابک زنجانی، فرشته نجات دولتمردان گرفتار در لابیرنت‌های تحریم می‌شود و طبیعی است که او در ظرف چند سال می‌تواند یک ثروت چندین میلیارد دلاری را، جمع‌آوری کند. کمی تجربه، عدم ظرفیت او در تحمل ثروت بادآورده، تبلیغات گسترده‌ی او در ارضای خود

بزرگ‌بینی و شهرت‌طلبی او و اشتباهی سیری‌ناپذیری او در تلکه کردن دولتمردان، او را دچار زندان کرد و الا می‌توانست مانند خیلی از دلالان دور زدن تحریم‌ها، به "سلامت" بگذرد. او ممکن است در این فعالیت‌های خود از مافیاهای بین‌المللی و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی کشورهای منطقه و غرب هم، استفاده کرده باشد. در واقع، بابک زنجانی‌ها ممکن است مقصر در زیاده‌خواهی باشند ولی در نوع کار، تقصیر با مدیران دولتی است که فکر می‌کنند می‌توانند با دور زدن تحریم‌ها، غرب را دور بزنند و مسئله تقابل با غرب را ساده گرفته بودند.

[۷] در اینجا نمونه‌هایی از نظرات کارشناس و مسئولان کشورهای منطقه که مخالفت با توافق ژنو را تشریح می‌کنند، می‌آوریم:

- **توماس فریدمن** در مقاله‌ای در نیویورک تایمز می‌نویسد که «با ایران یا باید مذاکره کنیم یا بجنگیم» او که در کنفرانس امنیتی ابوظبی شرکت داشته و شیمون پرز رئیس جمهور ۹۰ ساله اسرائیل، پیام ویدئویی به آن کنفرانس فرستاده است، می‌گوید: «دیپلمات‌ها و وزرای اسرائیل و لابی اسرائیل روی کنگره کار می‌کنند و در عین حال مقامات کشورهای عرب خلیج فارس مدام و به صورت مستقیم به دولت اوپاما پیام مشابهی را می‌فرستند که: چقدر مخالف معامله پیشنهادی هستند که جان کری و بقیه آماده کرده‌اند تا در ازای عقب‌نشینی ایران از برنامه هسته‌ای خود بخشی از تحریم‌های تجاری این کشور را به صورت محدود لغو کنند. هرگز ندیده بودم که اسرائیل و متحدان اصلی عرب آمریکا چنین هماهنگی برای توقف اقدامات سیاست خارجی یک رئیس‌جمهور آمریکا با هم، همکاری کنند و هرگز ندیده بودم که بیشتر نمایندگان - دموکرات و جمهوری‌خواه - چنین راضی باشند که به نفع اسرائیل مقابل رئیس‌جمهور خود قرار گیرند.» (دیپلماسی ایرانی اول آذر ۱۳۹۲)

- **ویلیام هیگ**، وزیر خارجه انگلیس، صریح به اسرائیل هشدار داد که «جایگزین توافق ژنو، اتمی شدن ایران یا جنگ است.» او گفت که: «این توافق، امنیت خاورمیانه، را بیشتر خواهد کرد. گامی است در جهت عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای در جهان» او به ایران هم هشدار داد و گفت: «اگر ایران به تعهدات خود عمل نکند مسئولیت سنگینی خواهد داشت در عین حال اشتباه بزرگی بود اگر برای توافق تلاش نمی‌کردیم.» جک استرا، وزیر خارجه پیشین انگلیس ضمن حمایت از

این توافق، شکست بیانیه سعدآباد را به دلیل این دانست که «تندروها در تهران و واشنگتن به یکدیگر خوراک می‌دادند.» (راديو فردا پنجم آذر ۱۳۹۲).

- رهبری هم در ملاقات دوشنبه ۲۰ آبان با مسئولان حج گفته‌اند: «یکی از گرفتاری‌های بزرگ امروز دنیای اسلام، برافروختن آتش اختلافات امت اسلامی و فرقه‌های مذهبی است.»

- ولید طلال، شاهزاده ثروتمند سعودی، به جفری گلدبرگ، روزنامه‌نگار بلومبرگ گفته است که: «جمهوری اسلامی، باراک اوباما را تحت سلطه و به بازی گرفته است...» ما، اسرائیل، عربستان و کشورهای خاورمیانه، نسبت به این مسئله [توافق ژنو] بسیار نگرانیم... کشورهای عربی در انظار عمومی با این اقدام [حمله نظامی به ایران] مخالفت خواهند کرد اما در خفا عاشق آن هستند... سنی‌ها با این اقدام [حمله نظامی به ایران] موافقند زیرا با ایران ضدیت دارند... از ایران بیشتر از اسرائیل نفرت داریم. امپراطوری ایران همواره با امپراطوری اعراب مسلمان مخالف بوده است، به ویژه با سنی‌ها... تهدید از جانب ایران است نه جانب اسرائیل» (www.tik.ir/fa...)

- نشریه معتبر آلمانی، یونگه ولت، گزارش داد که بنیاد «کارنگی برای صلح بین‌المللی» گزارش داده است که عربستان قرار است یک گروه متشکل ۵۰ هزار نفری با کمک پاکستان ایجاد و آموزش دهد. این گروه، وظیفه ساقط کردن بشار اسد را به عهده خواهد داشت. این اطلاعات که مستقیماً از دربار سعودی کسب شده در سایت اینترنتی "فارن پالیسی" هم تأیید شده است. (www.Jungewelt.de/2013...)

- صدای آمریکا هم گزارش داد که «اغلب کشورهای عربی از توافق اخیر بین ایران و قدرت‌های بزرگ اظهار نگرانی کرده‌اند.»

(www.ir.voanews.com/articleprintview...)

مسئولان و کارشناسان اسرائیلی هم گفته‌اند (www.archive.emruznews.com):

- رئیس مرکز مطالعات امنیت ملی دانشگاه حیفا "دن شوفتان" گفته بود: «احمدی‌نژاد چهره زشت رژیم ایران است... او برای نشان دادن ماهیت رژیم به افرادی که شاید ساده‌لوح باشند مفید بوده است.»

روزنامه پرتیراژ «یدیعوت آحارونت» حزن‌آلود گفته است که: «بدون احمدی‌نژاد

متعصب چه باید بکنیم؟»

- **نتانياهو در نشست کابینه گفت:** «جامعه جهانی نباید متوهم بشود و به سمت کاهش فشارها علیه برنامه اتمی ایران حرکت کند.»

- «**عاموس هاریل**» کارشناس امور دفاعی روزنامه چیگرای اسرائیلی هاآرتص در مقاله‌ای نوشت: «با انتخاب روحانی... نتانياهو در اقناع جهان درباره ضروری بودن حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، با سختی و دشواری روبرو خواهد شد.»

- «**افرایم کام**» از مرکز تحقیقات امنیتی اسرائیل هم گفت: «تصویر معتدل رئیس جمهور جدید ایران... تشویق کننده دست‌یابی به توافقی درباره مسئله هسته‌ای ایران است و چنین چیزی برای اسرائیل قابل پذیرش نیست.»

- **شیمون پرز**، رئیس‌جمهور اسرائیل که با نتانياهو اختلاف دارد گفته است: «انتخاب حسن روحانی، اشتیاق ملت ایران به تغییر و خبرهای خوبی است... این انتخاب تشنگی ایرانیان را به تحول و لزوم تغییرسیاست‌ها در این کشور ثابت کرد و من این امر را خبری خوب می‌دانم... این علی‌خامنه‌ای است که با شیوه‌های خودکامه خود بازنده این میدان بوده زیرا او مطمئن بود که مردم طبق خواسته‌اش رأی خواهند داد...»

- «**عوزی لاندائو**»، وزیر جهانگردی اسرائیل و عضو حزب راستگرای "اسرائیل خانه ما" گفت: «از این به بعد نمی‌توانیم به آسانی ماهیت واقعی رژیم ایران را برای دنیا توضیح دهیم.»

- **خانم «زهاوا گال‌اون»** رهبر حزب "مرتص" گفت: «انتخاب روحانی اعتدال‌گرا، نه تنها تندروهای رژیم ایران را عصبانی کرده بلکه افراطیون اسرائیل را هم خشمگین کرده و من نگرانم که نتانياهو پس از هراس‌افکنی‌های سال گذشته [در مورد خطرات ایران] بخواهد عصبانیت خود را با دست زدن به اقداماتی نشان دهد.»

(www.Iran-emrooz.net/index.php/news2/print/46160)

- **سایت اسرائیلی DEBKA** در دوم اکتبر ۲۰۱۳ از قول یکی از همکاران نخست‌وزیر اسرائیل گزارش داد که یک مقام بلندپایه امارات خلیج فارس به اسرائیل مسافرت کرده تا اقدامات دو کشور را بر علیه ایران هماهنگ کنند. این خبرگزاری تأکید می‌کند که افشای این ملاقات برای اولین بار در اسرائیل صورت گرفته است.

او در ادامه می‌افزاید که: «اسرائیل، عربستان و امرای خلیج فارس موافقت کرده‌اند که کوشش‌های لابی‌گری خود را در کنگره آمریکا هماهنگ کنند تا نقش اوپاما را، کاهش دهند.»

(www.debka.com/article/23323/printversion)

- **روزنامه "ساندی تایمز"** به نقل از یک مقام بلندپایه اسرائیلی گزارش داد که اسرائیل و عربستان در حال همکاری برای اقدام نظامی علیه تأسیسات نظامی ایران هستند. در ادامه از قول همان مقام اسرائیلی می‌نویسد: «به محض این که توافق در ژنو صورت بگیرد، گزینه نظامی روی میز قرار خواهد گرفت. سعودی‌ها بسیار خشمگین هستند و حاضرند تمام کمک‌های لازم به اسرائیل را برای حمله به ایران انجام دهند.» (یکشنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۲ ... www.gooya news)

- **لابی اسرائیل در آمریکا**، یک آگهی یک دقیقه‌ای برعلیه توافق ژنو از تلویزیون‌های آمریکا پخش کرده است که در آن به تناقض سخنان اوپاما در مورد ایران و سوریه، در سال‌های گذشته، با قرار داد ژنو را نشان می‌دهد و می‌خواهد این را القا کند که "به سخنان اوپاما در مورد ایران اعتماد نکنید."

(یکشنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۲ ... www.googa news.)

- **"سمیون هندرسون"** تحلیلگر ارشد آمریکایی و عضو "اندیشکده سیاست‌گذاری خاور نزدیک واشنگتن" گفت که تلاش فعالانه، اما نه چندان ملموس عربستان، برای تأثیرگذاری و شکست مذاکرات، درباره موضوع هسته‌ای ایران، نشان از موضع مشابه ریاض و تل‌آویو در این زمینه است. او گفت که: «سعودی‌ها موضعی مشابه اسرائیل دارند و از سوی ایران احساس خطر می‌کنند و حتی احساس می‌کنند که بیشتر از بقیه در معرض خطر تهران هسته‌ای قرار دارند.» او حتی از «جنگ لفظی و کشمکش رئیس سازمان اطلاعات عربستان سعودی با آمریکا» هم خبر داد. آقای هندرسون خبر از این داد که سال‌ها پیش در اواخر دهه ۱۹۹۰ در نوشته‌ای گفته است که «سعودی‌ها و اسرائیل یک رابطه مخفیانه اطلاعاتی دارند.» وی با اشاره به اخبار مربوط به همکاری هسته‌ای عربستان و پاکستان خاطر نشان کرده که: «به این نتیجه رسیده‌ام که چنین توافقات و سازوکارهایی وجود دارد و این اخبار و گزارش‌ها را نباید نادیده گرفت زیرا هسته‌ای شدن عربستان موجب تغییر خاورمیانه

و در نتیجه، دشواری بیشتر برای دیپلماسی آمریکا خواهد شد.»

(رسانه‌های مجازی فارسی‌زبان جمعه ۲۴ آبان ۱۳۹۳)

- **فاران پالسی** نشریه معتبر آمریکایی در مورد سیاست خارجی از قول مقامات سابق آمریکایی نوشت که: «عربستان هرگونه توافق واقع‌بینانه را به منزله رضایت آمریکا با جاه‌طلبی‌های هژمونیک تهران در خاورمیانه می‌داند.»

«**جان آلسترن**» کارشناس مسائل ایران در مرکز مطالعات استراتژیک بین‌المللی در واشنگتن در این باره گفته است که: «به عقیده مقامات عربستان این مذاکرات به توافقی که صلح را در پی دارد، منجر نمی‌شود، آنها گمان می‌کنند که این منجر به تسلط ایران بر خلیج فارس می‌شود.» در این نشریه به دلیل سیاست‌های آمریکا در سوریه و بحرین از قول بندر بن سلطان، رئیس دستگاه اطلاعاتی عربستان آمده است که «این پادشاهی از واشنگتن دور خواهد شد.» فارین پالسی از قول "برنارد هیکل" استاد مطالعات خاور نزدیک در دانشگاه پرینستون نوشته که: «آنها [عربستان] می‌خواهند ایران را متوقف کنند و منظورشان از این توقف، متوقف کردن توانایی ایران در نفوذ در منطقه است و می‌گویند «اگر ما در سوریه کاری نکنیم، دفعه بعد نوبت قلمرو ما خواهد بود.» آقای هیکل می‌گوید که کمتر کسی انتظار دارد که لحن عربستان تغییر کند زیرا «زمانی که کری اوایل ماه جاری میلادی به عربستان رفت، آنها به وی گفتند که بدون هیچ تردیدی مخالف هرگونه توافق با ایران و هرگونه کاهش تحریم هستند. آنها گفتند که می‌خواهند ایران تنبیه شود.» (رسانه‌های مجازی جمعه ۲۴ آبان ۱۳۹۲)

- **سفارش بمب هسته‌ای عربستان:** آقای مارک اوربان (Mark Urban)، ادیتور دیپلماتیک و دفاع، BBC گزارش داد که عربستان سعودی در پروژه سلاح هسته‌ای پاکستان سرمایه‌گذاری کرده و معتقد است که در آینده خواهد توانست بمب هسته‌ای را تحویل گیرد. او گفت که: «اوایل امسال یک سیاست‌ساز ارشد ناتو به او گفته است که در یک گزارش اطلاعاتی خوانده است که پاکستان برای عربستان سلاح هسته‌ای ساخته و هم اکنون آماده حمل می‌باشد.» مارک اوربان این اطلاعات خود را با اظهار نظر یک مقام قبلی اسرائیلی تکمیل می‌کند و می‌گوید: «ماه گذشته Amos Yadlin، یک مسئول قبلی اطلاعات نظامی اسرائیل در کنفرانسی در سوئد

گفته است که سعودی‌ها حتی یک ماه هم صبر نخواهند کرد. آنها قبلاً برای بمب هسته‌ای پرداخت کرده‌اند آنها به پاکستان خواهند رفت و آنچه که لازم دارند بیاورند، خواهند آورد.»

در ادامه‌ی گزارش BBC آمده است که از ۲۰۰۹ که "دنيس راس" (Dennis Ross) فرستاده ویژه آمریکا به خاورمیانه رفته است، پادشاه عربستان، عبدالله به او گفته است که اگر ایران از خط ممنوعه عبور کند ما «سلاح هسته‌ای به دست خواهیم آورد» و پس از آن مکرراً قصد خود را به آمریکایی‌ها گوشزد کرده‌اند. در همین گزارش مارک اوبان، آمده است که وزیر دفاع عربستان، شاهزاده سلطان بن عبدالعزیز آل سعود، در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۲، از مراکز تحقیقاتی هسته‌ای پاکستان بازدید کرده و این نشان از روابط نزدیک این دو کشور، در امور دفاعی است. یکی از مسوولان ارشد پاکستانی به پایه و اساس این معامله بین دو کشور اشاره می‌کند و می‌گوید: «ما چه فکر می‌کنیم از این همه پولی که سعودی‌ها به ما می‌دهند؟ برای امر خیریه که نیست.» سمیون هندرسون (Simon Henderson) رئیس برنامه‌ی «خلیج جهانی و سیاست انرژی» در انستیتوی واشنگتن برای سیاست شرق نزدیک به BBC گفته است که «سعودی‌ها در مورد ایران خیلی جدی سخن می‌گویند و در این مورد بلوف نمی‌زنند.»

آقای مارک اوبان از قول منابع اطلاعاتی اسرائیل می‌گوید که منابع اطلاعاتی آمریکا و ناتو گزارش داده‌اند که سعودی‌ها هم اکنون آماده هستند که کلاهک‌های هسته‌ای را برای موشک‌های دوربرد خود حمل کنند [از پاکستان].

آقای اوبان، در دوره مطالعه‌ی این مطلب متوجه شده است که پاکستانی‌ها، موشک‌های بالیستیک متحرک شاهین (shaheen) را بدون کلاهک، به عربستان حمل کرده‌اند. آقای اوبان می‌گوید این پیام برای پاکستان می‌باشد که ریاض آماده است تا کمک‌های نظامی آمریکا و وام‌های بانک جهانی به پاکستان را که در این صورت قطع خواهند شد، جبران کند.

(www.bbc.Co.uk/news/world-middle-east-2482346?Print=true)

- استیون والت در فارن پالسی (رسانه‌های مجازی هشتم آذر ۱۳۹۲) نوشت که: برنامه هسته‌ای ایران مسأله‌ی اصلی نیست. مسأله‌ی مهمتر، روابط آینده‌ی ایران با

جهان خارج است. اسرائیل و عربستان سعودی فکر نمی‌کنند که ایران روزی کلاهک‌های جنگی‌اش را به سمت همسایگان پرتاب خواهد کرد و احتمالاً باور ندارند که ایران روزی اقدام بیهوده اخاذی هسته‌ای را انجام دهد. خیر، آنها تنها نگران هستند که ایرانی قدرتمند عیناً مثل باقی قدرت‌های بزرگ، در طول زمان تأثیر بیشتری بر منطقه خواهد گذاشت. از چشم‌انداز تل‌آویو و ریاض محدود نگاه داشتن ایران ممکن است.

- **شاهزاد "ترکی بن فیصل"** رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات فیصل و رئیس سابق سازمان جاسوسی عربستان، تحت عنوان: «آیا ایران با روحانی تغییر کرده است؟» می‌گوید (دیپلماسی ایران پنج دی‌ماه ۱۳۹۲): باید محتاط بود، چه حالا و چه در سال‌های پیش‌رو، دومین تولیدکننده بزرگ نفت، رهبر جهان شیعه و انقلابی مسلمان ضدغربی (ایران) نه تنها برای عربستان سعودی بلکه برای صلح و ثبات خاورمیانه و فراتر از آن، یک تهدید به شمار می‌رود. عربستان سعودی دو نگرانی عمده در مورد جمهوری اسلامی دارد: تمایل به تولید سلاح هسته‌ای و مداخله در امور داخلی همسایگان... تلاش ایران برای تولید سلاح هسته‌ای یک خطر بزرگ است و در صورتی که به آن پرداخته نشود می‌تواند یک اشاعه هسته‌ای را در خاورمیانه به راه بیندازد. برای مثال، شورای همکاری خلیج فارس در صورت مواجهه با ایران هسته‌ای ناگزیر به بررسی گزینه‌هایی شامل بازدارندگی هسته‌ای می‌شود... حتی اگر رئیس جمهور جدید نیز مانند محمد خاتمی و اکبر هاشمی رفسنجانی نیت صادقانه‌ای داشته باشد، تدریج‌های داخلی می‌توانند مانعی در راه تلاش‌های او باشند.

- **شاهزاده محمد بن نواف بن عبدالغریب**، سفیر پادشاهی سعودی در بریتانیا در روز سه‌شنبه ۲۰۱۳/۱۲/۱۷ در یادداشتی در روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز نوشت: «سیاست‌های غرب در قبال سوریه و ایران قماری خطرناک هستند و سعودی برای حفظ ثبات با یا بدون غرب علیه ایران و رژیم اسد وارد عمل می‌شود. غرب به جای به چالش کشیدن حکومت‌های ایران و سوریه، از اقدامات عملی و ضروری علیه این دو کشور خودداری می‌کند... غرب به یک رژیم اجازه ادامه حیات داده و به دیگری اجازه داده به غنی‌سازی اورانیوم بپردازد که در نهایت باعث به وجود

آمدن سلاح‌های خطرناک در منطقه خواهد شد... مذاکرات دیپلماتیک ایران، اراده غرب را در رویارویی با ایران و رژیم سوریه سست خواهد کرد. برای به دست آوردن صلح با این رژیم‌ها چه قیمتی باید پرداخت شود؟... پادشاهی سعودی مسئولیت‌های سیاسی و اقتصادی بین‌المللی دارد و ما برای اجرای این مسولیت‌ها رأساً با یا بدون غرب وارد عمل خواهیم شد.»

(www.farsi.alarabiya.net/fa/middle-east/2013/12/18.....)

- "دانکن هانتر" عضو جمهوری خواه مجلس نمایندگان آمریکا گفت: "باید ایران را بمباران هسته‌ای کنیم" (رسانه‌های مجازی ۱۴ آذرماه ۱۳۹۲)

- دو نفر از وزرای خارجه اسبق آمریکا؛ هنری کیسینجر (سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷) و جرج شولتز (سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۹) در مقاله‌ی مشترکی که در وال استریت ژورنال چاپ شده، سه کار مهم را توصیه کرده‌اند:

- ۱- تعریف و تعیین سطح معقول برای فعالیت هسته‌ای ایران،
- ۲- بازگذاشتن مسیر برقراری روابط سازنده با ایران
- ۳- تنظیم سیاست خارجی آمریکا در منطقه با توجه به شرایط جدید.

در ادامه تأکید کرده‌اند: که ما باید از شرایطی پیشگیری کنیم که در آن ایران رها شده از فشار تحریم‌ها، عملاً به یک قدرت هسته‌ای و پیشرو کشورهای اسلامی تبدیل شود. در این صورت دوستان آمریکا در منطقه اعتماد خود را به آمریکا از دست می‌دهند و مسیر هسته‌ای را در پیش خواهند گرفت. این دو «برچیده شدن بخش‌های مهمی از ساختار توانایی هسته‌ای ایران» را توصیه کرده‌اند

(www.tabnak.ir/fa/print/362079)

- گفتگوی "طوفانی کری و ملک عبدالله" در مورد مسائل منطقه و گله و شکایت ملک عبدالله و توضیحات کری بسیار مهم می‌باشند که توسط دکتر بهجت سلیمان، سفیر سوریه در اردن افشاء شد. ولی آنچه به بحث ما مربوط می‌شود و اهمیت دارد موضع کری در مورد ایران است کری به پادشاه می‌گوید: (دیپلماسی ایران ۲۸ آذر ۱۳۹۲) «ما با ایران هم گفت‌وگو می‌کنیم و با آن به توافق خواهیم رسید و به شما هم بگویم که توافق با ایران تقریباً آماده است و مصالح عربستان و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز در ضمن این گفتگوها و در چارچوب این توافقات است و

لازم است که شما شریک آنچه در منطقه اتفاق می‌افتد باشید. بر روی تخیلات عده‌ای حساب نکنید، قطار راه خودش را می‌رود و هیچ قدرتی هم نمی‌تواند جلوی رفتنش را بگیرد.»

تغییر سیاست آمریکا در مورد سوریه را هم کری برای پادشاه چنین توضیح می‌دهد: «بشار طرفداران پر و پا قرصی دارد و اکثریت رهبران سوری با او هستند و نزد مردم و افکار عمومی سوریه وزنه و قدرتی است.»

- **توماس فریدمن**، روزنامه‌نگار مجرب آمریکایی و مطلع و در مسائل منطقه در مقاله‌ای در نیویورک تایمز نظرات مهمی را بیان می‌کند و در رابطه با توافق ژنو و مذاکرات، می‌نویسد: (ترجمه خبرنامه گویا، ۱۰ آذر ۹۲

www.News.gooya.com.Politics/archives/2012/14/171374_prrint.php)

در صورت رسیدن به توافق نهایی اثرات این اقدام از هر رویدادی در این منطقه از زمان معاهده کمپ دیوید و انقلاب ۵۷ در ایران که نقشه منطقه را تغییر داد، بیشتر خواهد بود. ایران برادر بزرگتری بود که از خانه بیرون رفت و در را پشت سرش کوبید. همه‌ی اعضای خانواده به بیرون بودن او عادت کرده بودند. یکی اتاق خوابش را گرفت. دیگری دوچرخه‌اش را برداشت. و همگی از توجه ویژه عموسام - برای ۳۴ سال - خشنود بودند. اکنون این تفکر که برادر بزرگتر یعنی ایران دوباره به این جمع خواهد پیوست و روابط مستقیمش را با آمریکا خواهد داشت، همه متحدین سنی عرب آمریکا را خشمگین کرده به خصوص در شرایطی که ایران دخالت‌هایی زیان‌بار در سوریه، لبنان، بحرین و یمن دارد. ریشه این عصبانیت را همه‌جا می‌توان دید. از بمب‌گذاری جلوی سفارت ایران در بیروت تا مقاله یکی از مهمترین روزنامه‌نگاران جهان عرب حوزه خلیج فارس، عبدالرحمن الراشد، در روزنامه الشرق الاوسط، وی در این مقاله هشدار می‌دهد که: «از دیدگاه‌های تئوریک، سیاسی و نظامی عربستان سعودی باید خود و دیگر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را از خطر برنامه اتمی ایران چه با داشتن سلاح هسته‌ای چه با توافقاتی که توازن قوای منطقه‌ای را برقرار می‌کند، حفظ کند.»

توافقات ژنو نشان‌دهنده تفاوت منافع آمریکا و متحدین منطقه‌ای‌اش در برابر ایران است که تاکنون در نظام تحریم‌ها پنهان مانده بود. ایران باید از تکنولوژی

غنی‌سازی دست بردارد. باید بازرسی سرزده را بپذیرد. مقامات امریکایی معتقدند که تنها راه خنثی‌سازی خطر اتمی ایران؛ خنثی کردن همزمان برنامه هسته‌ای این کشور و تغییر ماهیت رژیم این کشور است و این دو مسئله به هم مربوط هستند. ما معتقدیم تفاوت‌هایی در درون رهبری رژیم و تفاوت‌هایی بین رژیم و مردم ایران وجود دارد. منزوی شدن ایران، جناح تندرو را قدرت یگانه کرده. اگر بتوانیم توافقی بی‌نقص با ایران داشته باشیم که بتواند ایران را به اقتصاد جهانی وارد کند، می‌توان امیدوار بود که گروه‌های متمایل به غرب قدرتمند شوند و شروع به تغییر ماهیت رژیم کنند. ممکن است این راه عملی نباشد اما به قمار کردنش می‌ارزد چرا که تنها راه امنیت واقعی همسایگان ایران، تغییرات تدریجی در ماهیت رژیم است. متحدین ما به کلی به ایران بی‌اعتماد هستند و به تغییرات تدریجی اعتقاد ندارند، آنها می‌خواهند ایران تمام توان هسته‌ای‌اش را از دست بدهد تا زمانی که رژیم این کشور تغییر کند. فریدمن در ادامه می‌گوید:

ما علاوه بر جان کری، به یک «وزیر خارجه برای خاور میانه» نیز نیاز داریم، زیرا احیای روابط ایران و ایالات متحد پس از جنگ سرد ۳۴ ساله چنان شوک سنگینی به خاورمیانه وارد می‌کند که نیازمند همکاری روزانه و حمایت و پشتیبانی جدی از متحدین عرب و اسرائیلی‌مان است.

– آقای دیوید کوهن (David Cohen)، معاون امور تروریستی و جاسوسی مالی، وزارت خزانه‌داری امریکاست و عالی‌ترین مقام اجرایی مربوط به تحریم‌های ایران می‌باشد و به همین دلیل نظرات او تعیین‌کننده هستند. او در دهم دسامبر ۲۰۱۳ مقاله مهمی در «وال استریت ژورنال» نوشته است. / [www.online.wsj.com/news/articles/SB1000142405270230349780....](http://www.online.wsj.com/news/articles/SB1000142405270230349780))

عنوان این مقاله «ما قصد ساده کردن تحریم‌های ایران را نداریم، تهران در شش ماه آینده به چاه عمیق‌تر از آنچه اکنون هست فرو خواهد رفت. دلیل آن اینجاست» او می‌نویسد: فشار تحریم‌ها بر ایران تا تفوق ما ادامه خواهد داشت. ایران حتی در شش ماه آینده، که توافق به پایان می‌رسد، در چاه عمیق‌تری از آنچه الان قرار دارد، خواهد بود. علت اینجاست:

ایران به ۴/۲ میلیارد دلار از پول توقیف شده خود دسترسی پیدا می‌کند و تحریم

پتروشیمی و صنایع اتومبیل‌سازی آن موقتاً تعلیق شده است. تخمین زده‌ایم که تعلیق تحریم این دو صنعت در شش ماه آینده ۱/۵ میلیارد دلار به درآمد ایران خواهد افزود، مشروط بر آنکه ایران بتواند مشتری برای این دو صنعت خود پیدا کند. که البته مشکل خواهد بود؛ مشکلات پایداری در صنعت اتومبیل‌سازی ایران وجود دارد و واردکنندگان محصولات پتروشیمی قراردادهای درازمدت را ترجیح می‌دهند که برای ایران مقدور نخواهد بود. توافق، تحریم خرید طلا را تعلیق کرده است. اما چون ایران قادر به استفاده از منابع خارجی خود نیست، این هم محدود خواهد بود. هر قدر ایران طلا بخرد با ارز سختی (Hard Currency) که خواهد پرداخت، خنثی خواهد شد.

ایران ۴۰۰ میلیون دلار، تحت نظارت شدید، خواهد توانست برای شهریه دانشجویانش، انتقال دهد.

اگر ایران به تعهداتش عمل کند در شش ماه آینده، به ۶ تا ۷ میلیارد دلار از پول خودش، دسترسی پیدا خواهد کرد. و نه حتی یک دلار از مالیات‌دهندگان امریکایی. ایران در رکود عمیق اقتصادی است بطوری که در سال گذشته بیش از ۵ درصد رشد منفی داشته است و امسال هم با آن مواجه خواهد بود. تورم سالانه‌اش حدود ۴۰ درصد است و ریال ۶۰ درصد ارزش خود را از ۲۰۱۱ در مقابل دلار از دست داده است.

کل این کمک به ایران، بخش ناچیزی از ۸۰ میلیارد دلاری می‌شود که از اوایل ۲۰۱۲ به دلیل تحریم نفت ایران (توسط امریکا و اروپا) و عدم فروش نفت، ایران از دست داده و نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار ارز خارجی ایران که به دلیل تحریم‌های بانکی، قابل دسترسی برای ایران نیستند، می‌باشد.

اقتصاد ایران، به دلیل معماری تحریم‌ها توسط امریکا، به ویژه تحریم‌ها نفتی و بانکی همچنان در رنج خواهد بود. تحریم نفتی به تنهایی ماهی ۵ میلیارد برای ایران تمام می‌شود، یعنی در این شش ماه ایران ۳۰ میلیارد دلار از دست خواهد داد. اگر ایران پولی هم از فروش نفت به دست آورد، قادر به انتقال آن نخواهد بود.

تمامی تحریم‌های ما علیه ایران پابرجا هستند؛ مانند عدم دسترسی به سیستم بانکی جهانی، عدم امکان انتقال یا خرج نقدینگی خود، تحریم سرمایه‌گذاری در بخش

انرژی... و تجارت امریکا با ایران.

ما همچنان از هر گشایشی در برنامه هسته‌ای و موشکی ایران جلوگیری خواهیم کرد و راه شرکت‌هایی که مقررات تحریم را مراعات نکنند، سد خواهیم کرد. همراه با سایر همکارانم در دولت امریکا، تیم من در وزارت خزانه‌داری امریکا، بیش از ۶۰۰ بار در سال‌های گذشته، این کار را کرده‌ایم. به منظور حفظ فشار روی اقتصاد ایران، ما به بانک‌ها گفته‌ایم که یا ایران را انتخاب کنید یا امریکا، هر دو نمی‌شود. در مورد صادرات نفت، ایران حتی یک بشکه بیش از این نمی‌تواند صادر کند. به تمامی فعالان تجاری پیام داده‌ایم که شما را رصد می‌کنیم و آماده عمل علیه شما هستیم اگر تحریم‌ها را نادیده بگیرید.

تحریم‌ها، ایران را به قبول برداشتن اولین قدم، واداشت و راهنمایی خواهد بود برای یک توافق جامع که ایران نمی‌تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد. زمان توقف توافق نیست و ما این کار را نخواهیم کرد.

[۸] رسانه‌های مجازی ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۲

[۹] اومانیت پنجشنبه ۱۶ آبان ۱۳۹۲، نقل از پیک‌نت ۱۸ آبان ۱۳۹۲

[۱۰] رونامه کویتی الرأی، نقل از سایت‌های مجازی، پنجشنبه ۲۳ آبان ۱۳۹۲.

[۱۱] مصاحبه مفصل آقای دکتر اعتماد با بنیاد مطالعات ایران (www.Iranbook.com) و مصاحبه دیگری از ایشان با روزنامه اعتماد مورخ ۱۳۸۷/۱/۲۱ شماره ۶۱۵ و مصاحبه دیگری با BBC مورخ ۱۳۹۱/۱/۱۰ ساعت ۲۲. آقای دکتر اعتماد در بیست سال گذشته، در مقابل زورگوئی‌های غرب، از سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی دفاع کرد. تبلیغات رسانه‌ای او، مورد توجه مسوولان قرار گرفته و اخیراً یک فیلم مستند هم از او در هفتمین دوره جشنواره سینمای حقیقت نمایش داده‌اند. آقای دکتر اعتماد به جای اینکه یک توجیه علمی - اقتصادی - زیست محیطی کند، فقط تبلیغات کرده است و به جای عذرخواهی از ملت ایران که مجری یک طرح بلندپروازانه امپریالیستی بوده است، هنوز هم علیرغم هزاران سند و مدرک، کار خود را توجیه می‌کند.

[۱۲] حسن روحانی، امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، انتشارات مرکز تحقیقات

استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۰

توافق ژنو: مصالح، منافع و امنیت ملی / ۱۰۷

Ali Vaes and Karim Sadjadpour, Iran's Nuclear Odyssey, Cost and Risk, [۱۳]
Carnegie Endowment for International Peace, 2013

[۱۴] پیشین

[۱۵] پیشین

World Energy Outlook (2005) [۱۶]

Concentrating Solar Power in The Mediterranean Region: [۱۷]

www.dlr.de/tt/desktopdefault.aspx/tabid-2885/4422-read-6573/

www.middleeastelectricity.com [۱۸]

Potential for economic Solar Desalination in the Middle East. [۱۹]

www.sciencedirect.com/

Wind and Solar Energy Developments in Iran www.itee.uq.edu.au/.../ [۲۰]

H-Kazemi1.pdf

Renewable Energy Employment Effects: Germany www.bmu.de/ [۲۱]

english/renewable

Egypt-Solar thermal Project by The word Bank. www.worldbank.org/ [۲۲]

R980Jkevo0

www.Middleeastelectricity.com/Renewable/ [۲۳]

www.middleeastelectricity.com/ «دریاچه ناصر»، دریاچه‌ای است که پس از [۲۴]

ساختن سد آسوان مصر، ایجاد شد و ۵۵۰ کیلومتر طول و ۵،۲۵۰ کیلومتر مربع
سطح آن می‌باشد. این دریاچه به نام رئیس جمهور فقید مصر، جمال عبدالناصر،
نامیده می‌شود.

www.greenpeace.org/international/press/report/energyrevolutionreport [۲۵]

Cost of the Swedish Wast Nuclear Program, www.Sciencedirect.com/ [۲۶]

Science/article

[۲۷] پیشین

[۲۸] خطر نبرد هسته‌ای نوین، کالدیکوت هلن، دکتر احمد رجایی و مهین سروری،

همراه با هشدارنامه آندره ساخارف، شرکت انتشارات قلم، چاپ اول، ۱۳۸۸

Power to the People www.egypttoday.com./article.Aspx?ArticleID=7036 [۲۹]

[۳۰] روزنامه‌ی آیندگان در ۲۵ آوریل ۱۹۷۹، ۱۴ جون ۱۹۷۹ و روزنامه جمهوری

اسلامی ۱۶ جون ۱۹۷۹ نقل از Iran's Nuclear Odyssey, 2013. P37

www.publicintegrity.org/War Card/Default.aspx [۳۱]

[۳۲] کتاب «دکترین شوک»، نوشته خانم «نائومی کلاین» ترجمه‌ی مهرداد شهابی و

میرمحمد نبوی، کتاب آمه، ۱۳۸۹، مستنداً و مفصلاً، شیوه‌ی تخریب کشورهای

جهان سوم را در بعد از جنگ جهانی دوم که توسط سرمایه‌داری جهانی، انجام شده

آورده است. در این کتاب توضیح داده شده است که تخریب را به شکل «شوک»

وارد می‌کنند که رهبران و مردم هدف تخریب، ابتدا گیج و منگ شوند و تا مدت‌ها

نتوانند عکس‌العمل نشان دهند. «تخریب خلاق» (Creative Destruction)؛ یعنی

«اول تخریب و نابود کردن و سپس خلاقانه ساختن»! است. در سال ۲۰۰۴ در

وزارت خارجه امریکا، واحد جدیدی به نام «اداره بازسازی و تثبیت» (Office of

Reconstruction and Stabilization) ایجاد شده است تا کشورهایی که توسط

رهبران امریکا، قرار است تخریب شوند، قبلاً «ساختن» آنها هم مطالعه شود. در

سایت‌های اینترنتی اطلاعات بسیار زیادی در مورد «تخریب خلاق»، قابل دسترسی

است.

Joseph E. Stiglitz and Linda J. Bilmes the Three Trillion Dollar War, [۳۳]

April, 2008.

Statement on Signing the Iraq Liberation Act of 1998, October 31/1998 [۳۴]

www.Presidency.ucsb.edu/ws/?pid=55205

[۳۵] www.digarban.com/print/14934 ۲۰ مهر ۱۳۹۲

[۳۶] www.ir.voanews.com/articleprintview/1808665.html

[۳۷] www.ir.voanews.com/articleprintview/1767128.html شنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۲

[۳۸] www.ir.voanews.com/articleprintview/1776536.html سوم آبان ۱۳۹۲

[۳۹] www.news.gooya.com/politics/archives/2013/10/169239_print.phd دوم

آبان ۱۳۹۲

[۴۰] www.digarban.com/print/15220

[۴۱] آینده آنلاین ۹۲/۹/۷

[۴۲] www.pyknet.net/1392/04_azar/18/Page/mesbah.pdf ۱۸ آذر ۱۳۹۲

[۴۳] رجانیوز نقل از www.gooya.com/Politics/archives/2013/12/172465

Print.php

[۴۴] www.rajanews.com/Print-Friendly.asp?...

[۴۵] یادداشت روز کیهان نقل از www.ammariyon.ir/fa/print یازدهم آذر ۱۳۹۲

[۴۶] www.radiofarda.com/articleprintview/25/49673.html

[۴۷] www.radiofarda.com/articleprintview/25191397.html

[۴۸] نگاه کنید به: Ninan Koshy, US Pivot risk Asia-Pacific Cold War,

www.atimes.com/atimes/world/WoR-ol-230713.html

و همچنین به: "Rebalancing" The Obama Administration Pivot to The Pacific?

Toward Asia, CRS Report for Congress, www.CRS.gov

[۴۹] پیشنهاد برژینسکی در کتاب جدید خود، بینش استراتژیک امریکا و بحران قدرت

جهانی، ترجمه دکتر علی بهفروز، انتشارات صمدیه، زیر چاپ

[۵۰] موافقت ایران با مسافرت خانم پیلای به جای احمد شهید و ملاقات هیأت

پارلمانی اروپا با خانم ستوده و آقای پناهی در سفارت یونان.

[۵۱] بخشی از اظهار نظرات جناح اقتدارگرای مخالف وحدت ملی را در اینجا

می‌آوریم:

- مسعود جزایری، معاون ستاد کل نیروهای مسلح، در مراسم بزرگداشت ۹ دی در

خبرگزاری فارس گفته است: «وزارت اطلاعات باید نسبت به شکل‌گیری فتنه‌های

جدید مراقبت کند چرا که ۲ ضلع فتنه [حتماً منظور هاشمی و خاتمی است] که

خارج از حصر هستند، فتنه را مدیریت می‌کنند... بنده دلایل متقنی دارم که حصر

باید تشدید شود... در هیچ کجای جهان به کودتاگران فرصت مدیریت مجدد داده

نمی‌شود و اگر این فرصت داده شود، اشتباه است... آحاد مردم، رزمندگان و

بسیجیان ما در جنگ حضور داشتند و خیلی از آنها در این کشور سرهنگ شده‌اند،

از این رو باید مراقب باشیم که چه چیزی می‌گوییم... همه ما در فضای جنگ نرم

تنفس می‌کنیم... باید جنگی فکر کنیم و کسانی که به این فضا اعتقاد ندارند اگر

مسئولیتی در کشور داشته باشند جامعه را به بی‌راهه می‌برند... کسانی که مسئولیت دارند، مراقب باشند چه می‌گویند و بدانند که حرف‌هایشان بُرد دارد از این رو نباید حرف‌های دشمن شاد کن بزنند» (سایت دی‌گربان ۹ دی‌ماه ۱۳۹۲)

- **محمد نبی حبیبی**، دبیرکل مؤتلفه اسلامی، در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا گفته است: «آقای نوبخت (سخنگوی دولت) می‌گویند رفع حصر و آزادی زندانیان در دستور کار دولت است... سران فتنه حادثه‌ای ایجاد کرده‌اند که موجب قتل ۲۲ شهید در سال ۸۸ شد. حامیان و مشوقان این فتنه به نوعی مباشر در این قتل‌ها و فتنه‌گری... می‌باشند. مدعی‌العموم در این مورد وظایفی دارد بر فرض هم در این مورد سکوت شود، پاسخ شاکی خصوصی این قتل‌ها را چه کسی می‌دهد؟ مگر وطن‌فروشی و در معرض خطر قراردادن استقلال کشور جرم کمی است» (رسانه‌های مجازی ۱۱ آذر ۹۲)

- **سخنان آقای ابراهیم جباری**، فرمانده سپاه حفاظت «ولی امر»، که در شبکه‌های اجتماعی «افسران جنگ نرم» و «سنگری‌ها» روز شنبه بیستم مهر، منتشر شد. از قول وی نقل شده که: «و الا خاتمی و امثالهم کوچک‌تر از آن هستند که با آن‌ها دهان به دهان شویم... خاتمی همواره حامی عبدالکریم سروش بود و هیچگاه از او و افکار شیطان‌اش برائت نجست» (دی‌گربان ۲۱ مهر ۱۳۹۲)

- **سید احمد علم‌الهدی**، امام جمعه مشهد، در مصاحبه با آدینه تهران گفته است که حصر موسوی و کروبی و رهنورد توسط دادستان انجام شده و این حصر با توجه به ارتباطاتی که اینان با جریان‌های خارجی فتنه‌گر داشتند و به دلیل جلوگیری از این امر، صادر شد. (رسانه‌های مجازی ۱۷ آذر ۹۲)

- **حیدر مصلحی**، وزیر اطلاعات احمدی‌نژاد، مدعی گردید که: «سران فتنه به جرم مفسد فی الارض باید اعدام شوند، اما بنا به رأفت و عطوفت نظام حق نفس کشیدن دارند» او ضمناً گفت که اطلاع‌طلبان جایگاهی در بین ملت ایران ندارند و قصد دارند با بلوا نظرها را به خود جلب نمایند اما باید بدانند که این اقدامات نمی‌تواند تأثیری در دادن مشروعیت به آنها ایفا کند چرا که ماهیت آنها برای همه ملت مشخص است. (رسانه‌های مجازی ۲۲ آذر ۱۳۹۲)

علی مطهری، نماینده مجلس، در واکنش به گفته آقای مصلحی، وزیر اطلاعات

احمدی نژاد، که به میرحسین و کربوبی؛ اتهام محاربه داده بود، گفت: «با این اطلاعات فقهی چگونه وزیر اطلاعات شدید... اگر این منطق آقای مصلحی را مبنا قرار دهیم خیلی افراد محارب می‌شوند. مثلاً تکلیف خود آقای مصلحی چه می‌شود که در زیر مجموعه ایشان بر خلاف قانون، کارگذاری دستگاه شنود در دفتر کار من اتفاق افتاد. مشخصه اصلی محارب بودن دست به سلاح بردن است... اولین کسی که محارب و باغی است آقای احمدی نژاد است که بارها قانون شکنی کرد... چرا آقای مصلحی ایشان را محارب و باغی ندانست و بلکه حمایت می‌کرد... پیش از آنکه انصاف و خیرخواهی در قضاوت ایشان در کار باشد، هواهای نفسانی در میان است» (جرس، اول آذر ۱۳۹۲)

- **قاسم روانبخش**، عضو شورای مرکزی جبهه پایداری در مورد امکان سفر آقای خاتمی به افریقای جنوبی و شرکت در مراسم تشییع جنازه ماندلا گفت: «خاتمی در سفرهای خارجی قابل اطمینان نیست و باز هم احتمال دارد این سفر نیز در راستای چنین اهدافی [منظور وی اشاره به سفرهای سال ۸۸ آقای خاتمی به منظور دریافت اعانه برای فتنه ۸۸] باشد.» (نواندیش ۱۸ آذر ۱۳۹۲)

- **آقای خاتمی**، **امام جمعه** موقت تهران، گفت: «فتنه‌گران با سوء استفاده از شرایط موجود و پست گرفتن برخی از دوستان و شرکای جرم خود در دولت، پررو و طلبکار شده‌اند و احساس می‌کنند فضا، فضای آنان است... . مقام معظم رهبری بیش از ۲۰۰ بار در خصوص حوادث ۸۸ از واژه فتنه استفاده کردند اما عده‌ای می‌گویند که فتنه چیست و این مرزها را کنار بگذارید» (جمعه ۱۵ آذر ۹۲؛ www.news.gooya.com/plitics/archive)

آقای علی مطهری در نامه‌ای در مورخ ۹۲/۹/۲ به آقای جنتی که آقایان موسوی و کربوبی را «محارب و مفسد فی الارض» خوانده بود، آن را باطل اعلام کرد و با ماده ۲۷۷ قانون مجازات اسلامی، منطبق ندانست. (رسانه‌های مجازی ۹۲/۹/۲)

- **آقای حیدر مصلحی**، وزیر اطلاعات احمدی نژاد در روز ۱۴ آذر ۹۲ به خبرگزاری فارس در جواب آقای ظریف که در روز سه‌شنبه ۱۲ آذر ۹۲ در دانشگاه تهران گفته بود: «آمریکا می‌تواند با یک بمب، تمام سیستم دفاعی ایران را از کار بیندازد» گفته است: «...چنین حرفی نشان‌دهنده نفهمی صاحب آن است و برای این

افراد زود است که قدرت نظامی ایران را بشناسد.» (رسانه‌های مجازی ۱۴ آذر ۹۲)

آدم انتظار دارد که کسی که سال‌ها وزیر اطلاعات بوده است، حداقل، اطلاعات عمومی او از توان نظامی کشورهای جهان به واقعیت نزدیک باشد. آیا آقای مصلحی از توان نظامی امریکا اطلاعات کلی دارند؟ یا با اینگونه سخن گفتن قصد توهین و عوام‌فریبی دارند؟ بودجه دستگاه‌های اطلاعاتی امریکا سالانه ۱۱۰ میلیارد دلار است و این یک سوم کل بودجه آلمان می‌باشد. این بودجه و این دستگاه‌های اطلاعاتی برای مبارزه با تروریسم نیست. برای پروژه آمریکای قرن ۲۱ است (آقای تجلی‌مهر، کارشناس اطلاعاتی، برنامه افق صدای امریکا، ۱۴ بهمن ۹۲). جواب آقای مصلحی را مصاحبه فرماندهان سه‌گانه سپاه با کانال ۲ تلویزیون دوشنبه شب ۹۲/۶/۲۵ دادند. آنجا که فرمانده نیروی زمینی از اصول جنگ «ناهمتراز» و تکیه بر پدافند غیرعامل، تأکید کرد. او گفت که قدرت نظامی ما با امریکا همتراز نیست. آیا آقای مصلحی و همفکران ایشان می‌دانند که امریکا ماهانه در کشورهای پاکستان، افغانستان، هندوستان، عراق، عربستان سعودی، ایالات متحده امریکا، مصر، ایران، اردن، آلمان، فرانسه، اسپانیا، ایتالیا، هلند و... ۱۲۵ میلیارد تلفن را شنود می‌کند که حتی مکالمات متحدان آن مانند صدراعظم آلمان و نخست‌وزیر انگلیس هم در میان آنهاست؟ (www.cryptome.org/2013/10/nsa-125b-calls.htm) آیا وزیر محترم اطلاعات پیشین از سلاح‌های هسته‌ای جدید امریکا و مراکز تحقیقاتی آنها در زمینه سلاح هسته‌ای اطلاع دارند؟ (کتاب بسیار ارزشمند «خطر نبرد هسته‌ای نوین»، خانم کالدیکوت هلن، ترجمه دکتر احمدعلی رجایی و مهین سروری، انتشارات قلم، ۱۳۸۸) آیا آقای مصلحی مطلع هستند که به قول چامسکی اجداد این امریکایی‌ها پس از تسخیر قاره امریکا، یکصد میلیون سرخ‌پوست بومی را قتل عام کرده‌اند و از کشتن و نابود کردن بومی‌ها به خود تردیدی - در هیچ کجای جهان - نمی‌دهند؟ آیا آقای مصلحی خبر دارند که در یک طرح تحقیقاتی که در ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۸ منتشر شده است، برای مقابله با ایران استفاده از سلاح هسته‌ای پیش‌بینی شده است که بین ۱۶ تا ۲۸ میلیون کشته‌ی فوری خواهد داشت؟ (www.csis.org.cordsman) آیا آقای مصلحی از سلاح جدیدی به نام HAARP اطلاعی دارند که تخریب را در پوشش عوامل طبیعی؛ مانند زلزله، سیل و... انجام می‌دهد؟ آقای مصلحی که معتقد

است که: «دولت دهم در دو سال پایانی عمر خود دچار مشکلاتی شد و سرویس‌های اطلاعاتی در ایجاد این مشکلات دست داشتند» (رسانه‌ها ۹ دی ماه ۹۲) چرا جلوی این دست‌ها را نگرفتند؟! در حالیکه وزیر اطلاعات بودند. معمولاً آقای مصلحی به بیان چنین گزاره‌های بی‌آدرس و مستند، عادت دارند. مثل اینکه گفته‌اند حزب توده پست سر فتنه بود (مهر، در مراسم عزاداری محرم در مهدیه اصفهان، رسانه‌ها ۱۳ دی ۹۲) و در همان سخنرانی گفته‌اند که فتنه ۸۸ جنگ بین‌المللی بر علیه نظام بود. هدف از این بزرگ‌نمایی‌ها و آدرس‌های غلط دادن، چیست؟ گمراه کردن مردم؟ خودفریفتن؟ اگر آقای مصلحی این اطلاعات را دارند، با چه جرأتی چنین سخن می‌گویند؟ و اگر ندارند، چرا بلوف می‌زنند؟! و با سرنوشت یک ملت چنین خطرناک بازی می‌کنند؟! آقای مصلحی وزیر اطلاعات را بوده‌اند که نتوانسته‌اند از ترور دانشمندان هسته‌ای جلوگیری کنند و نتوانسته‌اند از نفوذ و تخریب بدافزارهایی چون استاکس‌نت، مهدی، فلیم و... جلوگیری کنند، چگونه چنین شعار مقابله با امریکا می‌دهند؟ آیا آقای مصلحی نمی‌دانند که فاو و جزایر مجنون را صدام، پس نگرفت، اطلاعات امریکا بود که او را قادر ساخت. واقع‌گرایی، از وظایف دستگاه اطلاعاتی و وزیر آن است و وزیر سابق باید بداند که نقطه ضعف امریکا در جهان کنونی، توسعه‌ی سیاسی، توسعه‌ی اقتصادی، توسعه‌ی فرهنگی و اخلاقی جوامع جهان عقب‌مانده است، نه درگیری نظامی. چیزی که گاندی و ماندلا و علی عزت بگویچ، انجام دادند.

- **کامران دانشجو، وزیر علوم احمدی‌نژاد**، در روز جمعه ۱۵ آذر ۹۲ در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه گفت: «فتنه خطرناک‌تر از نفاق است و استعداد بازسازی خود در دانشگاه را دارد... اگر همه دانشگاه را هم مسجد کنیم، دانشگاه اسلامی نمی‌شود. باید هنجارها، فرهنگ و علوم انسانی خود را از غرب جدا کنیم و دانشگاه هویت اسلامی بگیرد... باید از حضور اهالی فتنه در دانشگاه جلوگیری کنیم... فتنه هرج و مرج را به اسم آزادی نهادینه می‌کند... این چه تفاهمی است [منظور توافق ژنو است] که دو طرف ایران و امریکا برداشت و تفسیر خود را دارند... امریکا از ترس پیشرفت هسته‌ای ایران پای میز مذاکره آمده است» (رسانه‌های مجازی ۱۵ آذر ۹۲)

- **مجتبی ذوالنور**، مشاور نماینده ولی فقیه در سپاه، در گفتگویی با «تسنیم»، گفت: «موسوی و کروبی محارب هستند و حکم آنها اعدام است... معترضان در عاشورای ۸۸ ایستگاه‌های صلواتی مشروب گذاشته بودند... مختلط می‌رقصیدند و علیه ارزش‌های اسلامی شعار می‌دادند. (www.digarban.com/node/15563) ۲۸ آبان ۱۳۹۲

- **مهدی طائب**، فرمانده قرارگاه عمار، در گفتگو با تسنیم گفته است که: «جرم‌های آقایان موسوی و کروبی فقط شاهد داخلی ندارند بلکه مؤمنین در سراسر جهان از طریق رسانه‌ها، شاهد مجرم بودن آنها بودند... این آقایان برای کسانی کار کردند که هیچ‌گونه عاطفه و یا تعهدی ندارند، همین که منافع خودشان به خطر می‌افتد مأمور و سرسپرده‌ترین آدم خودشان را از سر راه برمی‌دارند. بنابراین اگر اینها از حصر خانگی آزاد شوند به احتمال قریب به یقین توسط کسانی که روزی آنها را برای فتنه پشتیبانی می‌کردند، همان‌ها برای اینکه نظام اسلامی و مسلمانان و اسلام را بدنام کنند، این آقایان را سر به نیست کرده، بگویند افراد رادیکال تندرو این کار را انجام دادند... به هر حال نگه داشتن کروبی و موسوی در حصر به نوعی جلوگیری از کشته شدن آنهاست... بنابراین آنها باید شاکر نظام اسلامی و دستگاه قضایی باشند که این‌گونه آنها را حفاظت می‌کنند.» (۲۹ آبان ۱۳۹۲)

- **آقای احمد جنتی**، امام جمعه تهران، گفت: «اگر رأفت فوق‌العاده نظام اسلامی نبود، اینها باید اعدام می‌شدند... نظام خیلی منت بر سر اینها گذاشته و گفته است بمانید و زنده باشید و در خانه خودتان باشید و بهداشت را رعایت کنید... حاضر نیستند از کرده خود اظهار ندامت کنند» (نماز جمعه اول آذر ۱۳۹۲)

- **آقای علی فلاحیان**، وزیر اسبق اطلاعات، در گفتگو با تلویزیون گفته: «به امام گفتم کار در وزارت اطلاعات با تقوا جور در نمی‌آید.» (رسانه‌های مجازی ۱۹ مهر ۱۳۹۲)

عده‌ای از دلسوزان مملکت هم موضعی متفاوت و حتی متضاد با طرفداران حصر و اعدام و کشتن رهبران جنبش سبز گرفته‌اند. قبلاً از مواضع آقای علی مطهری ذکری کردیم. در اینجا چند اظهار نظر را می‌آوریم:

- **آقای دکتر محسن رنانی**، اقتصاددان دلسوزی است که از موضع منافع اقتصادی

مملکت، گریزی به مسائل سیاسی هم می‌زند. ولی در مصاحبه با «فرارو» می‌گوید: «حل و فصل سریع مناقشه اتمی، آشتی ملی و حل و فصل مناقشه ۸۸، و عفو عمومی؛ یعنی حل و فصل مسائل سیاسی داخلی کل دوران پس از انقلاب» این مسائل شوک‌های هستند که به اقتصاد وارد شده. او می‌گوید: «خطیب جمعه تهران صحبت از اعدام رهبران جنبش سبز می‌کند، یعنی ندانسته دارد به بخش خصوصی پیام می‌دهد که دست ننگه دارید ممکن است به زودی در این کشور تحولاتی مهم رخ دهد که آینده سرمایه‌های شما را در ابهام فرو ببرد... اکنون اولویت اول اقتصاد ما «رشد» نیست بلکه «ثبات» است» (فرارو، دوشنبه ۴ آذر ۱۳۹۲)

- **علی مطهری**، در مصاحبه روز شنبه ۱۱ آبان ۹۲ با خبرگزاری فارس گفته است: «کسانی هستند که حاضرند با سند و مدرک ثابت کنند در انتخابات سال ۸۸ تقلب شد و سپاه پاسداران خواستار تداوم حضور محمود احمدی‌نژاد در قدرت بوده است... اکثر اصول‌گرایان نسبت به مسئله حفظ نظام دید خاصی دارند که به عقیده من دیدگاه درستی نیست. آن‌ها در مسئله حفظ نظام، ضایع شدن حقوق مردم را خیلی مهم تلقی نمی‌کنند. نوع برخوردی که با معترضان سال ۸۸ صورت گرفت این مطلب را تأیید می‌کند... من معتقدم که اگر آقایان موسوی و کروبی و احمدی‌نژاد همان ماه‌های اول به‌طور همزمان محاکمه علنی می‌شدند، فتنه همان روزها تمام شده بود اما چون یک طرف دیده نشد و متأسفانه فقط از یک طرف انتقاد شد و به آن‌ها نیز آزادی داده نشد که حرف بزنند... تا زمانی که شما به آن‌ها آزادی ندهید که بیایند حرفشان را بزنند، این حرف‌ها همه باطل است. شما اجازه بدهید آن‌ها از خودشان دفاع کنند؛ موسوی، کروبی، هاشمی و خاتمی و دیگران حرفشان را بزنند تا مردم قضاوت کنند. آن‌ها اصل انقلاب و نظام را قبول دارند. رهبری را هم قبول دارند فقط این وسط آقای احمدی‌نژاد آمد و کشور را به هم ریخت و همه را به جان یکدیگر انداخت... تنها کسی که در کشور فریب آقای احمدی‌نژاد را نخورد آقای هاشمی بود و گفت او برای کشور خطر دارد... اصول‌گرایان نوع نگاهی که به ولایت فقیه دارند، دست و بالشان را بسته است... در جریان سال ۸۸، ۹۰ درصد اصول‌گرایان می‌گفتند مدیریت احمدی‌نژاد صلاح نیست ادامه داشته باشد، ولی همه گفتند تمایل آقا به احمدی‌نژاد است. این کار غلطی است که رهبری را در موضوع

انتخابات داخل کنیم... اشکال دوم اینکه سپاه و بسیج وارد شدند... شورای نگهبان آقای جلیلی را تأیید کرد، ایشان نقص عضو دارند، حال علتش هرچه بوده جهاد فی سبیل الله بوده یا چیز دیگر کاری نداریم، رئیس جمهور گاهی باید برود سر پروژه در کوه و بیابان، چرا آنجا چیزی نمی گویند»

(www.news.gooya.com/politics/archives/2013/11/169773 print.phd)

- **هاشمی رفسنجانی**، رئیس مجمع تشخیص نظام، در دیدار با فرزندان آقای موسوی و کربوبی گفت: «به رهبری گفتم اگر اتفاقی برای محصورین رخ دهد ننگش همیشه بر دامن نظام خواهد ماند... شرایط آقایان کربوبی و موسوی حصر نیست بلکه زندان انفرادی است» (یکشنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۲)

(www.news.gooya.com/politics)

سایت کلمه در ۲۲ آبان ۱۳۹۲ گزارش داد که تلفن شخص میرحسین توسط نهاد امنیتی، بدون اجازه، به فردی در نهادی واگذار شده است! کلمه، اسم نهاد و آن فرد را می داند که اگر این اقدام اصلاح نشود، اعلام خواهد کرد.

- **مصطفی پورمحمدی**، وزیر دادگستری در برنامه تلویزیونی شب آفتابی (رسانه‌ها ۷ دی ۹۲):

تحریم‌های بین‌المللی سبب گسترش فساد در جمهوری اسلامی شد. تحریم‌ها فساد اقتصادی را در ایران توسعه داد. ما ارتباط تحریم‌ها با گسترش فساد در ایران را به مقام‌های سازمان ملل هم اعلام کرده‌ایم.

- **حسن خسروجردی**، رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی، گاز و پتروشیمی، در مصاحبه با ایسنا (رسانه‌ها ۱۷ دی ۹۲):

با تنها صادرکننده موفق بخش خصوصی در بخش نفت خام بر خورد خوبی نشد. اشتباه بابک زنجانی بزرگ‌نمایی خودش بود. متأسفانه یکی هم که در این میان توانست به صادرات نفت خام اقدام کند متأسفانه شاهد هستیم که نتیجه برای آن فرد منفی بوده است.

کیهان (رسانه‌ها ۱۷ دی ۹۲):

باید مراقب بود فتنه‌گران حامی تحریم‌ها، پوست خربزه زیرپای دولت جدید نگذارند و قدرت مانور دولت از طریق بخش خصوصی برای دور زدن تحریم‌ها را

از دولت سلب کنند.

[۵۲] نگاه کنید به:

۱- ندای صلح و آزادی در شرایط خطیر ملی، شورای فعالان ملی - مذهبی ۸ آذر

www.mellimazhabi. ۱۳۸۶

۲- Mohammad Elbaradei, The Age of Deception

۳- Ali Vaez and Karim Sadjadpour, Iran's Nuclear Odyssey Cost and

Risks, Carnegie Endowment for International Peace/2013

۴- محسن رنانی، اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی ایران، درآمدی بر عبور تمدن‌ها،

اردی‌بهشت ۹۲، www.renani.ir

۵- Renewable Energy Potential of the Middle East, North Africa VS. The

Nuclear Development Option, Geni, Global Energy Network Institute

2007, www.geni.org

۶- Muhammad Sahimi, استاد مهندسی شیمی دانشگاه کالیفرنیا جنوبی و

متخصص انرژی. وبسایت شخصی نویسنده.